



برایان هوک: گزینه نظامی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران همیشه روی میز است



افزایش اعتراضات صنعتی: تجمع اعتراضی کارکنان دو وزارتخانه نفت و ارتباطات!

«اعدام درمانی» برای نجات نظام



گرافیتی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران | تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

● نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد با صدور و اجرای احکام اعدام و تیرباران و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، مانع اعتراضات مردمی بشود که دیر یا زود دوباره به خیابان‌ها خواهند آمد.

سر مقاله

کرونا در ابعاد همیشه فجیع جمهوری اسلامی

وقتی سازمان بهداشت جهانی، بر اساس گزارش مفصل آسوشیتدپرس، با تأخیر تقریباً دو هفته‌ای، شیوع ویروس کرونا را در جهان همراه با «وضعیت اضطراری» اعلام کرد، هر شنونده‌ای با اندکی تأمل می‌بایست آن را جدی بگیرد چه برسد به دولت‌هایی که در مقابل جوامع خود مسئولیت‌های سنگین بر دوش دارند.

تیزر

راهبر دنظام برای ماندگاری: ایران فروشی!

هیئت دولت پیشنویس «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین» را تصویب و حسن روحانی طی دستوری محمدجواد ظریف را مأمور پیشبرد این برنامه کرده است. هرچند نخستین مقدمات این برنامه بیش از ۴ سال پیش آغاز شد اما تصویب پیشنویس آن در هیئت دولت، بار دیگر پیامدهای این همکاری پر ابهام را برجسته کرده است. سوم بهمن ۱۳۹۴ شی چین پینگ رئیس جمهوری خلق چین طی سفر به ایران، در روندی نامعمول، با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دیدار کرد. در این سفر تفاهم‌نامه‌ای با عنوان «مشارکت جامع استراتژیک چین و ایران» به امضا رسید اما خبری درباره جزئیات آن منتشر نشد.

قراردادی شبیه فاجعه

تهران - واشنگتن: تلاش ناکام جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری بر انتخابات آمریکا

گزارش ویژه؛ گفتگو با یک کارشناس سیستم‌های مخابراتی درباره قطع اینترنت و تلاش برای «اینترنت ملی»: امکانات ارتباطات در خدمت محدودیت ارتباطات!

سیاست‌های شکست‌خورده‌ی نظام برای «تاپ‌آوری» مردم؛ اعتراضات از سر گرفته خواهد شد

مرد روز: شکر و ورزش بدون گرم‌زدگی در تابستان

زن روز: راه‌چاره‌ای برای سیاهی و کبودی دور چشم

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۷۶) - احمد احرار

۱۳ تیرماه: ۲۵۶۶ مبتلای جدید و ۱۵۴ جانباخته؛ ابتلای خانوادگی به کرونا در ایران



دیگر بس است! عاملان گسست و نشستگان بر «سفره انقلاب» حرفی برای گفتن به نسل‌هایی که آنها را نمی‌خواهند ندارند

جمهوری اسلامی و عملکردش عینی‌ترین و مهم‌ترین سند و مدرک در اثبات این گسست است. هفته گذشته ۲۳ ژوئن ۲۰۲۰ فائزه هاشمی رفسنجانی دختر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی از بنیانگذاران و نخستین‌زمامداران...

جمهوری اسلامی نه یک ضرورت و روند لازم در حرکت جامعه‌ی ایران به سوی آینده بلکه یک سانحه و گسست عمیق تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و روانی است که عناصر مختلف داخلی و خارجی در وقوع آن نقش بازی کرده‌اند. خود



وبسایت کیمهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

گفتگویی به یاد محمدعلی کشاورز: برای هنر باید دانا و پاک و بی‌آلایش بود...

محمدعلی کشاورز یکی از چهره‌های شاخص تاریخ سینما، تئاتر و تلویزیون ایران چندی پیش در ۹۰ سالگی از دنیا رفت. نگاهی به برخی نقش‌های ماندگار وی مانند «دایی‌جان سرهنگ» در مجموعه تلویزیونی «دایی‌جان ناپلئون»، «شعبان استخوانی» در سریال

دلیل اصلی عدم تصویب اساسنامه فوتبال ایران از سوی فیفا چیست؟

رئیس کمیته حقوقی و تدوین مقررات فدراسیون فوتبال ایران درباره آخرین وضعیت اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال که هنوز به تصویب فیفا نرسیده توضیح داده است که در پی مکاتبات انجام گرفته با فدراسیون جهانی فوتبال و با توجه به شرایطی که به دلیل بحران کرونا وجود دارد، امکان برگزاری جلسات حضوری وجود ندارد و بنابراین ناگزیر هستیم از طریق کنفرانس ویدئویی، کنفرانس تلفنی و ارسال ایمیل و نامه روند مذاکرات و انجام اصلاحات را طی کنیم.

احمدرضا براتی درباره عدم ارسال پیش‌نویس به اعضای مجمع و هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال هم گفته: اعضای هیئت رئیسه بطور کامل در جریان ادامه مذاکرات با فیفا قرار دارند و از جزئیات اساسنامه باخبرند و بر روند اصلاحات نظارت می‌کنند.

«اعدام‌درمانی» برای نجات نظام

نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد با صدور و اجرای احکام اعدام و تیرباران و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، مانع اعتراضات مردمی بشود که دیر یا زود دوباره به خیابان‌ها خواهند آمد.

نام جمهوری اسلامی از همان روزهای اول به اعدام و تیرباران گره خورد. تیرباران‌هایی که بر پشتم‌بام مدرسه رفاه تهران، چهار روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شدند، هنوز ادامه دارند. آخرین سری که تا زمان نگارش این نوشته در جمهوری اسلامی بر سر دار رفت، اجرای حکم قصاص یک بلوچ در روز ۱۰ تیر ۹۹ در ابرانشهر بود. در جمهوری اسلامی هر مشکل را می‌خواهند با اعدام حل کنند. برای ده‌ها جرم احکام اعدام صادر می‌کنند: از قتل تا قاچاق مواد مخدر، از فساد اقتصادی تا آنچه جرائم امنیتی می‌خوانند که البته در حقیقت سیاسی و عقیدتی هستند و نمی‌بایست «جرم» محسوب شده و مجازات شوند!

اعدام به دلیل شرکت در تظاهرات

هفته گذشته برای روح‌الله زم مدیر و بنیانگذار کانال تلگرامی «آمدنیوز» حکم اعدام صادر شد. روح‌الله زم برای ۱۳ اتهامی که به او نسبت داده شده، و به گفته سخنگوی قوه قضائیه از مصادیق «فساد فی‌الارض» هستند، در دادگاهی به ریاست ابوالقاسم صلواتی حکم اعدام گرفته است، در حالی که برای دیگر اتهامات وارد شده به وی حبس ابد صادر کرده‌اند.

حکمی که واکنش بی‌درنگ بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای روزنامه‌نگاری بین‌المللی را به دنبال داشت. دولت فرانسه نیز که روح‌الله زم قبل از سفرش به بغداد و ربوده شدن وی در این شهر و سپس انتقال به ایران، در آن سکونت داشت به این حکم اعدام اعتراض کرده است.

تائید حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجدیدی و محمد رجبی در دیوانعالی نیز، این روزها واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشته است. این سه جوان در پی خیزش مردمی آبان ۹۸ بازداشت شده و در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران که ریاست آن با ابوالقاسم صلواتی است به اتهام «مشارکت در تخریب و تحریق به قصد مقابله با نظام» به اعدام، ۳۸ سال زندان و ۲۲۲ صربه شلاق محکوم شده‌اند. علی خامنه‌ای که اخیر ادعا کرده است در آمریکا هر کس برای شرکت در تظاهرات به خیابان بیاید را بازداشت و بدون محاکمه به زندان

و قوانین کیفری جمهوری اسلامی اعدام است. روز ۲ ژوئیه شعبه دوم دادگاه انقلاب اورمیه به ریاست علی شیخلو نیز یک زندانی عقیدتی کرد به نام محی‌الدین تازه‌وارد را به اعدام محکوم کرد.

شیرین عبادی حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل (۲۰۰۳) دراعتراض به حکم اعدام سه تن از معترضان آبان‌ماه می‌گوید: «این احکام، حکم قضایی نیستند بلکه مجازات سیاسی و امنیتی است. درواقع حکومت می‌خواهد با حذف عبرت‌آموز این سه نفر، به مردم معترضی که هر آن ممکن است به دلیل بی‌کفایتی حکومت و فساد روزافزون افراد حکومتی خون‌شان به جوش بیاید، ضرب شست نشان دهد و آنها را سر جایشان بنشاند.» شیرین عبادی با اشاره به دادگاهی که این حکم غیرعادلانه را صادر کرده می‌افزاید

«پرونده‌ای که دست‌ساز ماموران امنیتی است و مستندات آن زیر شکنجه از متهمان اخذ شده، دادگاه غیرمستقلی که درش بسته است و متهم و وکیل هم صدایشان به جایی نمی‌رسد، دادگاه نیست، قصاب‌خانه سیاسی است نه دادگاه!»

اعدام ابزار ایجاد رعب و وحشت

در هفته‌های اخیر بسیاری از عناصر جمهوری اسلامی نیز با اشکال مختلف نگرانی خود از قیام مردمی جدید را بیان کرده‌اند. بحران اقتصادی گسترده که تنها بخشی از آن نتیجه تحریم‌های آمریکااست، اقتصاد جمهوری اسلامی را در لبه پرتگاهی قرار داده که بازگشت از آن مشکل به نظر می‌آید. فقر گسترده پایه‌های اجتماعی نظام را روز به روز ضعیف‌تر کرده است. سران نظام نیز هر روز مردم را تهدیدی جدی‌تر علیه خود می‌بینند. ناکاراآیی در یافتن پاسخ برای مشکلات مردم، نظام را به نوعی مجبور ساخته است با استفاده بیشتر از هرگونه خشونت، که احکام اعدام یکی از آنهاست، رعب و وحشت را در جامعه گسترش دهد تا هر حرکتی را که بتواند به درهم کوبیدن نظام حاکم بیانجامد و یا تضعیف شدن آن را سرعت بخشد، متوقف سازد.

تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد رهبران جمهوری اسلامی در کوتاه‌مدت برای تثبیت قدرت خود به رفتارهای



خشونت‌آمیز از جمله اعدام متوسل خواهند شد چرا که برای سرکوب مطالبات بحق شهروندان، ابزاری بجز خشونت و اعدام در اختیار ندارند. اما در بلندمدت، از آنجا که هراس شهروندان از فضای رعب و وحشت ایجاد شده توسط حکومت نیز کاهش یافته است، دیگر «اعدام‌درمانی» هم نخواهد توانست این سیستم بیمار را یاری کند، تا رهبران نظام بتوانند آسوده سر به بالین بگذارند. دیوار ترسی که نظام حاکم طی ۴۰ سال بر پا ساخته بود در سال‌های اخیر آغاز بیخ فرو ریختن کرده است و دیر یا زود مردم خشمگین بار دیگر به خیابان خواهند آمد تا حکومت اعدام را برچینند.

واکنش به احکام اعدام

اعتراض به احکام اعدام اخیر و به ویژه تائید حکم اعدام سه جوان، امیرحسین مرادی، سعید تمجدیدی

وقتی سازمان بهداشت جهانی، بر اساس گزارش مفصل آسوشیتدپرس، با تأخیر تقریباً دو هفته‌ای، شیوع ویروس کرونا را در جهان همراه با «وضعیت اضطراری» اعلام کرد، هر شنونده‌ای با اندکی تأمل می‌بایست آن را جدی بگیرد چه برسد به دولت‌هایی که در مقابل جوامع خود مسئولیت‌های سنگین بر دوش دارند. برخی از دولت‌های جوامع باز مانند سوئد و آمریکا نیز، به دلایلی که خارج از بحث این نوشته است، واکنشی نه چندان بایسته و شایسته به این هشدار نشان دادند. اما این «بایستگی» و «شایستگی» در مورد حکومت‌هایی که صاحب انحصاری همه منابع کشورند، بدون آنکه به کسی پاسخگو باشند، صدق نمی‌کند. جمهوری اسلامی در ایران یکی از این حکومت‌هاست.

مسئولان این نظام در حالی که در چهل سال گذشته قادر به بنای زیرساخت‌های بهداشت و درمان لازم و کافی برای عموم مردم در سراسر کشور نبوده‌اند، در موج نخست شیوع کرونا در بهمین و اسفند ۹۸ خود را با بهترین امکانات موجود حفاظت و

قرنطینه کرده و اکنون نیز که حتی بر سر شروع اوج دوم کرونا در کشور با هم اختلاف نظر دارند، همچنان خود و خانواده‌هایشان از بهترین امکانات برخوردارند در حالی که مردم را راهی کار و مدرسه کرده‌اند و بعد تقصیر گسترش بیماری را به گردن همین مردم و عروسی و عزای آنها می‌اندازند! اما در کشورهایی که حکومت‌های عادی دارند، دولت‌ها روزانه با آگاهی‌رسانی مداوم و شفاف، همکاری تنگاتنگ با ویروس‌شناسان و دانشمندان، حمایت مادی و معنوی از مردم و تندرستی آنها و همچنین با مقرراتی که توسط نیروهای انتظامی کنترل می‌شود، توانستند شمار ابتلا و تلفات این ویروس را مهار کنند. اعتمادی که بین اکثریت جامعه به نهادهای مسئول در این جوامع وجود دارد، سبب همکاری آنها شد بطوری که طرفداران «تئوری توطئه» و افراطیون راست و چپ و اسلامگرا نتوانستند در این همکاری اختلال کنند.

در ایران اما جامعه‌ای که به حکومت‌اش بی‌اعتماد است و حکومت‌اش در بحران کرونا نیز از آنان

تئرو

بطور کامل منتشر شود.»
محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه نیز هفته گذشته در تویییتی به زبان چینی نوشت که در یک تماس ویدئویی با همتای چینی‌اش درباره مشارکت جامع استراتژیک دو کشور و پیشبرد برنامه ۲۵ ساله و همکاری‌های دوجانبه گفتگو کرده است.

نه «نگاه» بلکه نوکری «شرق»
در سال ۹۴ همزمان با سفر رئیس جمهوری خلق چین به ایران و دیدار با علی خامنه‌ای، علی‌اکبر ولایتی مشاور امور بین‌الملل رهبر جمهوری اسلامی و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام،به‌همراه‌هیئتی عازم روسیه شد. به گفته ولایتی در این سفر دیدارهایی با مقامات عالی‌رتبه روسیه در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، همکاری‌های منطقه‌ای و موضوعات استراتژیک انجام شد. هدف از این سفر دنبال کردن سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی در نگاه به شرق بود! رهبر جمهوری اسلامی و دیگر مقامات ارشد جمهوری اسلامی امیدوارند با این روند شاید از انزوای بین‌المللی خارج شده و فشار تحریم‌های ایالات متحده علیه نظام کاسته شود. در سطح کلان و درازمدت نیز نظام با تطمیع کشورهای دیگر به دنبال داشتن هم‌پیمانی است که دررویارویی با «دشمنان نظام» با آن همراهی کنند.

اما سال‌ها سرمایه‌گذاری برای بسترسازی در کشورهای شرق آسیا چون مالزی، سپس چرخش به سوی کشورهای آمریکای لاتین و دولت‌های چپ‌گرای آنها و بعد تلاش برای قد علم کردن در جهان با توسل به «برجام» و در نهایت چنگ انداختن به دامان چین و روسیه از جمله راهبردهای پریشان جمهوری اسلامی است در سیاست خارجی است.

امروز نیز مقامات نظام در حالی با توهم تبدیل شدن به «قدرت اقتصادی» از قرارداد با چین کمونیست ذوق‌زده هستند که تا توانسته‌اند به چین امتیاز داده‌اند! اما نگاهی به روابط چین با دیگر کشورها نشان می‌دهد که این سند همکاری برای چینی‌ها پس از قراردادهای کلان سرمایه‌گذاری این کشور در مناطق دیگر جهان قرار دارد. طی یک دهه گذشته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین ۸ برابر شده است؛ سرمایه‌گذاری چین در ۲۴ کشور آفریقایی و سرمایه‌گذاری در کشورهای استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی از جمله قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان از این دست هستند.

در این میان چین روابط دیپلماتیک خوبی هم با کشورهای عرب منطقه از جمله عربستان سعودی، کویت و عمان دارد و اسرائیل نیز یکی از استراتژیک‌ترین شرکای تجاری چین به شمار می‌رود. چین سومین شریک تجاری اسرائیل است و بیش از یک سوم سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با تکنولوژی‌های پیشرفته در اسرائیل، از

سرمقاله کرونا در ابعاد همیشه فجیع جمهوری اسلامی

به عنوان سیر انسانی استفاده می‌کند، نمی‌داند تکلیف‌اش چیست! آیا به حکم دولت می‌تواند با مترو و اتوبوس‌های پر از مسافر به سر کار برود و بطور انبوه با افراد دیگر در ارتباط باشد ولی به مسافرت نرود یا در عروسی و عزا شرکت نکند؟! چگونه با این یک بام و دو هوا برخورد کند؟!

در کشورهایی که با شفافیت و حمایت همه‌جانبه از مردم در مقابله با کرونا رفتار کرده‌اند، اعتماد جامعه به آنچه از مسئولان می‌شود به اندازه‌ای است که مخالفان تدابیر و توصیه‌های بهداشتی، خود را نه در برابر دولت، بلکه در برابر مردم می‌بینند! این، آن نکته‌ی مهم در مناسبات حکومت‌ها و جوامع است که در جمهوری اسلامی هرگز وجود نداشته! این است که هر بحرانی اگر در هر کشوری، ابعاد محدود خودش را دارد، در نظامی مانند جمهوری اسلامی، درست مانند سرکوب و فساد و اختلاس و ویرانی، ابعاد فجیع پیدا می‌کند. این نظام در بحران کرونا نیز که همچنان در ایران بطور فزاینده مبتلا می‌کند و می‌کشد، از این قاعده مستثناء نیست.

راهبرد نظام برای ماندگاری: ایران‌فروشی!

سوی چین تامین می‌شود. اینهمه نشان می‌دهد که این قرارداد «فتخارآمیز»، برای چین تنها استفاده از فرصت و ورشکستگی جمهوری اسلامی برای گرفتن امتیازات بزرگ است و به سرمایه‌گذاری جهت تقویت اقتصاد ایران!

همکاری‌های امنیتی و نظامی

در شهریور سال گذشته چندی پس از سفر ظریف به چین، محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با هدف «ارتقای دیپلماسی دفاعی» به چین سفر کرد. این نخستین سفر خارجی وی بود.

قدیر نظامی رئیس امور بین‌الملل و دیپلماسی دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه این سفر در «شرایط استثنایی» صورت گرفته، گفته بود که طی این سفر نقشه راهی ترسیم شد تا نیروهای مسلح دو کشور در آینده درعالی‌ترین سطح بتوانند همکاری کنند

پس از این سفر که همزمان با سفر هیئت ایرانی با ریاست ولایتی به روسیه بود، خبر برگزاری رزمایش مشترک دریایی ایران و روسیه و چین در شمال اقیانوس هند و دریای عمان منتشر شد این روند نیز نشان می‌داد جمهوری اسلامی به دنبال یافتن شرکای نظامی و امنیتی نیز هست که باز هم جز روسیه و چین نمی‌توانستند باشند! شرکایی که از شمال و جنوب مشغول بهره‌برداری از ایران هستند.

نقض حاکمیت ملی ایران

استقرار پنج هزار پرسنل امنیتی چینی در ایران برای محافظت از پروژه‌های چین در ایران یکی از نکات مبهم این تفاهم‌نامه است که در گزارش «پترولیوم اکونومیست» نیز به آن اشاره شده است. این موضوع جدا از آنکه یادآور استقرار نیروهای «پلیس جنوب» انگلیس در ایران در اواخر جنگ جهانی اول است، پرسش‌هایی را درباره نقض حاکمیت ملی ایران مطرح می‌کند.

با توجه به اینکه آنچه درباره «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین» تا کنون منتشر شده بیانگر دادن امتیازات اقتصادی بلندمدت به چین و به حراج گذاشتن منافع اقتصادی و سیاسی کشور و نسل آینده کشور است، معلوم نیست در بخشی که محرمانه مانده و منتشر نشده به کدام منابع کشور چوب حراج زده شده است!

مواضع جمهوری اسلامی در تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین که پیشاپیش از حقوق ایران در شمال کشور صرف نظر کرد و واگذاری منابع و مناطق جنوبی به چینی‌ها بیش از پیش این سیاست خائنانه را به نمایش می‌گذارد که زمامداران رژیم با «ایران‌فروشی» به دو قدرت روسیه و چین تلاش می‌کنند تا حق وتوی آنها را در نهادهای بین‌المللی و تصمیم‌گیری‌های جهانی برای ماندگاری خود بخرند!

روشنگ آسترکی

برایان هوک: گزینه نظامی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران همیشه روی میز است



بنیامین نتانیاهو و برایان هوک: اورشلیم: ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰

نماینده ویژه آمریکا در امور ایران به تلویزیون اسرائیل گفته: همانطور که رئیس جمهوری ایالات متحده تأکید کرده رژیم جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و گزینه نظامی در این مورد همیشه روی میز است.

خبرنگار اسرائیلی از برایان هوک پرسیده، شاید مسئولان رژیم ایران چشم به راه انتخابات آمریکا هستند؟ او پاسخ داد: این موضوعی است که حکومت ایران درباره آن باید اظهار نظر کند. اما مردم آمریکا و اسرائیل باید مطمئن باشند که دونالد ترامپ هرگز اجازه نخواهد داد رژیم تهران به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد.

گفته می‌شود سفر برایان هوک به عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و اسرائیل در راستای تلاش واشنگتن برای تمدید تحریم‌های بین‌المللی علیه فروش تجهیزات جنگی رژیم ایران صورت گرفته است. گفتنی است که این روزها جلوگیری از پایان تحریم‌های تسلیحاتی در کانون تلاش‌های واشنگتن قرار گرفته که بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل برای مدت پنج سال ادامه داشته و روز بیست و هفتم مه‌ماه امسال به پایان خواهد رسید.

این در حالیست که چین و روسیه که در شورای امنیت سازمان ملل متحد از حق وتو برخوردارند، قبلاً گفته بودند که از تمدید تحریم‌ها حمایت نخواهند کرد و در عمل نیز پشتیبانی نکردند.

نماینده چین در نشست مجازی روز سه‌شنبه این هفته در شورای امنیت سازمان ملل یادآور شد که واشنگتن

از نظر قانونی نمی‌تواند تحریم‌های سازمان ملل را برگرداند.

برایان هوک در مصاحبه با کانال سیزده تلویزیون اسرائیل ضمن تأکید بر اینکه آمریکا از مکانیسم‌های قانونی برخوردار است، گفت: ما از گزینه‌های قانونی موجود برای تمدید تحریم‌ها استفاده می‌کنیم و می‌توانیم یا راه آسان را برویم یا آنکه راه سخت را در پیش بگیریم. ما گزینه تحریم‌های بیشتر را می‌پسندیم و اگر بخش «الف» برنامه‌های ما موفق شود، لازم نیست سراغ طرح «ب» برویم.

برایان هوک چند روز پیش گفته بود: تحریم‌ها پیامدهای بسیار مؤثری برای رژیم ایران داشته است. هم‌زمان با سفر هوک به ریاض، علی‌القاصی مهر دادستان تهران گفت: از پلیس «اینترپل» خواسته‌ایم دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا را به

دلیل آنکه دستور کشته شدن قاسم سلیمانی را صادر کرده تحت تعقیب قرار دهد. اظهارات دونالد ترامپ و عده‌ای دیگر که به گفته القاصی در کشتن سلیمانی مؤثر بوده‌اند، از سوی بسیاری در سراسر جهان ادعایی مضحک و نوعی جنجال تبلیغاتی خوانده شد.

روز چهارشنبه کیلی مکنی سخنگوی کاخ سفید گفت: کشتن قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل حفاظت از نیروهای آمریکایی در خارج کشور، برنامه‌ریزی شده بود. او یادآور شد که قاسم سلیمانی از طریق ارسال انواع سلاح از جمله راکت، بمب و اسلحه‌های سبک به عراق، عامل مرگ ۶۰۰ تن از نیروهای آمریکایی شده بود.

دبیر کل گردان‌های حزب‌الله: سلاح مقاومت فقط به امام زمان تحویل داده می‌شود!



گردان‌های حزب‌الله موسوم به «کتاب حزب‌الله» اصلی‌ترین بازوی نظامی جمهوری اسلامی در عراق است. آنها در اشغال سفارت آمریکا در زمستان ۱۳۹۸ نقش اصلی داشتند

دست کم ۱۴ نفر از نیروهای حزب‌الله در این عملیات بازداشت شدند اما در برخی گزارش‌ها اعلام شد که آزاد شده‌اند.

ابوعلی العسکری یکی از فرماندهان گردان‌های حزب‌الله عراق گفته‌اند که به آمریکایی‌ها تعهد داده به نیروهای حشدالشعبی ضربه بزنند. او درباره آزادی آنها می‌گوید «نیروهای ربابنده ناگزیر شدند در برابر قدرت حشدالشعبی جوانان را تحویل دهند و در پی توافق با ما آنها را به یکی از مقرهایشان منتقل کردند».

ابو الاء الولائی دبیر کل گردان‌های «سیدالشهدا» در توییتی نوشت: «حمله به مجاهدین، دستگیری آنها و سپس آزاد کردن آنها بدون وجود شواهد کافی، مقدمه یک اقدام خطرناک است که تأیید می‌کند اطلاعات عراق دست آمریکایی‌هاست. یک سیاستمدار که اسب ندارد سوار بر اسب دشمن به مردم نمی‌تازد».

قیس الخزعلی دبیر کل «عصائب اهل الحق» عراق نیز می‌گوید «عملیات اخیر علیه حشد شعبی، دیکته آمریکایی بود». حسن هانی زاده کارشناس ولایت‌مدار مسائل خاورمیانه تهدید کرده است «اگر الکاظمی دست به ماجراجویی دیگری بزند دولت‌ش دوام نخواهد آورد!» او همچنین تأکید کرده «امکان خلع سلاح حشد الشعبی وجود ندارد».

نخست وزیر عراق برای ایجاد ثبات در آن کشور مجبور به خلع سلاح شبه‌نظامیان از جمله میلیشیاها و وابسته به جمهوری اسلامی است. اوایل اردیبهشت ۴ گردان حشدالشعبی

برایان هوک در عربستان:

شعارهای جمهوری اسلامی و شکایت از ترامپ، ترفند تبلیغاتی است و کسی آن را جدی نمی‌گیرد



اینهمه در حال است که برایان هوک اخیراً گفته بود که تحریم‌ها اثرات بسیار مهمی بر رژیم ایران داشته است. گفتنی است که هم‌زمان با سخنان دادستان تهران در مورد شکایت از رئیس جمهوری آمریکا، خبرگزاری هرانا وابسته به فعالان حقوق بشر در ایران از تجمع اعتراضی پاکبانان در پوشهر خبر داده است.

روز دوشنبه نهم تیرماه، گروهی از پاکبانان در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در محل کارشان دست به تجمع اعتراضی زدند. این در حالیست که کارکنان نفت و مخابرات نیز در روزهای گذشته برای حقوق و خواسته‌های خود تجمع کردند.

سه روز قبل از ادعای رژیم تهران در مورد اعلام صدور حکم جلب برای رئیس جمهوری آمریکا، رئیس دادگستری استان اصفهان گفته بود: برای هشت تن از معترضین آبان ماه گذشته در آن استان حکم فساد فی‌الارض صادر شده.

در خبر دیگری اعلام شد که حکم اعدام سه تن از معترضان آبان در دیوان عالی رژیم جمهوری اسلامی تأیید شده است.

کشور گفت: اینترپل این درخواست را جدی نمی‌گیرد و اصولاً این سازمان در اموری که جنبه سیاسی، مذهبی و نژادی داشته باشد، درگیر نمی‌شود. روز سیزدهم دی‌ماه سال ۱۳۹۸ دو اتومبیل حامل قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس فرمانده گروه شبه‌نظامی حشدالشعبی در حوالی فرودگاه بغداد هدف پهپادهای آمریکا قرار گرفتند و همگی کشته شدند.

ایالات متحده، سپاه قدس جمهوری اسلامی را نیز که بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است در فهرست سازمان‌های تروریستی طبقه‌بندی کرده است. دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده قاسم سلیمانی را تروریست شماره یک بین‌المللی خواند که باید کشته می‌شد.

برخی ناظران هدف اظهارات مضحک مسئولان جمهوری اسلامی از جمله درباره حکم دستگیری مقامات آمریکا را صرفاً برپا کردن هیاهو و تبلیغات و انحراف افکار عمومی از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور می‌دانند. مشکلاتی که موجب اعتراضات روزافزون مردم در ایران می‌شود.

این جنجال‌های تبلیغاتی برای انحراف افکار مردم از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

برایان هوک مسئول مسائل ایران در وزارت خارجه آمریکا می‌گوید: شکایت جمهوری اسلامی از رئیس جمهوری آمریکا به «اینترپل» و ادعای صدور حکم جلب وی یک ترفند تبلیغاتی و جنجالی است و کسی آن را جدی نمی‌گیرد.

علی‌القاصی مهر دادستان تهران روز دوشنبه ۹ تیرماه درباره دستگیری رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا گفت: این حکم برای ۳۶ نفر صادر شده که در کشتن قاسم سلیمانی مؤثر بوده‌اند و از طریق پلیس بین‌المللی (اینترپل) خواسته شده این اشخاص اعم از مسئولان سیاسی و نظامی آمریکا و دیگر کشورها بازداشت شوند!

خبرگزاری رویترز نیز از قول برایان هوک نوشت: این اقدام رژیم جمهوری اسلامی یک حرکت تبلیغاتی بیش نیست. برایان هوک که به عربستان سفر کرده در یک کنفرانس خبری همراه با عادل جبیر وزیر مشاور در امور خارجی این

حمله هوایی اسرائیل به پایگاه نیروهای وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم‌زمان با سفر اسماعیل قآنی به سوریه

منابع خبری می‌گویند در حمله به منطقه البوکمال دست کم شش نفر کشته شدند.

شماره‌ای از شبه‌نظامیان وابسته به گروه‌های مورد حمایت سپاه قدس بازرگی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه در حمله هوایی جنگنده‌های اسرائیل کشته شدند.

دیدهبان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) بامداد یکشنبه ۲۸ ژوئن (۸ تیرماه) از حمله جنگنده‌های نا شناس به پایگاهی در شهر «البوکمال» واقع در شرق سوریه در روستای «عباس»

حوالی مرز عراق خبر داد. این گروه اعلام کرد که احتمالاً اسرائیل مسئول این حملات است.

برخی منابع عربی گزارش دادند پیش از این حمله، اسماعیل قآنی فرمانده سپاه قدس به سوریه رفته و از پایگاه‌های شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی بازدید کرده است. خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران نیز نوشت قآنی برای سرکشی به سوریه رفته اما ساعاتی بعد این خبر را حذف کرد.

خبرگزاری «اسپوتنیک» روسیه به نقل از شبکه «الحدث» نوشت «هوایی‌های نیروی هوایی اسرائیل در ساعات اولیه روز یکشنبه به پایگاه‌های مبارزان شیعه طرفدار ایران که برای ارتش سوریه در استان دیرالزور در شرق این کشور در حال جنگ بودند حمله کردند».



تصویری از نماز خواندن اسماعیلی قآنی که تسنیم گزارش داده به سوریه رفته است

حمله کردند» به گفته کانال تلویزیونی الحدث در حمله به منطقه البوکمال دست کم شش نفر کشته شدند.

اواسط فروردین ۹۹ نیز هم‌زمان با سفر قآنی به سوریه جنگنده‌های اسرائیل به پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در سوریه حمله کردند.

اولین سفر قآنی به سوریه در فوریه ۲۰۲۰ بود. روزنامه «العربی الجدید» چاپ لندن، ۱۹ اسفند، در گزارشی با عنوان «سفر قآنی به سوریه؛ پیام حفظ نفوذ» نوشت این سفر اوایل ماه فوریه صورت گرفت و قآنی از مناطقی در حلب از جمله «خان طومان» که نیروهای دولتی سوریه اخیراً بر آن مسلط شده‌اند بازدید کرد.

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

محاكمه حميد نوري آغاز روند عدالت برای قربانیان دهه ۶۰ است



ویدئو

«برای دیدن ویدئو روی عکس کلیک نموده و بایه سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

محاكمه حميد نوري از اعضای «کمیته مرگ» زندان گوهردشت کرج در تابستان خونین ۶۷ که در ماه نوامبر گذشته در استکهلم بلافاصله پش از ورود به سوئد بازداشت شد، می‌تواند آغازی برای روند عدالت برای قربانیان دهه ۶۰ باشد.

بیش از یکصد فعال مدنی، حقوق بشری، فرهنگی و سیاسی در بیانیه‌ای خواهان همپاری همه ایرانیان آزادیخواه برای محاكمه اولین متهم پرونده کشتار دهه ۶۰ شدند. شهلا شفیق از امضاکنندگان این بیانیه در گفتگو با کیهان لندن در اشاره به احکام اعدام جدیدی که در جمهوری اسلامی صادر شده‌اند، نظام حاکم را متهم به «مرگ‌درمانی» می‌کند.

بیانیه‌ای در روزهای گذشته با امضای ۱۰۴ فعال مدنی، حقوق بشری، فرهنگی و هنری انتشار یافته است که در آن از جمله آمده است «اینک، در همان حال که حبس و شکنجه و اعدام و بی‌حقوقی زندانیان در جمهوری اسلامی ادامه دارد، بیش از پیش روشن شده

که سکوت درباره جنایات سیاسی دهه شصت تنها و تنها در خدمت تداوم سرکوب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است. آشکار گشته که تا زمانی که حاکمان پاسخگوی این جنایات نشده‌اند نمی‌توان به پایان گرفتن حبس و شکنجه و قتل مخالفان و لغو مجازات اعدام در ایران امید بست.»

نویسندگان این بیانیه همچنین هشدار می‌دهند «دریغ اما که کارشکنی‌ها درباره این پرونده فقط به ترفندهای تباه حکومت ختم نمی‌شود و از همان ابتدا شاهد سنگ‌اندازی‌های ناشی از مخالفت‌های ایدئولوژیک و سیاسی با کوشندگان این پرونده هستیم که با هر انگیزه‌ای صورت گیرد، حاصلی جز خدمت به اهداف جمهوری اسلامی در پنهان کردن حقیقت و انکار جنایت ندارد و نخواهد داشت.»

احمد رأفت با شهلا شفیق، جامعه شناس، پژوهشگر و نویسنده ایرانی ساکن پاریس و یکی از امضاکنندگان این بیانیه گفتگویی انجام داده است.

خط و نشان نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای دولت؛ روحانی: وقت دعوا نیست!



رئیس کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی خطاب به روحانی نوشته‌اند اینکه رئیس دولت پس از وقوع حوادث و فجایع از آنها با خبر شود و به آنها لبخند بزند در کدامین منطق پذیرفته است؟

مسکن اعم از خرید و اجاره به گواشتان رسیده است؟ نرخ رو به فزونی خدمات در بخش حمل و نقل و قیمت تهیه خودرو شخصی را میدانید؟ اگر میدانید از جوان تحصیلکرده بیکار توقع کدام امید را در دولت تدبیر و امید دارید؟ آمار افزایشی طلاق و کاهش ازدواج، کاهش فرزندآوری و روند صعودی آسیب‌های اجتماعی به سمع و نظر شما میرسد؟ صعوبت و سختی‌های پیش روی کارآفرینان و سنگ اندازی در مقابل صنعتگران در ساختار اداری دولت شما به وظایفی که همین دولت در برنامه ششم توسعه برای خود هدف گذاری کرده است چه همخوانی دارد؟»

در بخش دیگری از این نامه با یادآوری متن سوگند ریاست جمهوری و تأکید به پایبندی به قانون اساسی آمده که «قانونی که داشتن مسکن مناسب را حق هر فرد دانسته و وظیفه ایجاد امکان اشتغال برای هر فرد را بر عهده دولت گذارده است، قانونی که بر منع انحصار، احتکار و اسراف و همچنین افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی تأکید دارد. اما رهیدن از وابستگی تأکید دارد. اما اکنون در آستانه ۸ سالگی دولت شما فاصله نظام مقدس جمهوری اسلامی با این اصول چه میزان است؟ آیا این حجم گسترده از جوانان بیکار از کشوری جز ایران بر این خاک قدم میگذارند؟ آیا آنانی که در تأمین معیشت خود درمانده اند و برای حداقل‌های زندگی خود مجبور به چند نوبت کار در روز هستند شهروندان ایران نیستند؟ ای کاش در مسیری که به محل کار می‌روید صورت کودکانی که از فقر مشغول کار هستند یا زباله گردانی که برای لقمه‌ای نان می‌جنگند را هم

بنگرید.» رئیس کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی خطاب به روحانی نوشته‌اند «اینکه رئیس دولت پس از وقوع حوادث و فجایع از آنها با خبر شود و به آنها لبخند بزند در کدامین منطق پذیرفته است؟» این نامه به حسن روحانی تأکید کرده که «بی‌انگیزگی و رخوت در برخی اطرافیان شما موج می‌زند و این پدیده موجب ایجاد حس رهاشدگی از منظر اقتصادی در بین مردم شده است. این تنها ارزش پول ملی نیست که هر روز رو به کاهش است بلکه امید و آرزوی صدها هزار جوان است که دستخوش نامالیامات و تغییرات مکرر اقتصاد دولت شما می‌شود.»

انتشار این نامه با واکنش‌هایی از سوی روحانی و اطرافیان‌ش روبرو شده است. حسن روحانی دیروز، یکشنبه ۸ تیرماه، در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا بدون اینکه اشاره مستقیمی به این نامه کند گفت که زمان دعوا نیست: «به وحدت، اتحاد، تعامل و همکاری نیاز داریم. بدون این موارد نمی‌توانیم در این شرایط کاری کنیم. باید توجه کنیم که تا پایان سال با کرونا روبرو هستیم. آنفلوآنزا هم به یاری آن خواهد آمد. باید متحد کنار هم بایستیم. اکنون زمان دعوا نیست. در چنین شرایطی زمان دعوی مجلس و دولت یا زمان دعوی قوه قضاییه و مجلس نیست. سه قوه باید در کنار هم متحد باشند و نیروهای مسلح نیز در کنار آنها قرار گیرند.»

علی ربیعی (عباد) سخنگوی دولت نیز در نامه‌ای که مدعی شده نه از سوی سخنگوی دولت بلکه از سوی یک شهروند نوشته شده، خطاب به

● رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی خطاب به روحانی نوشته‌اند اینکه رئیس دولت پس از وقوع حوادث و فجایع از آنها با خبر شود و به آنها لبخند بزند در کدامین منطق پذیرفته است؟

● علی ربیعی (عباد) سخنگوی دولت: همه مسئولان سهم خود را در پیدایش این وضعیت بپذیرند نه آنکه سنگر بگیرند و شلیک به دیگری را مهم‌ترین وظیفه خود بشمارند.

● علی مطهری نامه رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی یازدهم به روحانی را «غیرمنصفانه» دانسته و گفته این نامه نشان می‌دهد آنها به دنبال حل مشکلات نیستند.

پس از یک ماه از آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و با مشخص شدن اعضای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، ۱۲ رئیس کمیسیون در نامه‌ای به حسن روحانی به سیاست‌های اقتصادی او انتقاد کرده و با تهدید روحانی به اینکه سکوت نخواهند کرد به او گفته‌اند نمی‌تواند در مجلس لابی کند.

۱۲ کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی روز جمعه ششم تیرماه در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم نوشتند: «روند هفت ساله مدیریت خود را تغییر دهید چرا که مجلس یازدهم با هدف احیای انقلابی‌گری پا به میدان گذاشته و بر سر آرمان‌های خود خواهد ایستاد و در مقابل حقوق مردمی که در طول تاریخ بی‌ظنیرند، سکوت نخواهند کرد.»

نمایندگان امضاکننده این نامه با بیان اینکه «شاهد وضعیت دردناکی هستیم» نوشته‌اند: «آیا از قیمت روزافزون مواد غذایی اطلاع دارید؟ آیا از نسبت حداقل‌های یک سبد غذایی با حقوق یک کارگر، یک کارمند و یک معلم اطلاع دارید؟ افزایش تورم در بخش

جرم سیاسی؟! آیا اصلا چنین جرمی وجود دارد؟!



ویدئو

«برای دیدن ویدئو روی عکس کلیک نموده و بایه سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

چند نکته: —جمهوری اسلامی گوش «اصلاح‌طلبان» را می‌پیچاند و تنبیه‌شان می‌کند اما براندازها با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» روبرو می‌شوند.

—«توهین» و «افترا» و «نشر اکاذیب» از سوی خودی‌ها و برای «اصلاح» نظام، «جرم سیاسی» است ولی اگر از طرف براندازان باشد، «جرم امنیتی» است!

—امتیازاتی هم که برای «مجرمان سیاسی» یا همان خودی‌ها در نظر گرفته شده، مانند مجزا بودن محل بازداشت و نپوشیدن لباس زندان و دسترسی به کتاب و رسانه و... شامل براندازان نمی‌شود زیرا «مجرمان امنیتی» هستند و از آنها در موقع لزوم نمی‌توان به عنوان «بیت‌المنافع» استفاده کرد.

نتیجه: —بخشنامه اخیر قوه قضائیه درباره لزوم اجرای قانون «جرم سیاسی» گذشته از تبلیغ «اصلاح» بجای براندازی، به معنی آماده شدن نظام در برابر اعتراضات پیش رو و مقابله با مردم به عنوان «براندازان» و به پنهانی حفظ «امنیت ملی» است!

#فکر_کنیم

جرم سیاسی حتی با تصویب قانون درباره «جرم سیاسی» نیز نمی‌تواند تعریف روشنی از آن ارائه دهد چرا که آنچه را وجود ندارد نمی‌توان بدون ابهام تعریف کرد!

قوه قضائیه تلاش کرده بین «جرائم امنیتی» و «آزادی بیان»، یک فضای خاکستری به وجود بیاورد تا از یکسو خودی‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب بتوانند به نام «آزادی بیان» به ابراز وجود بپردازند و از سوی دیگر، مخالفان تحت عنوان «جرائم امنیتی» تحت پیگرد قرار بگیرند.

قانون «جرم سیاسی» که سرانجام در سال ۹۵ به تأیید شورای نگهبان رسید و به تازگی قوه قضائیه درباره اجرای آن بخشنامه‌ای صادر کرده، چیزی جز محدودیت همان آزادی بیان خودی‌های نظام نیست! این قانون شامل کسانی می‌شود که «با انگیزه اصلاح امور و بدون قصد براندازی» نسبت به مقامات «مواردی را نسبت دهند» که «توهین و افترا» و «نشر اکاذیب» باشد. تشخیص آن نیز با نهادهای قضائی و امنیتی است. البته هر حرفی علیه رهبر جمهوری اسلامی «جرم امنیتی» محسوب می‌شود!

شدن حق و حقوق کارکنان و بازنشستگان شرکت مخابرات اعتراض دارند و می‌گویند مدیران وزارتخانه و مخابرات‌های شهرهای مختلف نسبت به این روند پاسخگو نیستند.

معترضان در این تجمع خواستار حضور و پاسخگویی محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات شده و شعار می‌دادند: «جهرمی باید بیاد!»

کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز روز دوشنبه نهم تیرماه در پانزدهمین روز اعتصاب خود از کارخانه خارج و در مقابل فرمانداری شهر شوش اعتصاب کردند.

اعتراضات صنفی و اعتصاب‌ها در روز دوشنبه نهم تیرماه تنها شامل کارکنان دو وزارتخانه نفت و ارتباطات نبوده است. اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق استان هرمزگان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت قراردادهای خود، در مقابل اداره برق منطقه‌ای این استان تجمع کردند.

کارگران پاکبان شهرداری بوشهر نیز به دلیل ۴ ماه حقوق معوقه و نگرفتن عیدی دست به تجمع اعتراضی و اعتصاب زدند.

در استان خوزستان همچنین کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. کارگران معترض می‌گویند: «از ابتدای سال جاری حقوق نگرفته‌ایم و تعدادی از همکاران مان هم مطالباتی از شهریور سال گذشته دارند.»

در تجمع دیگری، سهامداران بانک مهر اقتصاد در اعتراض به رسیدگی قضائی به وضعیت پرونده نونوسی این بانک که از سال ۱۳۹۴ بطور بلا تکلیف رها شده است، مقابل دفتر دادستانی تجمع اعتراضی برگزار کردند.



تجمع کارمندان و بازنشستگان مخابرات

ماده ۱۰ قانون حقوق همچنین بر «رفع مشکلات معیشتی نیروهای عملیاتی» تأکید کرده است.

به گفته حاضرین در تجمع، ۲۰ هزار نفر از کارمندان رسمی وزارت نفت از اضافه حقوق مصوبه سال ۹۳ مجلس برای مشاغل سخت بهره‌مند نشده‌اند. ۲ نفر از نمایندگان تجمع‌کنندگان در جلسه‌ای با فرزند مینو معاون وزیر نفت، به طرح مطالبات خود پرداختند.

رسانه‌های داخلی گزارش داده‌اند که پس از تجمع امروز و مذاکره با نماینده معترضان، وزارت نفت مهلت یک ماهه برای حل این مشکل درخواست کرده است.

همزمان کارکنان و بازنشستگان مخابرات تجمع بزرگی در مقابل ساختمان وزارت ارتباطات در تهران برگزار کردند.

معترضان به اجرا نشدن آیین‌نامه استخدامی مصوب خود شرکت مخابرات در سال ۱۳۸۹ بعد از خصوصی‌سازی و معطل ماندن آن تا کنون و ضایع

به مقابل فرمانداری شوش رفتند.

روز دوشنبه ۹ تیر ۹۹ با برگزاری چند اعتصاب و اعتراض صنفی در ایران آغاز شد. کارکنان دو وزارتخانه نفت و ارتباطات در تجمع‌های جداگانه‌ای خواستار رسیدگی به مطالبات صنفی و درآمدی خود شدند. همچنین چند اعتصاب و اعتراض صنفی نیز از سوی کارکنان اداره برق، کارگران شهرداری و مالباختگان انجام شد.

تعداد زیادی از کارکنان رسمی وزارت نفت روز دوشنبه نهم تیرماه ۹۹ در حقوق کارکنان این وزارتخانه، مقابل ساختمان وزارت نفت تجمع کردند.

بر اساس ماده ۱۰ این قانون، جهت افزایش تولید در وزارت نفت قرار بود از سال ۹۳ حقوق کارکنان اضافه شود که با وجود تصویب مجلس شورای اسلامی، بیژن زنگنه وزیر نفت این قانون را تا کنون اجرایی نکرده است.

افزایش اعتراضات صنفی؛ تجمع اعتراضی کارکنان دو وزارتخانه نفت و ارتباطات!

● صبح روز دوشنبه نهم تیرماه دست کم ۱۰ تجمع صنفی برگزار شد.

● پس از تجمع امروز کارکنان وزارت نفت در مقابل این وزارتخانه و مذاکره مسئولان با نماینده معترضان، وزارت نفت مهلت یک ماهه برای حل این مشکلات درخواست کرده است.

● کارکنان و بازنشستگان مخابرات در تجمع مقابل وزارت ارتباطات، خواستار حضور و پاسخگویی محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات شده و شعار می‌دادند: «جهرمی باید بیاد!»

● کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در پانزدهمین روز اعتصاب خود

کافه نادری و جمشید علیمراد...



یاد می‌آید حدود ۱۵ سالم بود که شنیدیم قرار است «عجوبه‌ها» و جمشید علیمراد خواننده خوش صدای آنها با آن موی بلند، چکمه بی‌تلی و کت شلوار انگلیسی برای اولین بار در یک سالن چند صد نفری در تهران برای جوان‌ها کنسرت بگذارند. این البته خیلی پیش از آخرین کنسرت جمشید علیمراد در استاد یوم ورزشی «امجدیه» بود.

فیروزه خطیبی - نمی‌دانم چرا در این روزهای کرونایی، مرگ افراد سرشناس، حتی کسانی که در ادوار و سرشناسیم و به‌خصوص آنهایی که وجودشان با بخشی از خاطراتمان گره خورده بیش از هر زمان دیگری بر روی ما اثر می‌گذارد. انگار، این ویروس مرگ‌زا، به حباب نازک ابدی بودنمان تلنگری زده و حس شکست‌ناپذیری ما ترک خورده است.

این بار با شنیدن خبر درگذشت جمشید علیمراد، یکبار دیگر خاطراتی از زمان‌های دور و از زیر غبار فراموشی به سراغم آمد. یاد شب‌های گرم تابستان تهران قدیم افتادم. شب‌هایی که با لباس‌های مهمانی با پدر و مادرم به کافه نادری می‌رفتم و توی باغچه قدیمی و زیبای آپاشی شده آن، دور میز آهنی که روی آن سفره‌های سفید و تمیز و بساط شام چیده شده بود بین غروب آفتاب و عطر خاک می‌نشستم. این میزها دور تا دور یک پیست رقص چیده شده بود و روی سکوی مقابل ما، سن سیمانی کوچکی بود که گروه‌های سه چهار نفره‌ای که غالباً از ایتالیا دعوت می‌شدند روی آن ترانه‌های محبوب آن زمان را اجرا می‌کردند. از جمله آهنگی به نام «تامه تامه رو» که با صدای پپینو گالگلیاردی به معروفیت رسید و بزرگ‌ترها به محض شنیدن آن، به وسط پیست رقص می‌رفتند و با آن تانگو می‌رقصیدند. ترانه‌ای که بعدها مهرانمضای جمشید علیمراد هم روی آن خورد.

من اولین آبیجوی زندگی‌ام را هم در سن ۱۱ سالگی در همان کافه نادری مزه‌مزه کردم. تابستان بود و اهل خانه در هتل آبلعی در بیلای بودند و خواهرم که تجدیدی آورده بود در شهر مانده بود که درس بخواند و نمی‌دانم با چه حسابی قرار شد من هم با او بمانم تا فرصتی برای دست از پا خطا کردن پیدا نکنم. اما آنشب ما سه نفری دور میز نشستیم و «بیفتک» و سبب زمینی سرخ کرده خوردیم و از بطری‌های بزرگ سبز تیره «شمس» آبیجو خوردیم. البته به من یک نصف لیوان بیشتر رسید اما با همان کله‌پا شدم و بچه‌ها مجبور شدند تا کسی خبر کنند و من گیج و ویج را با دشواری از پله‌های پشت بام بالا ببرند و توی رختخواب خنکم زیر پشه‌بندی صورتی بخوابانند.

سال‌ها بعد از آن شب‌های تابستانی در کافه نادری تهران، یعنی اواسط دهه ۶۰ میلادی، یک انقلاب فرهنگی - هنری در انگلستان رخ داد. این همان دورانی است که «توییگی» به خاطر لاغری و موهای کوتاهش تبدیل به اولین سوپرمدل دنیا شد و لوازم آرایش «بی‌با» و «مری کوانت» به خاطر رنگ‌های تیره ماتیک‌هایش فروش سرسام‌آوری پیدا کرد. دوران چکمه‌های ساق‌بلند، مینی‌ژوپ و خرید از مغازه‌های «کینگز رود» لندن و زمان معروفیت بیتل‌ها بود که با تشکیل یک گروه راک و موی بلند و چکمه «بی‌تلی»، یک نوع انقلاب فرهنگی در میان نسل جوان در سراسر دنیا به وجود آوردند. این دگرگونی فرهنگی که به آن «سوئینگینگ لندن» یا فرهنگ خوشگذرانی هم می‌گفتند، علاوه بر تغییراتی که در مد و موسیقی به وجود آورد، یک فرهنگ جوان‌پسند

یاد می‌آید حدود ۱۵ سالم بود که شنیدیم قرار است «عجوبه‌ها» و جمشید علیمراد خواننده خوش صدای آنها با آن موی بلند، چکمه بی‌تلی و کت شلوار انگلیسی برای اولین بار در یک سالن چند صد نفری در تهران برای جوان‌ها کنسرت بگذارند. این البته خیلی پیش از آخرین کنسرت جمشید علیمراد در استاد یوم ورزشی «امجدیه» بود.

این خیلی مهم بود که نقشی را که دوست می‌داشتیم با آن زندگی می‌کردیم و با کارگردان‌های دیگر در یک سکانس شروع می‌کردیم. گفتگو می‌کردیم و بعد می‌کردم استعفا می‌کردم که اگر یک جایی کوچک‌ترین اشتباهی کردم کات بدهید و دو مرتبه بگیریید. با کارگردان و بازیگران رفیق و صمیمی بودیم، بحث و گفتگو می‌کردیم راجع به آن سکانس که می‌خواستیم بازی کنیم فرق هم نمی‌کرد که بازیگر جوان باشد یا پیر باشد. مثل خود دایی‌جان ناپلئون چقدر شیرین بود و چقدر کار را دوست داشت یا بچه‌های دیگر یا با خانم‌هایی که کار می‌کردیم همیشه راجع به نقش و سناریو با کارگردان صحبت می‌کردند و کارگردان، ناصر تقوایی، با تمام دل و جان مسائل و مشکلات نقش را برای آنها می‌گفت. بطور کلی به بازیگر، صابردار یا فیلمبردار توصیه می‌کنم با کارگردان دوست باشند با او بحث کنند. عیبی ندارد آدم یک چیزی را بلد نیست با معاون کارگردان یا با خود او و آدم‌های دیگر می‌توانند حرف بزنند و از همدیگر چیز یاد بگیرند.

خاطره‌های از دوستان دیگران
● الان در قید حیات نیستند

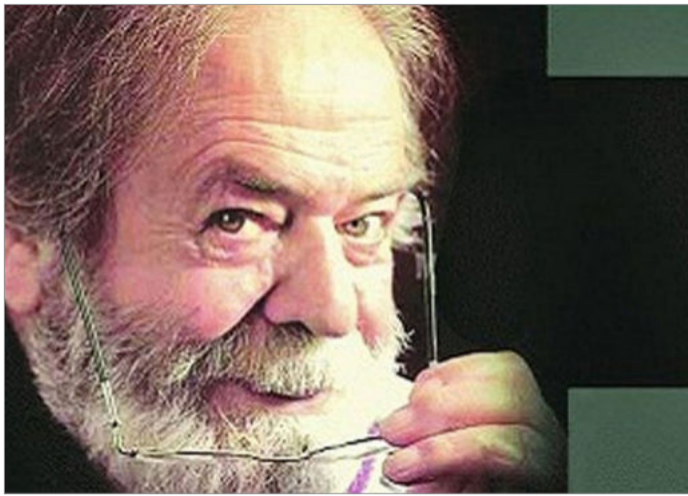
یکی از بازیگران فوق‌العاده خوب، فوق‌العاده خوب، جهانگیر فروهر بود؛ هوش بسیار بسیار عجیبی داشت؛ سناریو را یکبار می‌خواند، حفظ می‌شد. هنرپیشه خیلی خیلی خوبی بود، منتها در اینجا ما خوب و بد را تشخیص نمی‌دهیم و بدی و خوبی در روابطی است که کارگردان با بازیگرش دارد و بازیگر در موقع کار باید ببیند که این کارگردان چه می‌گوید. امیدوارم که آقای تقوایی دوباره کار دستش بگیرد، چون حیفا است که کارگردان «دایی‌جان ناپلئون» کار نکند؛ واقعا حیفا است؛ او یکی از بهترین کارگردان‌های ایرانی است.

● آقای کشاورز، این سال‌ها که از سینما و بازیگری کنار کشیدید وقت‌تان را چطور می‌گذرانید؟
با کتاب‌هایی که دارم؛ مرتب به قول معروف عشق می‌کنیم و می‌خوانیم؛ کتاب می‌خوانم، ترجمه‌ها را می‌خوانم، کتاب‌های خوب از نویسندگان خیلی خوب که در سطح جهان مطرح‌اند؛ به نظر من هنرپیشه‌ها بروند این کتاب‌ها را بخوانند و یاد بگیرند؛ اعتقاد دارم هنرپیشه نباید راجع به نقش در یک سکانس، اگر یکی دو تا مخالف بودند بلافاصله کارگردان آقای ناصر تقوایی را صدا می‌زدیم و بعد او برای ما تشریح می‌کرد که این حرف‌هایی که شما می‌زنید در مورد نقش نیست، برای همین بود که کاری که می‌کردیم عموماً در همان برداشت اول اوکی‌اش را می‌داد و می‌گفت خوب است.

● با کدام یک از بازیگران سریال «دایی‌جان ناپلئون» رابطه دوستانه‌ای داشتید؟
با کارگردان و بازیگرهایی که یک مقدار سن‌شان از من زیادتر بود و در زبان فارسی کار کرده بودند صحبت می‌کردم و از آنها سوال می‌کردم. بازیگران خیلی خوبی آنجا بازی می‌کردند که افتخار می‌کنم در کنارشان کار می‌کردم و از آنها یاد می‌گرفتم.

● در حال حاضر چه کتابی می‌خوانید؟
- الان کتاب «فروهر و نگاره آن» را می‌خوانم...
● نویسنده‌اش کیست؟
- خاتم آناهید خزیر؛ یک نکته را به شما عرض کنم؛ برای هنرمند بودن و بازیگر خیلی خوبی بودن در درجه اول می‌بایست اخلاق هنرمندانه داشت و این اخلاق هنرمندانه پیدا نمی‌شود به غیر از اینکه راجع به آن نقشی که می‌خواهند بازی کنند، نظریاتشان را بنویسند و بعد با کارگردانشان صحبت کنند. من با کارگردان‌هایی که کار کردم علی‌حتمی بوده که در دانشکده با هم بودیم؛ با مرحوم خواجه‌ی هم؛ کارهایی که اینها کردند ماندگار است؛

گفتگویی به یاد محمدعلی کشاورز: برای هنر باید دانا و پاک و بی‌آلایش بود...



● در کارتان ابتکار عمل داشتید؟
- هنرپیشه قبل از اینکه بخواهد کارش را اجرا کند باید با کارگردان بنشیند بحث کند و برای نقشی که دارد یک بیوگرافی بنویسد برای خودش بعد کارگردان این مسئله را حل کند. اگر من تا حالا کاری کردم با کارگردانم صحبت کردم، بعد برای خودم یک بیوگرافی نقش نوشتیم به‌خصوص در زمان آقای علی حاتم‌ی که یکی از بهترین کارگردان‌های ما بود؛ وقتی که می‌خواستیم کار کنیم با ایشان راجع به نقش می‌نوشتیم که هر کس چه نقشی دارد؛ بحث می‌کردیم. هر بازیگری قبل از هر چیز اگر نقشی را انتخاب کند باید با کارگردان راجع به کار بحث بکند، گفتگو کند، اگر هنرپیشه نظریاتی دارد باید برای بهبود کار به کارگردانش بگوید تا اینکه یک نقشی در بیاید که به قول ماها مغز بازیگرش را بشناسد.

● همین روند را با ناصر تقوایی داشتید؟ دست‌تان باز بود؟
- بله، با آقای تقوایی بود، با آقای علی حاتم‌ی بود، با اکبر خواجه‌ی بود؛ علاوه بر این با کارگردان‌های خارجی و بازیگران خارجی هم همین گفتگو را داشتیم. در آن فیلم (کاروان‌ها) که با آنتی کوبین و بهروز وثوقی بازی کردم تا وقتی که کار در دست ماست به توافق رسیدیم.

آدم‌های نجیبی بودند و وقتی می‌خواستند کار بکنند برای کار زحمت می‌کشیدند و بحث و گفتگو می‌کردند؛ با کارگردان، نویسنده، طراح صحنه؛ یادم هست با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم مامور طراح صحنه، کات داد ما داشتیم کار می‌کردیم همه چیز هم درست بود؛ من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با بچه‌هایی که کار می‌کردیم خیلی خاطره داریم با آنها بحث می‌کردیم راجع به نقش در یک سکانس، اگر یکی دو تا مخالف بودند بلافاصله کارگردان آقای ناصر تقوایی را صدا می‌زدیم و بعد او برای ما تشریح می‌کرد که این حرف‌هایی که شما می‌زنید در مورد نقش نیست، برای همین بود که کاری که می‌کردیم عموماً در همان برداشت اول اوکی‌اش را می‌داد و می‌گفت خوب است.

● با کدام یک از بازیگران سریال «دایی‌جان ناپلئون» رابطه دوستانه‌ای داشتید؟
- با کارگردان و بازیگرهایی که یک مقدار سن‌شان از من زیادتر بود و در زبان فارسی کار کرده بودند صحبت می‌کردم و از آنها سوال می‌کردم. بازیگران خیلی خوبی آنجا بازی می‌کردند که افتخار می‌کنم در کنارشان کار می‌کردم و از آنها یاد می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! ببینید مسئله چقدر مهم بود که آن نورپردازی که داشت نورپردازی می‌کرد و از نورپردازهای معروف آمریکایی هم بود کات داد؛ رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت متوجه شدی که وقتی کار می‌کردی یک نرمه بادی آمد؛ من بلافاصله کات دادم؛ این نرمه باد اشعه خورشید را جایجا می‌کرد در نتیجه کار انجام نمی‌شد؛ ببینید به چه چیزهایی توجه می‌کردند و ما آنجا کار می‌کردیم و یاد هم می‌گرفتم.

● با آنتونی کوبین وسط سکانس که داشتیم کار می‌کردیم، طراح صحنه به دستور نورپرداز کات داد. من به آنتونی کوبین نگاه کردم، آنتونی کوبین به من نگاه کرد که علت چیست که او کات داد؟! رفتم پرسیدم چرا کات دادی؟ گفت وقتی کار می‌کردی نسیمی آمد که نور خورشید را جایجا می‌کرد و کار درست در نمی‌آمد!

● حیفا است که کارگردان «دایی‌جان ناپلئون» کار نکند؛ واقعا حیفا است؛ ناصر تقوایی یکی از بهترین کارگردان‌های ایرانی است. یکی از بازیگران فوق‌العاده خوب، فوق‌العاده خوب، جهانگیر فروهر بود؛ هوش بسیار بسیار عجیبی داشت؛ سناریو را یکبار می‌خواند، حفظ می‌شد. هنرپیشه خیلی خیلی خوبی بود، منتها در اینجا ما خوب و بد را تشخیص نمی‌دهیم و بدی و خوبی در روابطی است که کارگردان با بازیگرش دارد.

● آقایان کارگردان در فکر زیبایی بازیگرها نباشند! باید ببینید که رل را می‌توانند خوب ارائه کنند یا نه!

فیروزه رمضان زاده - محمدعلی کشاورز یکی از چهره‌های شاخص تاریخ سینما، تئاتر و تلویزیون ایران چندی پیش در ۹۰ سالگی از دنیا رفت. نگاهی به برخی نقش‌های ماندگار وی مانند «دایی‌جان سرهنگ» در مجموعه تلویزیونی «دایی‌جان ناپلئون»، «شعبان استخوانی» در سریال «هزاردستان» و «اسدالله‌خان» در سریال «پدرسالار» برای دریافتن جایگاه هنری وی در عرصه بازیگری کفایت.

کیهان لندن مدتی پیش از درگذشت وی، ۲۵ خرداد ۱۳۹۹، با این هنرمند برجسته گفتگویی انجام داده است. ● آقای کشاورز یکی از نقش‌های ماندگار شما «دایی‌جان سرهنگ» در مجموعه تلویزیونی «دایی‌جان ناپلئون» ساخته ناصر تقوایی که در سال ۱۳۵۵ تهیه شد. چطور شد این نقش را قبول کردید؟

- اول از همه سناریو را خواندم، بعد با افرادی که در این سریال باید بازی کنند، بعد با کارگردان کار و فیلمبردار صحبت کردم و بعد کار را شروع کردیم؛ بعضی از خصوصاتی که در مورد کارم همیشه داشتم این بود که هر کاری می‌کنم به خاطر مردم بود و باید مورد قبول مردم قرار بگیرد و اگر نقشی دارد به من بگویند و تذکر بدهند چون مردم بهترین قاضی و بهترین منتقد کار اکتورها هستند.

چیزهایی که باید می‌گفتم را خواندم و اگر به نظر من موردی در مورد کاراکتر «سرهنگ» مناسب نبود می‌گفتم باید تغییرش بدهی تا من کار کنم و اگر عوض نمی‌شد من به یک ترتیبی موقع اجرا حل می‌کردم. اگر کارگردان هم فریاد می‌زد می‌گفتم من این نقش را خواندم و به نظرم اینطوری بهتر است. البته ناصر تقوایی یکی از کارگردان‌های خیلی خوب ماست، فردی که عشق این کار را داشت کارگردان و نویسنده خوبی هست و بود. ایشان هرچند ممنوع‌الکار نیست ولی شرایط کار در سینمای ایران به شکلی است که شرایط کار در ایران را مساعد نمی‌داند. بله، مساعد نمی‌داند، همانطور که خودم الان پنج شش سال است کار نمی‌کنم.

کیهان لندن منتشر کرد:

سوریه: چاله عنکبوت
حامد محمدی

کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اثر خیان)
برای نخستین بار ایماز گزیده محور نظامی و تاکتیک‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. فلاسفه‌انسان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق ناس یا کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

نشست شورای امنیت؛ پمپئو: رژیم ایران تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل است

● مایک پمپئو: نه فقط آمریکا بلکه کشورهای منطقه از اسرائیل تا خلیج فارس و خاورمیانه یکصد می گویند تحریم های تسلیحاتی ایران باید تمدید شود.

● واسیلی نینزا نماینده روسیه در سازمان ملل متحد که گویی به نمایندگی از جمهوری اسلامی در این نشست شرکت کرده بود گفت: هدف آمریکا تغییر رژیم ایران یا ایجاد وضعیتی است که ایران به معنای واقعی کلمه قادر به نفس کشیدن نباشد. این مثل گذاشتن زانو روی گردن کسی است.

● نماینده آلمان در شورای امنیت با اشاره به اینکه «ایران به تعهدات برجامی خود پایبند نیست» گفت «ما از فعالیت‌های موشکی و رفع محدودیت‌های تسلیحاتی ایران نگران هستیم».

● نماینده انگلیس در شورای امنیت: «ما این ادعای ایران را که در پروژه قاصد از یک فرستنده غیرنظامی استفاده شده رد می‌کنیم. علاوه بر اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این فرستنده نقش داشته، ویژگی‌های این فرستنده هم مشابه فرستنده‌های نظامی است».

● محمد جواد ظریف: پاسخ ما در مقابل هر گونه محدودیت جدید توسط شورای امنیت، قاطع خواهد بود.

نشست اعضای شورای امنیت سازمان ملل روز سه‌شنبه ۳۰ ژوئن (۱۰ تیرماه) به صورت آنلاین درباره اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ برگزار شد. به گزارش رویترز وزیر خارجه آمریکا در این نشست گفت رژیم ایران یک نظام «دموکراسی مسئول» نیست و باید پاسخگو باشد.

مایک پمپئو خطاب به اعضای این شورا گفت نه فقط آمریکا بلکه کشورهای منطقه از اسرائیل تا خلیج فارس و خاورمیانه یکصد می‌گویند تحریم‌های تسلیحاتی ایران باید تمدید شود.

پمپئو در ادامه به موضوع پایان محدودیت‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران در اکتبر ۲۰۲۰ پرداخت و گفت: «ایران با پایان محدودیت‌های تسلیحاتی قادر به خرید و فروش سلاح خواهد بود.»

پمپئو گفت: «اگر شما اقدام نکنید، ایران قادر به خرید جنگنده خواهد بود و این کشورهای اروپایی را در تیررس آن قرار خواهد داد... رفع محدودیت‌های تسلیحاتی علیه ایران به این کشور اجازه دسترسی به هواپیما و زبرداری خواهد داد تا با آنها آزادی تردد دریایی در آب‌های منطقه تهدید کند.»

وی افزود: «ما می‌دانیم تمدید تحریم‌های تسلیحاتی فشار بیشتری

به ایران وارد خواهد کرد تا مثل یک دولت عادی رفتار کند».

وزیر خارجه آمریکا تاکید کرد «اگر رژیم ایران تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل حساب نشود نمی‌دانم دیگر چه چیزی را باید تهدید دانست... ترجیح واشنگتن همکاری با شورای امنیت برای تمدید این محدودیت‌ها جهت محافظت از زندگی بشر و امنیت ملی ماست».

پمپئو دقایقی بعد کنفرانس را ترک کرد.

آمریکا به دنبال تغییر رژیم جمهوری اسلامی است
واسیلی نینزا نماینده روسیه در سازمان ملل متحد با انتقاد از مایک پمپئو که جلسه مجازی را ترک کرد به کنایه گفت «خواستیم از مشارکت وزیر خارجه آمریکا نیز تشکر کنیم ولی ایشان در جمع ما نیستند. می‌دانم که برنامه شلوفی دارند ولی ایشان نخواستند که به حرف‌های شورا گوش ندهند. ولی بیشتر از آن، از این بابت متأسفم که در اظهارات ایشان - حداقل من - یک کلمه از همکاری و گفتگو نشنیدم».

به گزارش خبرگزاری فارس، او در ادامه گفت «سیاست آمریکا در اعمال تحریم‌های یکجانبه به نظر سایر کشورها بی‌اعتنایی می‌کند. ما با نگرانی تحولات مربوط به سیاست فشار حداکثری علیه ایران که عبارت بهتر برای آن سیاست خفگی حداکثری است را دنبال می‌کنیم».

خبرگزاری فارس نوشته است، نینزا با بیان اینکه «ایران از همه جهات تحت فشار قرار گرفته» گفت «هدف آمریکا تغییر رژیم ایران یا ایجاد وضعیتی است که ایران به معنای واقعی کلمه قادر به نفس کشیدن نباشد. این مثل گذاشتن زانو روی گردن کسی است. این بحران را ایالات متحده ایجاد کرده است».

این دیپلمات روس با انتقاد از آمریکا برای خروج یکجانبه از توافق اتمی گفت «واشنگتن با عدم اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و خروج از برجام در راستای پشت سرش بست و به اجرای سیاست فشار حداکثری علیه ایران روی آورد».

او در بخش دیگری گفت که ایالات متحده آمریکا کشورهای دیگری که قطعنامه ۲۲۳۱ را اجرا می‌کنند تهدید می‌کند. او در ادامه اعلام کرد روسیه با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت است. نینزا که گویا به نمایندگی از جمهوری اسلامی در این نشست شرکت داشت با انتقاد از گزارش نهم آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل در خصوص اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و تاکید روی «منشاء ایرانی» موشک‌ها و پهپادهایی که حوثی‌ها در حمله به تاسیسات نفتی و فرودگاه‌های عربستان به کار بردند نیز گفت: «مراتب ناامیدی عمیق خودمان را از نهمین گزارش دبیرکل در خصوص اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ ابراز می‌کنیم. این گزارش، آشکارا استانداردهای بی‌طرفی را رعایت نکرده است».

نماینده روسیه از همه طرف‌ها خواست برای حفظ توافق هسته‌ای برجام تلاش کنند.

مواضع تند انگلیس علیه رژیم ایران
نماینده انگلیس در شورای امنیت مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی گرفت و گفت: «اقدامات ایران بندهایی را که در چارچوب عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای توافق شده است نقض می‌کند. به همین دلیل بوده که سه کشور اروپایی مکانیسم ماشه را در

ماه ژانویه فعال کردند».
او تاکید کرد در سال ۲۰۲۰ ایران همچنان به فعالیت‌های تنش‌آفرین خود در خاورمیانه با اقدامات مخربی که با قطعنامه‌های شورای امنیت در تضاد است ادامه می‌دهد.
وی افزود: «تکنولوژی موشک‌های بالستیک ایران تهدیدی برای منطقه است. مخصوصا که این موشک‌ها توانایی حمل بمب هسته‌ای را دارد... ما همچنین از تکنولوژی ایران در حوزه لانچرهای فرستنده‌های فضایی نیز نگران هستیم چراکه این تکنولوژی نقش مهمی را در پیشبرد برنامه موشک‌های بالستیک ایران ایفا می‌کند».

بخشی از صحبت‌های نماینده انگلیس در مورد فعالیت‌های نظامی رژیم ایران بود که گفت «ما این ادعای ایران را که در پروژه قاصد از یک فرستنده غیرنظامی استفاده شده رد می‌کنیم. علاوه بر اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این فرستنده نقش داشته، ویژگی‌های این فرستنده هم مشابه فرستنده‌های نظامی است».
او همچنین تاکید کرد «موشک‌هایی که علیه آرامکو و غفیف استفاده شده منشاء ایرانی داشته. حملات ایران کاملا غیرقابل قبول و علیه ثبات منطقه است».

نماینده آلمان در شورای امنیت نیز با اشاره به اینکه «ایران به تعهدات برجامی خود پایبند نیست» گفت «ما از فعالیت‌های موشکی و رفع محدودیت‌های تسلیحاتی ایران نگران هستیم».

نماینده چین: مخالف تمدید تحریم‌های تسلیحاتی هستیم
نماینده چین در شورای امنیت نیز مانند نماینده روسیه مدعی شد ریشه اصلی بحران فعلی خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های یکجانبه آن علیه ایران است. وی اعلام کرد با تمدید تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفیم.

او همچنین تاکید کرد «اقدامات آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی تلاش‌های مشترک برای حفظ برجام را تضعیف کرده است».
نماینده چین با اشاره به خروج آمریکا از برجام گفت ایالات متحده هیچ حقی برای استفاده از «مکانیسم ماشه» جهت بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران ندارد.

ظریف: در مقابل هر محدودیتی پاسخ قاطع می‌دهیم

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نشست شورای امنیت از عملکرد اروپایی‌ها در برجام انتقاد کرد و گفت «برخی از اعضای اروپایی شورا در فکر تخریب بیشتر قطعنامه و شورا هستند در حالی که نسبت به تعهدات خود در مورد برجام به پایبند نیستند».

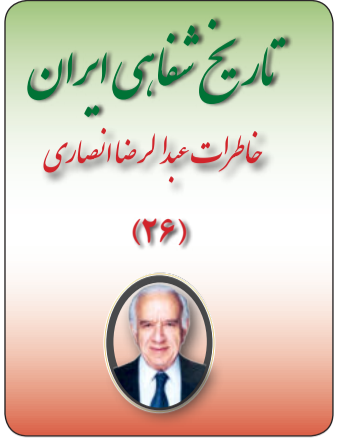
محمدجواد ظریف تهدید کرد پاسخ ما در مقابل هر گونه محدودیت جدید توسط شورای امنیت، قاطع خواهد بود. او همچنین گفت «ما به فشار چه از جانب دولت‌های خارجی و چه از جانب نهادهای بین‌المللی تن در نمی‌دهیم».
قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد مربوط به رفع تحریم‌های هسته‌ای است که پس از توافق اتمی موسوم برجام در تیرماه ۹۵ (ژوئیه ۲۰۱۵) به تصویب رسید و مطابق آن، جمهوری اسلامی از هر گونه فعالیت مربوط به موشک‌های هسته‌ای از جمله موشک‌های بالستیک منع می‌شود. نقض این قطعنامه سبب بازگشت تحریم‌های بین‌المللی می‌شود که با برجام لغو شده بودند.

این جلسات ابتدا بطور هفتگی در دفتر آقای منصور در نخست وزیری تشکیل می‌شد ولی پس از مدتی تبدیل به جلسات ناهار در منازل افراد و یا رستورانها شد. موضوع صحبت‌ها نیز مشکلات مختلف دستگاه‌های دولتی و کمبودهای اقتصادی و جستجوی راه حل‌هایی برای رفع نقائص موجود بود و روی هم‌رفته جلسات بسیار مفیدی بود که از دستاوردهای آن می‌توان تشکیل سازمان مسکن و بانک توسعه صنعتی و معدنی را نام برد که اولی یعنی سازمان مسکن پس از تشکیل و گسترش، تبدیل به وزارت آبادانی و مسکن شد و دومی یعنی بانک توسعه صنعتی و معدنی پایه اصلی رشد صنعتی ایران قرار گرفت.

به یاد دارم اولین موضوعی که مورد توجه گروه قرار گرفت موضوع مسکن بود که به علت ازدیاد جمعیت و سیر رو به افزایش حرکت روستائیان به طرف شهرها، مشکلات عدیده‌ای از لحاظ تأمین مسکن در تمام شهرها بخصوص تهران به وجود آمده بود و دولت هر روزه و از هر طرف تحت فشار قرار داشت که راه حلی برای رفع این مشکل جستجو کند.
دستگاه‌هایی که در تشکیلات دولتی برای مقابله با این مسأله وجود داشت عبارت بودند از بانک رهنی ایران که در زمان اعلیحضرت رضاشاه تأسیس شده و فعالیت آن محدود به دادن وام‌های کوچک در مقابل تضمین‌هایی از قبیل گرو گرفتن فرش متقاضیان و تأمین احتیاجات ضروری آنان برای تعمیرات منازل و یا رفع مشکلات و هزینه‌های فوری اشخاص بود و هیچ گونه فعالیتی در مورد برنامه‌ریزی و تأمین احتیاجات مسکن کشور نداشت. دستگاه دیگری هم در زمان دولت آقای دکتر مصدق به نام بانک ساختمانی به وجود آمده بود که فعالیت آن بیشتر در مورد پس گرفتن اراضی دولتی ضبط شده توسط زمین‌خواران و تقسیم اراضی موات بین کارمندان دولت بود. این بانک نیز چنان درگیر مبارزه با زمین‌خواران و غرق در پرونده‌های مطروحه در دادگستری بود که فرصتی برای برنامه‌ریزی و رفع مشکلات کشور نداشت و عملاً تبدیل شده بود به مؤسسه‌ای برای تقسیم اراضی کوچک دولتی بین متقاضیان صاحب‌نفوذ و فعالیت‌های مختصری در مورد طرح‌های کوچک تأمین مسکن در تهران و صرف وقت در محاکم دادگستری. بنابراین نیاز به وجود تشکیلاتی که فارغ از درگیری‌های روزانه برنامه‌ریزی اساسی برای حل مشکل مسکن در حال و آینده را به عهده بگیرد، کاملاً به چشم می‌خورد.

اولین گزارش توجیهی لزوم تأسیس سازمان مسکن، توسط آقای دکتر غلامرضا مقدم تهیه شد و در جلسات متعددی پس از بحث‌های طولانی و رسیدگی به تمام مسائل مربوطه، اساسنامه تشکیل سازمان مسکن آماده گردید و از طرف آقای حسنعلی منصور در شورای عالی اقتصاد مطرح شد و در مدت کوتاهی به تصویب رسید و مقدمات آن فراهم گردید و چون در آن زمان آقای دکتر جمشید آموزگار به وزارت کار منصوب شده بود و خود ایشان در تهیه و تصویب طرح صاحب‌نظر و مؤثر بود، لذا سازمان مسکن وابسته به وزارت کار گردید و آقای مهندس فرهاد گنجگاهی تحصیلات عالی خود را در رشته ساختمان‌های ارزان‌قیمت در آمریکا به پایان رسانده بود، به‌عنوان اولین مدیر عامل سازمان مسکن برگزیده شد.

در مورد بانک توسعه صنعتی و معدنی نیز بررسی لزوم تأسیس این بانک و پیشنهاد نحوه تشکیل آن، هر یک از افراد گروه کمک‌های قابل ملاحظه‌ای کردند و موضوع مورد توجه کامل دولت قرار گرفت و مقدمات تشکیل آن فراهم شد و آقای مهدی سمیعی با همکاری یک کارشناس برجسته هلندی مسؤولیت اداره آن را به عهده گرفت. باید توجه کرد که تا آن زمان مؤسسه و یا تشکیلاتی برای تأمین نیازهای اعتباری و مالی صنایع و معادن کشور وجود نداشت و وام‌ها و اعتبارات مورد لزوم برای توسعه صنعتی و معدنی از طرف بانک ملی ایران تأمین می‌شد.



تاریخ شفاهی ایران
فاخرات عبدالرضا انصاری
(۲۶)

فعالیت‌های اصلی این بانک نیز مربوط به نشر و کنترل اسکناس و تنظیم امور پولی و بانکی و اعتبارات تجاری بود و عملاً تقاضاهای مربوط به توسعه صنایع و معادن در مجموعه کارهای بانک ملی، از اولویت خاصی برخوردار نبود و کادر فنی بانک نیز در این مورد بسیار محدود بود و نمی‌توانست به‌هیچ وجه جوابگوی نیازهای کشور باشد. بدین جهت تأسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی مورد استقبال بخش خصوصی قرار گرفت و وجود این بانک یکی از مؤثرترین سازمان‌های کشور در رشد و پیشرفت صنایع و معادن کشور شد. جلسات هفتگی گروه ما نیز تا مدتی ادامه پیدا کرد ولی با تغییر مشاغل افراد گروه و قبول مسؤولیت‌های جدید از طرف هر یک از آنها، تشکیل جلسات به تدریج به تأخیر افتاد و سپس متوقف شد ولی وجود این جلسات، رشته‌های دوستی بین شرکت‌کنندگان در این جلسات تا قوام بیشتری بخشید.

جناب انصاری، در گذشته صحبت‌هایمان به آنجا رسید که شما به‌عنوان وزیر کار وارد کابینه دکتر اقبال شدید. دکتر اقبال در این زمان چه نخست‌وزیر بود و هم مؤسس حزب ملیون. رابطه شما با آقای دکتر اقبال در مورد موضوعات سیاسی چطور بود؟

– برای توضیح این رابطه ناچار باید برگردم به عقب، یعنی زمانی که در سال ۱۳۳۰ از آمریکا مراجعت کرده و در سازمان اصل چهار مشغول کار شده بودم. در این زمان عده‌ای از دوستان به من اظهار داشتند که باشگاهی به نام «امرسن» درست کرده‌اند و جلسات هفتگی دارند و درباره مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی صحبت می‌کنند. از من نیز دعوت کردند که در جلسات آنها شرکت کرده و به عضویت این باشگاه درآیم. این باشگاه در قسمت شمالی خیابان لاله‌زار در یک آپارتمان کوچک دو اتاقه قرار داشت که در جلسات هفتگی آن، تعدادی حدود سی نفر شرکت می‌کردند و کلیه آنها از تحصیلکرده‌های آمریکا بودند. در اینجا بود که من برای اولین بار با آقایان دکتر محمد مقدم و دکتر جلالی استادان دانشگاه و دکتر آهی مدیر سازمان برنامه و عده دیگری از کارکنان سایر مؤسسات دولتی و بخش خصوصی آشنا شدم.

هدف اصلی بانیان این جمع، گرد هم آوردن تحصیلکرده‌های آمریکا و ایجاد یک گروه فشار به‌منظور شناساندن فرهنگ آمریکایی به ایرانیان و احقاق حق تحصیل کرده‌های دانشگاه‌های آمریکا در مؤسسات آموزشی و دانشگاهی ایران بود. زیرا معتقد بودند که به‌علت عدم اطلاع مقامات فرهنگی و دانشگاهی از سیستم آموزشی آمریکا، درجات تحصیلی آمریکایی در ایران از شناسایی شایسته‌ای برخوردار نیست چون اولاً تقریباً کلیه مقامات حساس و مهندسی مخصوص دانشگاهی توسط تحصیل‌کرده‌های اروپا و بیشتر فرانسوی اشغال شده و اکثریت آنها آمریکا و آمریکایی و سیستم آموزشی آن کشور را از پشت دوربین فیلم‌های کابویی و مافیایی آمریکایی و آرتیست‌هایی مانند جان‌وین و هامفری بوگارد نظاره می‌کنند. بنابراین تحصیلکرده‌های آمریکا ناچارند برای احقاق حقوق خود به دور هم جمع شده و از طرق مختلف این سد را شکسته و با تماس‌های شخصی و پخش اطلاعات صحیح از طریق مطبوعات و سخنرانی‌ها، اهمیت مؤسسات فرهنگی و دانشگاهی آمریکا را برای مردم و بخصوص طبقه حاکمه تشریح نمایند.
هزینه نگهداری این باشگاه و جلسات نیز از طریق پرداخت پنجاه ریال حق عضویت تأمین می‌گردید. این جلسات چند ماهی ادامه داشت و به تدریج به‌علت نامنظم بودن تشکیل جلسات و

اشکال در جمع‌آوری حق عضویت و پرداخت اجاره ماهانه محل، پایه‌های آن سست شد و بدون سر و صدا، فعالیت‌های باشگاه به پایان رسید. ولی پس از چند ماه با پیگیری دکتر محمد مقدم، گروه کوچکی با شرکت دکتر جمشید آموزگار، دکتر هوشنگ رام و من، به‌منظور ایجاد همبستگی بین جوانان تحصیلکرده (صرفنظر از محل تحصیل) و بحث و تبادل نظر برای جستجوی راه‌های صحیح و سریع برای پیشرفت و ترقی و مدرنیزه کردن ایران تشکیل گردید و این گروه کوچک در ظرف مدت کوتاهی مورد استقبال عده قابل ملاحظه‌ای از دوستان ما قرار گرفت.

جلسات ما هفتگی بود و در منازل اشخاص تشکیل می‌شد ولی در مدت چند ماه اول تعداد افراد به تدریج زیاد شد و به بیش از چهل نفر رسید. در این موقع بود که جلسات بیشتر در منزل آقای علی اصغر بلوچلی که سالن بزرگی داشت، تشکیل می‌شد و قرار شد که برای این گروه نام و اساسنامه مدونی تنظیم گردد. طرح اول اساسنامه نیز توسط دکتر محمد مقدم تهیه شد و در جلسات متعدد گروه مورد بحث قرار گرفت و در پایان کار، گروه، «گروه ایران نو» نامیده شد و اساسنامه آن در یک صفحه و ده ماده که هدفها و برنامه‌های گروه را راجع به امور مختلف اقتصاد، فرهنگ، بهداشت و کشاورزی و غیره تعیین می‌کرد، تهیه گردید و قرار شد این گروه و اساسنامه آن به نام یک گروه سیاسی به ثبت رسانده شود. البته در آن زمان همه از ذکر نام گروه سیاسی تا اندازه‌ای وحشت داشتند چون نگران بودند که مبادا برای فعالیت‌های گروه و اعضای آن مشکلاتی از طرف دستگاه‌های امنیتی ایجاد شود ولی به‌اصرار دکتر مقدم بالاخره همه قانع شدند و مقرر گردید دکتر مقدم و من نسبت به ثبت آن اقدام کنیم. به همین جهت ایشان و من به شهرپایی کل مراجعه کردیم و با کمک آقای ابوالحسن غفاری که ریاست اداره اطلاعات شهرپایی را به‌عهده داشت موفق شدیم پروانه ثبت «گروه ایران نو» را به‌نام یک گروه سیاسی به‌دست بیاوریم.

پس از ثبت گروه، فعالیت‌های ما قدری جدی‌تر شد و جلسات نیز به‌طور منظم تشکیل می‌گردید و هر یک از اعضا مسؤولیت بیشتری را احس می‌کردند و بحث‌های فنی نیز در مورد مسائل مملکتی از جنبه‌های تئوری فراتر رفته و مسائل عملی مورد توجه قرار می‌گرفت و چون در سال‌های بعد عده‌ای از افراد گروه به مقامات عالیه و حساس رسیدند مطمئناً مباحثات آن جلسات در نحوه برخورد آنها با مسائل روز مسلماً بی‌اثر نبوده است. از جوانان پرشوری که در آن جلسات با علاقه شرکت کرده و بعداً به مقامات بالایی رسیدند کسانی را به‌خاطر دارم. آقایان دکتر جمشید آموزگار (نخست وزیر، وزیر کشور، وزیر دارایی، وزیر بهداری)، دکتر هوشنگ رام (رئیس بانک عمران)، اکبر زاد (استادار اصفهان)، دکتر حافظ فرمانفرمایان (استاد دانشگاه در آمریکا)، مهندس فرهاد گنجگاهی (اولین رئیس سازمان مسکن)، دکتر صادق کیا (استاد دانشگاه)، منوچهر نیکبور (رئیس بانک سپه)، دکتر علینقی فرمانفرمایان (رئیس بانک سازمان برنامه)، حسن شه‌میرزادی (معاون وزارت کشور و مدیر عامل کاغذ پارس)، دکتر معارفی (معاون وزارت جنگ)، ناصر گلرخ (وزیر منابع طبیعی)، منوچهر کاظمی (وزیر کشاورزی).
ادامه جلسات منظم گروه و عمق بحث‌هایی که در این جلسات صورت می‌گرفت به تدریج در اطراف این گروه یک هاله سیاسی به‌وجود آورد و عده‌ای از خارج این توهم برایشان پیدا شده بود که چون عده‌ای از اعضای این گروه در سازمان اصل چهار خدمت می‌کنند شاید آمریکایی‌ها نیز در ایجاد این گروه دستی داشته و آن را حمایت می‌کنند و به همین جهت شنیده می‌شد که عده‌ای از سیاستمداران با سابقه ایرانی علاقمند به عضویت در گروه ما هستند. ولی ما در ابتدا به هیچ وجه به این حرف‌ها توجه نداشتیم و اصولاً فکر نمی‌کردیم که با سیاستمداران حرفه‌ای سختی داشته باشیم و تجانسی بین ما و آنها باشد. **ادامه دارد**

کیمیا منتشر کرد:

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر

ترجمه رضا قلی زاده

کتاب سقوط بهشت را کتیا از کیمیا لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

برخلاف ادعای فائزه رفسنجانی در همین پرسش و پاسخ، دین یک موضوع عقلانی نیست بلکه «باور» و یک موضوع ایمانیست! عقل در دین و ایمان به بن بست می‌رسد درست همانگونه که دین و ایمان در عقل به دیوار محکم استدلال می‌خورند!

یک فرد می‌تواند عقل و دین خود را، مسائل دنیوی و اخروی خود را، در دو جایگاه مختلف در ذهنیت و زندگی خود حفظ کند. اما وقتی این دین از عرصه خصوصی به عرصه عمومی وارد می‌شود و می‌خواهد برای دیگران امر به معروف و نهی از منکر، از جمله از نوع «رحمانی»، بکند، به همان دکانی تبدیل می‌شود که جمهوری اسلامی باز کرده!

آنچه برخی زمامداران جمهوری اسلامی از جمله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، پدر فائزه، در سیاست به کار می‌بست، «عقل» و «عقل‌گرایی» و یا به تعبیر وی «پراگماتیسم» نبود! بلکه حسابگری‌های حيله‌گرانه و حتی توطئه‌های خونین برای حفظ دکان و منافع خود بود و بعد که قدرت دکانداران رقیب بیشتر شد، دکان وی را که با بهره بردن از «سفره انقلاب» سنبش هم شده بود، تخته کردند!

فائزه رفسنجانی درباره تلاش دختران و زنان ایران برای دست یافتن به حقوق خود می‌گوید:

«خوشبختانه دختران و زنان ایرانی مسیرشان را خوب پیدا کردند، یکی اینکه اول حق‌شان را می‌دانند و دوم اینکه ابزار بیان را پیدا کردند. فضای مجازی به رشد بیان خواسته‌های زنان خیلی کمک کرده و این خواسته‌ها خیلی وسیع در سراسر جهان مطرح می‌شود. سوم اینکه، به شجاعت رسیدند و حاضرند مایه بدهند برای حقی که می‌طلبند. چهارم، به میدان آمده‌اند و حاضرند هزینه‌اش را بپردازند. کوتاه بیا نیستند. اینها چیزهای پارزشی است که شاید موضوع‌های کوچکی باشد ولی همه‌شان مهم است. مثلا برای ورود به استادیوم‌ها پشت در ایستاده‌اند و زندان رفتند و به هر حال توانستند توجه جهان را به خودشان جلب کنند و فدراسیون جهانی فوتبال هم وارد عمل شد. به نظر می‌رسد در این راه، تاکیدات بین‌المللی بی‌اثر نیست، به نظر سازمان‌های بین‌المللی موثرتر از دولت‌ها و حکومت‌ها هستند ولی در روحیه دختران معتقدم که تاکیدات ترامپ یا هر حاکم دیگری مهم است و تقویت می‌کند این خواسته‌ها را و آنها احساس قدرت بیشتری می‌کنند، معنی‌اش این نیست که اینها وابسته به آمریکا هستند یا جاسوس هستند، چون متأسفانه از این اتهامات خیلی می‌زنند. ولی حمایت‌های بیرونی حرکت‌های داخلی را تقویت می‌کند و فکر می‌کنم خوب است و ادامه پیدا کند خیلی هم خوب است.»

چه کسی در دفاع از حقوق زنان و دختران می‌تواند با این سخنان مخالف باشد و یا ایرادی به فائزه رفسنجانی بگیرد؟! ولی اینهمه چه ربطی به عقاید مذهبی و یا به «فمینیست اسلامی» بودن او دارد؟! اصلا این حرف‌ها چه ربطی به اسلام دارد جز اینکه برخی مسلمانان از جمله مراجع و ملایان مرتجع بر اساس عقاید اسلامی خود با این سخنان و این تلاش‌ها و حقوق فائزه رفسنجانی مخالف هستند! این موضوعات سیاسی هستند و نه مذهبی!

چهل و یک سال است «اسلام» به این دلیل مورد مباحثه قرار می‌گیرد که وارد حکومت شده و سیاست و قانون تعیین می‌کند!

همین خواست و توضیحاتی که فائزه رفسنجانی درباره تفسیر و تعبیر اعتقادات خود می‌دهد، به خودی خود بیانگر این است که مشکلاتی در تطبیق ایمان و عقیده‌ی وی با جوامع امروز وجود دارد! اگر فائزه رفسنجانی و امثال او می‌خواهند در دین و مذهب خود تحولی به وجود بیاورند که با جهان امروز همخوانی پیدا کند، کسی مانع آنها نیست! موضوع اصلا اختلاف بر سر تفسیرهای مختلف و یا میزان قابلیت تطابق اسلام با جهان امروز نیست! تمام موضوع بر سر این است که چه آن اسلامی که فائزه رفسنجانی قبولش دارد و چه آن اسلامی که وی قبولش ندارد، هیچکدام جایشان در حکومت و در قدرت سیاسی نیست!

دین عقیده شخصی و متعلق به حوزه‌ی خصوصی است؛ دین در حیطه‌ی اخلاق و مسائل معنویست و نه در حیطه‌ی مدیریت سیاسی و اقتصادی کشورها!



البته ما بسیاری آیات قرآن داریم که از برابری زنان و مردان است که در کنار هم زن و مرد را آفریدیم تا به اعتدال برسند. ولی می‌بینید که تفکر خیلی از اسلامی‌های تندرو این نیست و زن را کمتر از مرد می‌دانند. ما اسلام واقعی را نداریم و با اسلام خیلی فاصله داریم. بیشتر نام اسلام است و سوء استفاده از اسلام. آنهم برای دراختیار گرفتن باورهای عموم جامعه، چون ما بیشتر یک جامعه سنتی و مذهبی هستیم.»

وی سپس ادامه می‌دهد:

«۵۸ کشور مسلمان در دنیا داریم و هر کدام برداشت خودشان را از اسلام دارند. اسلام طالبانی، آمریکایی، مالزیایی و جمهوری اسلامی داریم که اسلام یک چیز مطلق نیست و برمی‌گردد به برداشت‌ها. در جمهوری اسلامی متأسفانه از یک دوره‌ای به بعد برداشت‌ها افراطی عمل شد و یکجایی گفتم که یک طوری داریم به داعش تنه می‌زنیم. ما در هیچ کجای قرآن نداریم پدر از قصاص قتل فرزندش معاف است. اینها در روایاتی می‌آید که اصلا معلوم نیست که معتبر باشند. روایت نمی‌تواند برخلاف نص قرآن باشد. اینها بیشتر ناشی از تفسیرهای مردانه از قرآن است و مردسالارانه است. مجتهدین همه مرد هستند و تفسیرهای خودشان را می‌کنند. متأسفانه ما زنان در این زمینه فعال نبودیم، رساله ندادیم و این حوزه را داده‌ایم به مردان. از آن هم چنین چیزهایی بیرون می‌آید. این اسلام نیست!»

راستش برای کسی اهمیتی ندارد که فائزه رفسنجانی «فمینیست» است یا «اسلامی» و یا طرفدار هر مفهوم بی‌پایه و من‌درآوردی دیگر است! در عمل نیز اینکه او یا هر کس دیگری از جمله من و شما طرفدار چه هستیم و یا خود را چه می‌نامیم و چه می‌دانیم، هیچ نقشی بازی نمی‌کند. آنچه نقش بازی می‌کند این واقعیت است که نظام حاکم بر ایران یک «جمهوری اسلامی» است! این نظام دارای یک نظام حقوقی بر پایه‌ی یک قانون اساسی است که از شریعت اسلام و فرقه شیعه‌ی جعفری اثنی عشری گرفته شده و همه قوانین و مقررات کشور بر اساس آن تنظیم و تصویب می‌شوند.

همه این مجموعه و این روند، موضوعات سیاسی هستند و نه مذهبی! چهل و یک سال است «اسلام» به این دلیل مورد مباحثه قرار می‌گیرد که وارد حکومت شده و سیاست و قانون تعیین می‌کند!

همین خواست و توضیحاتی که فائزه رفسنجانی درباره تفسیر و تعبیر اعتقادات خود می‌دهد، به خودی خود بیانگر این است که مشکلاتی در تطبیق ایمان و عقیده‌ی وی با جوامع امروز وجود دارد! اگر فائزه رفسنجانی و امثال او می‌خواهند در دین و مذهب خود تحولی به وجود بیاورند که با جهان امروز همخوانی پیدا کند، کسی مانع آنها نیست! موضوع اصلا اختلاف بر سر تفسیرهای مختلف و یا میزان قابلیت تطابق اسلام با جهان امروز نیست! تمام موضوع بر سر این است که چه آن اسلامی که فائزه رفسنجانی قبولش دارد و چه آن اسلامی که وی قبولش ندارد، هیچکدام جایشان در حکومت و در قدرت سیاسی نیست!

دین عقیده شخصی و متعلق به حوزه‌ی خصوصی است؛ دین در حیطه‌ی اخلاق و مسائل معنویست و نه در حیطه‌ی مدیریت سیاسی و اقتصادی کشورها!

تاج سلطنت بر سر یک زن قرار گرفت تا بر امثال خمینی پادشاهی کند! حال آنکه در جمهوری اسلامی سال‌هاست بر روی یک کلمه در قانون اساسی بحث می‌کنند که «رجل» فقط مرد است (که هست!) یا زن هم می‌تواند باشد!

البته در صورت نیاز و برای «مشارکت پرشور و فعال»، مثلاً در انتخابات استصوابی ۱۴۰۰، یک زن خودی هم می‌تواند «رجل» باشد تا برای تکمیل نمایش، افتخار نامزدی ریاست جمهوری اسلامی را بیابد بدون آنکه تضمینی برای بیرون آمدنش از صندوق رأی وجود داشته باشد!

گسستی وحشتناک! از تخت پادشاهی و کرسی‌های وزارت و وکالت و سفارت و قضاوت تا چانه زدن برای پذیرفته شدن به عنوان «رجل»! این تفاوت، جایگاه حقوق سیاسی-



رفسنجانی با دختران و پسرانش: فاطمه و فائزه؛ محسن و مهدی و یاسر

اجتماعی زن را در دو ساختار و نگاه متفاوت نشان می‌دهد.

دومین گسست: حقوق مدنی زنان

فائزه رفسنجانی در پاسخ به این پرسش که با توجه به اتفاقاتی مثل قتل رومینا اشرفی توسط پدرش و افزایش «قتل‌های ناموسی» آیا امیدی هست که در نظام فعلی مشکلات حل شود، می‌گوید:

«خودم را یک فمینیست اسلامی می‌دانم چون اعتقاد ندارم اسلام واقعی با موضوعات حقوق بشری مغایرت دارد. حالا هر کس می‌تواند بگوید اسلام واقعی را او می‌داند. یکی از مواردی که در قرآن خیلی صریح بین زن و مرد تبعیض وجود دارد، ارث است. اما تازه همین مورد را هم پدر و مادر اختیار دارند تا ارث را برابر تقسیم کنند. یعنی اینها چیزی نیست که قابل تغییر نباشد. در بعضی موارد هم ممکن است ظاهر موضوع این باشد که در قرآن به مرد اختیارات ویژه و قدرت ویژه داده است، این هم در داستان‌های خاص است و عمومی در همه شرایط ندارد. یک موقعیتی پیش آمده و یک آیه‌ای برایش تفسیر شده و اینها همه قابل تفسیر است. این برمی‌گردد به مجتهدین ما. ما مجتهد داریم و در ضمن منابعی برای دین اسلام تعریف شده که مهم‌ترینش عقل است و براساس شرایط زمان و مکان، مصلحت جامعه و شهروندان است، مجتهد کاملاً اختیار دارد که براساس شرایط روز، اگر فرضاً صراحتی هم در آیات قرآن وجود دارد بر اساس شرایط روز، تغییرش دهد. مجمع تشخیص مصلحت هم برای همین ایجاد شد که قانونی که تصویب می‌شود و شورای نگهبان تشخیص می‌دهد که مغایر دین اسلام است، مجمع تشخیص آن را براساس مصلحت زمانه تغییر دهد. بنابر این ما محدودیت کامل و مطلق را نداریم.

آغاز شد و همچنان ادامه دارد. در این میان مجموعه‌ی «جنبش زنان ایران» نیز از گسست‌هایی که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده، در امان نمانده است. جنبشی که معلوم نیست فائزه رفسنجانی به آن چه خدمت عملی کرده؛ آیا مانند کشف حجاب منشاء تصویب قانونی به سود زنان شده و آنها را از قید و بندهایی رها ساخته؟! آیا مانند حق رأی زنان و قانون حمایت از خانواده پیش از انقلاب، راهی به روی تضمین حقوق سیاسی و مدنی زنان گشوده؟! در سمینار مجازی دانشگاه استنفورد نیز چیزی از خدمات وی روشن نمی‌شود.

نخستین گسست: حقوق سیاسی-اجتماعی زنان

فائزه رفسنجانی درباره مهم‌ترین حقی که از زنان در جمهوری اسلامی ضایع شده گفت:

«حقوق ضایع شده از زنان زیاد است در زمینه‌های عرفی، قانونی، فرهنگی، مدیریتی و غیره. اما از نظر من اگر دو مسئله حل شود به بخش‌های دیگر کمک می‌کند، یکی تبعیضی است که در قانون ما وجود دارد و بعد از انقلاب متأسفانه بازگشت و دیگری سقف‌های شیشه‌ای که مانع از رشد زنان می‌شود تا بتوانند رشد کنند و ارتقا پیدا کنند، سمت‌های سیاسی بگیرند و در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مشارکت جدی داشته باشند، نه مشارکت فرمایشی. رسیدن به اینها هم به این راحتی‌ها نیست. ما الان ۳۰-۴۰ سال است که بعد از انقلاب داریم تلاش می‌کنیم، در بخش ورزش بانوان و اندکی در بخش مدیریت پیشرفت داشتیم اما در زمینه تبعیض قدم‌ها خیلی کند و به سختی پیش رفته. حالا بگذریم از مردم عادی، یکی از مشکلات خود اصلاح‌طلبان هستند و من معتقدم خیلی از آنها حتی به برابری حقوق زنان و مردان و مدیریت زنان بطور گسترده اعتقادی ندارند. آنها خودشان مانع هستند و موضوع‌های زنان برایشان در اولویت نیست و تلاش نمی‌کنند.»

فائزه رفسنجانی اگرچه خوشبختانه زیر پا گذاشتن حقوق زنان «بعد از انقلاب» را تأیید می‌کند، اما حقوق جنبش زنان را عمدتاً از زمانی می‌بیند که جمهوری اسلامی به قدرت رسید! او با این نگاه مهر تأیید بر نخستین گسست در جنبش زنان می‌زند چرا که حقوق زنان پیش از جمهوری اسلامی، بسی پیش از آنچه وی در این نظام می‌خواهد، تأمین و تضمین شده بود. زنان نه تنها در تمامی رشته‌های می‌توانستند تحصیل کنند بلکه به تمامی مشاغل از جمله قضاوت و وکالت و وزارت و سفارت و... راه داشتند؛ مهمتر از همه اینکه

دیگر بس است!

(بخش نخست)

عاملان گسست و نشستگان بر «سفره انقلاب» حرفی برای گفتن به نسل‌هایی که آنها را نمی‌خواهند ندارند

که «بابا»ی فائزه برای بچه‌هایش پدر خوبی بوده! مانند خمینی و خلخالی و خامنه‌ای و هم‌هی جنایتکاران فاشیسم و کمونیسم که برای بچه‌ها و خانواده‌های خودشان پدران و مادران خوبی بوده‌اند. موضوع بر سر این است که این افراد چه نقشی در سرنوشت دیگران، در سرنوشت بابا و مامان‌های دیگر و دختران و پسران دیگران بازی کرده‌اند!

الاهه بقراط - جمهوری اسلامی نه یک ضرورت و روند لازم در حرکت جامعه‌ی ایران به سوی آینده بلکه یک سانحه و گسست عمیق تاریخی، است که عناصر مختلف داخلی و خارجی در وقوع آن نقش بازی کرده‌اند. خود جمهوری اسلامی و عملکردش عینی‌ترین و مهم‌ترین سند و مدرک در اثبات این گسست است.

هفته گذشته ۲۳ ژوئن ۲۰۲۰ فائزه هاشمی رفسنجانی دختر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی زمامداران جمهوری اسلامی در یک سمینار اینترنتی با عنوان «جنبش زنان ایران» شرکت کرد. میزبان این سمینار دانشگاه استنفورد آمریکا بود و عباس میلانی استاد و مدیر دپارتمان ایران‌شناسی این دانشگاه پرسش‌هایی را با فائزه رفسنجانی مطرح کرد. ۲۶۵ تن در این سمینار مجازی شرکت داشتند و در پایان، پرسش‌های حاضران مطرح شد. فائزه رفسنجانی در پاسخ به این پرسش که چطور توانسته بدون مشکل با گروه ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد صحبت کند گفت:

«اولاً تا جایی که به من گفته شده، گروه ایران‌شناسی گروه مستقلی است، بنابراین فکر نمی‌کنم مشکلی برای صحبت کردن وجود داشته باشد. حالا ممکن است یکسری انگ به ما بچسباند ولی باید ببینیم چه پیش می‌آید. اعتقاد دارم که باید حرف زد و این فرهنگ را گسترش داد که افراد بتوانند راحت حرف خود را بیان کنند و دچار ترس و ریاکاری نباشند. در غیر اینصورت ما همه مسئولیم در اتفاقاتی که می‌افتد. البته خوب، هزینه‌اش را هم می‌دهیم، من از زمانی که نماینده مجلس شدم تا الان دارم هزینه حرف‌هایی که می‌زنم را می‌دهم.»

فائزه رفسنجانی همچنین گفته که «استاد اخراجی» نیز هست. عباس میلانی میزبان وی نیز تأیید کرد که این دپارتمان مستقل است و «خانم رفسنجانی شش ماه هم زندان بوده!» رفسنجانی با دختران و پسرانش: فاطمه و فائزه؛ محسن و مهدی و یاسر

البته اگر هر فردی از سران و یا بدنه‌ی نظام به منتقد و مخالف تبدیل شود بسیار خوب و مبارک است. اما اگر هدف از «انتقاد» و «مخالفت»، حفظ همین نظام با عناوین مختلف مانند اصلاح و اعتدال و تحول و عدالتخواهی و غیره باشد، آنوقت موضوع فرق می‌کند. در پس این نوع «انتقاد» و «مخالفت» حتی اگر افرادی از خودی‌ها با امکاناتی که در اختیار همه زندانیان نیست، زندانی هم شده باشند، چیزی جز حفظ منافع خود و خودی نهفته نیست. نتیجه‌اش می‌شود تعمیق گسستی که از ۱۳۵۷ با انقلاب اسلامی

هفته گذشته فائزه هاشمی رفسنجانی دختر علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی از بنیانگذاران و نخستین زمامداران جمهوری اسلامی در یک سمینار اینترنتی با عنوان «جنبش زنان ایران» شرکت کرد. میزبان این سمینار دانشگاه استنفورد آمریکا بود.

البته اگر هر فردی از سران و یا بدنه‌ی نظام به منتقد و مخالف تبدیل شود بسیار خوب و مبارک است. اما اگر هدف از «انتقاد» و «مخالفت»، حفظ همین نظام با عناوین مختلف، اصلاح و اعتدال و تحول و... باشد، آنوقت موضوع فرق می‌کند. در پس این نوع «انتقاد» و «مخالفت» حتی اگر افرادی از خودی‌ها با امکاناتی که در اختیار همه زندانیان نیست، زندانی هم شده باشند، چیزی جز حفظ منافع خودی و گروهی نهفته نیست. نتیجه‌اش می‌شود همین گسستی که هر روز عمیق‌تر می‌شود.

مجموعه‌ی «جنبش زنان ایران» نیز از گسست‌هایی که جمهوری اسلامی به عنوان یک سانحه به جامعه تحمیل کرده، در امان نمانده است. جنبشی که معلوم نیست فائزه رفسنجانی به آن چه خدمت عملی کرده؛ آیا مانند کشف حجاب منشاء تصویب قانونی به سود زنان شده؟! آیا مانند حق رأی زنان و قانون حمایت از خانواده پیش از انقلاب، راهی به روی تضمین حقوق سیاسی و مدنی زنان گشوده؟!

موضوع اصلا اختلاف بر سر تفسیرهای مختلف و یا میزان قابلیت تطابق اسلام با جهان امروز نیست! تمام موضوع بر سر این است که چه آن اسلامی که فائزه رفسنجانی قبولش دارد و چه آن اسلامی که وی قبولش ندارد، هیچکدام جایشان در حکومت و در قدرت سیاسی نیست!

آنچه زمامداران جمهوری اسلامی از جمله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، پدر فائزه، در سیاست به کار می‌بست، «عقل» و «عقل‌گرایی» و یا به تعبیر وی «پراگماتیسم» نبود! حسابگری‌های حيله‌گرانه و حتی توطئه‌های خونین برای حفظ دکان و منافع خود بود و بعد که قدرت دکانداران رقیب بیشتر شد، دکان وی را که به برکت «سفره انقلاب» سنبش هم شده بود تخته کردند!

تا هزار سال دیگر هم کشف حجاب به عنوان نماد آزادی زنان بر تارک دستاوردهای حقوقی جنبش زنان ایران و خدمات پهلوی می‌درخشد. دستاوردی که جمهوری اسلامی قادر نیست آن را به جامعه بازگرداند!

روزی تاج سلطنت بر سر یک زن قرار گرفت تا بر امثال خمینی پادشاهی کند! حال آنکه در جمهوری اسلامی سال‌هاست بر روی یک کلمه در قانون اساسی بحث می‌کنند که آیا «رجل» فقط مرد است (که هست!) یا زن هم می‌تواند باشد!

موضوع بر سر این نیست

زنان شاخص

پری ثمر

(۱۳۱۶ - اصفهان)



پری ثمر (پری آریانپور) در سال ۱۳۱۶ در اصفهان زاده شد و از سال‌های نوجوانی در تهران در هنرستان عالی موسیقی نزد اولین باغچه‌بان به آموختن آواز پرداخت. او پس از پایان تحصیل در هنرستان با استفاده از یک بورس وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۳۸ به اتریش رفت و در آکادمی موسیقی وین به تحصیل خود ادامه داد و در سال ۱۳۴۳ با درجه ممتاز آن را به پایان برد. وی از آغاز تحصیل در وین در برنامه‌های آکادمی و همچنین در انجمن فرهنگی ایتالیا و اتریش شرکت می‌کرد. در بهار ۱۳۴۵ پری ثمر با اجرای نقش «روزینا» از اپرای آرایشگر شهر سویل اثر روسینی در فرانکفورت به استخدام رسمی اپرای مزبور درآمد. پری ثمر مجموعاً بیش از ۲۵۰ بار در نقش کارمن و در بیشتر اپراهای جهان از جمله در تهران ظاهر شده‌است. پری ثمر علاوه بر کارمن در بیش از ۳۵ نقش دیگر ۸۰۰ بار

راه چاره‌ای برای سیاهی و کبودی دور چشم

چه غذاهایی باید برای خلاص شدن از تیرگی و کبودی زیر چشم‌ها استفاده شوند؟

پوست شما بازتابی مستقیم از این است که رژیم غذایی شما چقدر سالم است. پس انواع خاصی از غذاها را در رژیم غذایی خود قرار دهید تا مطمئن شوید که پوست شما مقادیر فراوانی از مواد مغذی، ویتامین‌ها و مواد معدنی را دریافت می‌کند. بهترین غذاها در زیر لیست شده‌اند:

گل کلم، کلم بروکلی، کلم بروکسل، اسفناج، سیب زمینی شیرین، گوجه فرنگی، هویج و فلفل دلمه‌ای میوه‌هایی مثل پاپایا، توت فرنگی، میوه‌های مرکبات، آناناس، گریپ فروت، هلو، طالبی، و گلابی ماهی، صدف، مرغ و گوشت لخم گردو، کتان، بادام، و فندق غذاهای دیگر مثل برنج قهوه‌ای، بلغور جو دو سر، عدس، سبزیجات و دانه‌های کامل

امروزه برای برطرف کردن کبودی چشم هزینه‌های بسیاری صرف می‌شود که البته همه‌ی آنها نیز نتیجه‌ی دلخواه را نمی‌دهد و عوارضی را نیز به دنبال دارد اما راه‌هایی وجود دارد که بدون کمترین عوارض به حل مشکل شما کمک می‌کند.

کبودی دور چشم بی‌شک تاثیر بر زیبایی دارد ولی نباید برای خلاصی از آن هر راهی را دنبال کنیم چرا که چشم عضو حساسی است. در برخورد با آن باید احتیاط کرد؛ پیش از پرداختن به راه چاره و درمان این مشکل به بررسی علل آن می‌پردازیم.

چه چیزی باعث تیرگی و کبودی اطراف چشم‌ها می‌شود؟

این تیرگی ممکن است ناشی از دلایل زیادی باشد. آن‌ها را در زیر لیست کرده‌ایم:

محرومت از خواب زیاد



Pexels

استرس خستگی آلرژی‌های بینی خارش مداوم و مالیدن چشم به علت شرایط پوستی مانند آگزما محرک‌های پوست در محصولات آرایشی قرار گرفتن در معرض نور خورشید (در غیاب کرم ضد آفتاب)

بعضی اوقات تیرگی نیز می‌تواند ارثی باشند. اینها معمولاً بعد از یک سن مشخص ناپدید می‌شوند. آیا خواب واقعاً به کاهش حلقه‌های تیره کمک می‌کند؟

احیا، ترمیم و تجدید، سه عملکرد حیاتی هستند که وقتی در بدن قرار می‌گیرند، در بدن رخ می‌دهند. سطوح بهینه خواب تضمین می‌کند که شما راحت، بدون استرس هستید و پوستتان درخشان است. شما می‌توانید با خوابیدن به مدت ۶-۸ ساعت در هر روز تیرگی چشم را درمان کنید.

چای کیسه‌ای یکی از روش‌های خانگی و کم‌هزینه برای برطرف کردن کبودی و سیاهی دور چشم، استفاده از چای کیسه‌ای مرطوب و



Pexels

۸ توصیه عالی برای سفت کردن پوست بعد از لاغری و رژیم

بعد از دوران بارداری یا کاهش وزن زیاد ممکن است با شلی پوست مواجه شوید، هر چند که لاغری هدف بوده اما این ضعیف و شل شدن پوست را افراد نمی‌پسندند. راه‌های مراقبتی مختلفی برای پوست وجود دارد و در بهترین نسخه‌ها را برای جلوگیری از آسیب به شما معرفی می‌کنیم.

۱. مصرف زیاد آب ۲. لوسیون پوست برای سفت کردن پوست بعد از لاغری: یکی از بهترین نسخه‌ها برای سفتی و خاصیت ارتجاعی پوست لوسیون‌های موجود در فروشگاه است که حاوی ویتامین A و E و آلوورا و قهوه است. در هفته دوبار از این لوسیون استفاده کنید. ۳. ماساژ آلوورا برای سفت کردن پوست: یکی دیگر از نسخه‌های ساده ماسک آلوورا با ابلیمو است. هر دو این مواد را با هم ترکیب کنید و پوست را ماساژ دهید. ۴. استفاده از نمک دریا: هنگام حمام از این نمک استفاده کنید و بعد با آب بشویید. ۵. پیچاندن بدن برای سفت کردن پوست بعد از لاغری: بعد از کاهش وزن همیشه از بادی رپ، قهوه و شکلات استفاده کنید چون به جوان سازی پوست کمک میکنند.

۶. روغن ویتامین E مناسب برای سفت کردن پوست: روغن ویتامین E را روی پوست ماساژ دهید. ۷. روغن نارگیل برای سفت کردن پوست بعد از لاغری: روغن نارگیل را یک مقدار گرم کنید و روی پوست ماساژ دهید. ۸. روغن بادام برای سفت کردن پوست: روغن بادام هم گرم کنید و روی پوست ماساژ دهید و ببندید، سپس بشویید. روغن بادام بهترین سرد شده است. مرطوب کننده پوست محسوب همه خانم‌ها پس از استفاده از چای دوست دارند که یک کیسه‌ای زمانی که کاملاً سرد شد، آن را روی چشم تان بگذارید. ۲. چای کیسه‌ای به طور همزمان روی چشمانتان قرار داده اجازه دهید تا به مدت ۲۰ دقیقه روی چشم‌ها و ناحیه زیر چشم باقی بماند. چشم‌ها را با ترکیب روغن بادام و آب لیموترش ماساژ دهید. کمپرسور نعنای استفاده کنید به این صورت که ۲ تا ۳ قاشق از برگهای نعنای را در حرارت کم بجوشانید بعد از جوشیدن اجازه دهید تا سرد شده و بین یک دستمال نخی قرار داده و روی چشمانتان قرار دهید.

پوست یکدست و درخشان داشته باشند. جوش‌های سر سفید و سر سیاه و آکنه‌ها باعث می‌شود که پوست شما زیبا به نظر نرسد به همین دلیل راهکارهای خانگی زیادی برای درخشندگی و زیبایی پوست وجود دارد. پس به جای این که محصولات گران قیمت شیمیایی را خریداری کنید، می‌توانید با استفاده از راه‌های کاملاً طبیعی روش‌هایی را انجام دهید که هم امن هستند و هم پول زیادی از شما را هدر نمی‌دهند.

خوب بخوابید

حقیقتاً اگر خواب خوبی نداشته

باشید، قطعاً اثرات آن روی پوست صورت شما پدیدار خواهد شد. پوست با کم خوابی دچار خستگی می‌شود. همچنین کمبود خواب می‌تواند عاملی برای مشکلات رگ‌های خونی شود و لکه‌های تیره را روی پوست شما به وجود بیاورد زیرا تعادل هورمون‌ها با کم خوابی و خواب نامناسب به هم می‌ریزد.

ورزش کنید

هرگونه ورزشی که باعث تقویت عضلات شما شود، می‌تواند به سلامت پوست و زیبایی آن کمک کند. باید نیم ساعت در حالت حداقلی در طول روز ورزش کنید. اگر مشکلاتی مثل آکنه، پسرهایس و غیره را روی پوست خود دارید، حتماً باید مراقبت‌های ویژه را انجام دهید و در کنار آن ورزش کنید. زیرا ورزش جریان خون را در بدن شما متعادل می‌سازد که عاملی برای زیبایی و سلامت پوست خواهد بود.

قبل از خواب میکاپ خود را پاک کنید

همان‌طور که می‌دانید پاکسازی پوست یکی از بهترین روش‌ها برای خلاص شدن از شر آلودگی، چربی اضافه و عرق روی پوست می‌باشد. این مواد اضافه حفره‌ها و منافذ پوست شما را می‌بندند و در نتیجه باعث مشکلاتی مثل چروک و جوش می‌شوند. دو بار در روز، یعنی صبح و شب صورت خود را با یک شوینده ملایم پاکسازی



زن روز



ژاله اصفهانی

پرنندگان مهاجر در این غروب خموش که ابری تیره تن انداخته به قله کوه شما شتابزده راهی کجا هستید؟ کشیده پر به افق تک تک و گروه چه شد که نمودید بر دیار دگر؟ چه شد که از دیار آشنا سفر کردید؟ مگر چه درد و شکنجی در آشیان دیدید؟ که عزم دشت و دمن‌های دور تر کردید؟ در این سفر که خطرداشت بی شمار آیا کاروان شما هیچکس شهید شده‌است؟... پرنندگان مهاجر دلم به تشویش است که عمر این سفر دورتان زیاد شود به باغ باد بهار آید و بدون شما شکوفه‌های درختان سیب باز شود...

راهکارهایی برای حفظ زیبایی و سلامت پوست

مواد آرایشی روی پوست جلوی تنفس آن را می‌گیرد. پس قبل از خواب هر گونه میکاپ را روی صورت خود پاک کنید. می‌توانید از روغن‌های پاک کننده آرایشی استفاده کنید که بهتر از مواد شیمیایی خشن می‌باشند. البته این روغن‌ها برای افرادی که پوست چرب دارند، مناسب نیستند.

لایه برداری کنید

سعی کنید که همیشه یک روتین مراقبت از پوست را برای خودتان تنظیم کرده و از آن پیروی کنید. چه بهتر که لایه بردارهایی با مواد طبیعی استفاده کنید که در منزل آن‌ها را در اختیار دارید.

همچنین مطمئن شوید که ماده‌های پاک کننده پوست شما بر پایه آب هستند. روغن‌هایی مثل روغن کرچک کاملاً ضدباکتریایی بوده و برای پاک کردن صورت شما مناسب است. می‌توانید برای خاصیت بیشتر، آن را با روغن جوجوبه، آووکادو و روغن بادام

محرطوب کنید

حتماً باید پوست خود را مرطوب نگه دارید. معمولاً به دلیل تغییر هورمون‌ها در دوران بارداری و دوره‌های مختلف زندگی و یا گرمای تابستان، پوست شما چرب تر از همیشه خواهد بود. پس بهتر است از مرطوب کننده‌های فاقد چربی استفاده کنید تا هم رطوبت را به پوست شما برگردانند و هم بتوانند آن را پاکسازی و یا تغذیه کنند. اگر باردار هستید، حتماً باید به دنبال محصولاتی باشید که برای این دوران حساسیت ایجاد نکنند.

محافظة کنید

یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باید انجام دهید، این است که از پوست خودتان محافظت کنید. مثلاً روزانه ضد آفتاب بزنید. این موضوع در تابستان بیش از همیشه حائز اهمیت خواهد بود، زیرا احتمال آفتاب سوختگی در این فصل بیشتر است.

پوستتان را تقویت کنید

استرس بارداری و گرمای تابستان می‌تواند زیبایی کلی پوست شما را به هم بریزد. تنها راه این است که پوستتان را با استفاده از ماسک‌های آرام بخش صورت تقویت کنید. می‌توانید ماسک‌های مخصوص پوست چرب یا خشک و غیره را خریداری کنید.

برای تمام انواع پوستی هم می‌توانید از این ماسک استفاده کنید:

نصف فنجان جو را با آب گرم و یک قاشق غذاخوری عسل ترکیب کنید. سپس آن را به پوست صورتتان بزنید. مراقب باشید که این ترکیب وارد چشم‌هایتان نشود. ۱۰ دقیقه صبر کنید و در نهایت ماسک را بشویید. بعد از آن پوست نرم و تازه‌ای خواهید داشت.

بخور بگیرید

بخور گرفتن یکی از بهترین راهکارهای زیبایی برای تامین رطوبت پوست می‌باشد. پس به آرامی صورت خود را شستشو دهید. سپس به آن بخار اعمال کنید. می‌توانید یک کاسه آب داغ را با گلاب ترکیب کرده و رو به روی خود بگذارید و از رطوبت و گرمای آن بهره مند شوید. با این کار منافذ عمیق پوست شما نیز پاکسازی خواهد شد.



Pexels

ترکیب کنید و چین و چروک‌ها را از بین ببرید. با این روغن‌ها صورت خود را ماساژ دهید تا هم مواد آرایشی را پاک کنید و هم لایه برداری خفیفی انجام داده باشید. سپس صورتتان را با آب خنک شسته و بعد چند عدد پد خشک را روی صورت قرار دهید تا رطوبت اضافی کشیده شود.

غذاهای سرشار از ویتامین مصرف کنید

حتماً باید غذاهایی مصرف کنید که حاوی ویتامین A و C هستند. ویتامین‌های موجود در مواد غذایی مثل میوه و سبزیجات به شدت برای درخشندگی پوست شما موثر می‌باشند.

پوستتان را پاکسازی کنید

همان‌طور که می‌دانید پاکسازی پوست یکی از بهترین روش‌ها برای خلاص شدن از شر آلودگی، چربی اضافه و عرق روی پوست می‌باشد. این مواد اضافه حفره‌ها و منافذ پوست شما را می‌بندند و در نتیجه باعث مشکلاتی مثل چروک و جوش می‌شوند. دو بار در روز، یعنی صبح و شب صورت خود را با یک شوینده ملایم پاکسازی

مردان شاخص



امیر اشرف آریان پور (۱۳۱۷ - تهران)

امیر اشرف آریان پور کاشانی فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی ملی است در سال ۱۳۳۶ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۳۹ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت را از دانشکده حقوق ایران دریافت کرد.

وی در ادامه تحصیلات دانشگاهی خود، مدرک دکترای خود را در ادبیات فارسی، روزنامه‌نگاری و علوم اداری از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۵۲ دکترای تخصصی را در رشته موزیکولوژی از دانشگاه گوته وین اتریش اخذ کرد.

پس از آن تحصیلات خود را در رشته تاریخ هنر در دانشگاه فرانکفورت پی گرفت و به ایران بازگشت. پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ مجدداً ایران را ترک و در سال ۱۳۷۰ به کشور بازگشت و به اتفاق «حسن ریاحی» گروه موسیقی دانشگاه آزاد را راهاندازی کرد. امیر اشرف آریان پور، یکی از شناخته شده‌ترین مدرسان، پژوهشگران و مدیران موسیقی در ایران است. او را از نخستین مروجان هنر اپرا در ایران می‌دانند. وی در بهمن ۱۳۹۱ در مراسم پایانی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر مورد تجلیل قرار گرفت. همچنین در دی ماه ۱۳۹۴ مراسم تجلیل از امیر اشرف آریان پور در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی تهران برگزار شد. در ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ نیز گرمای داشت امیر اشرف آریان پور به پاس ۶۰ سال فعالیت از سوی موزه «دکتر سندوزی» برگزار شد.

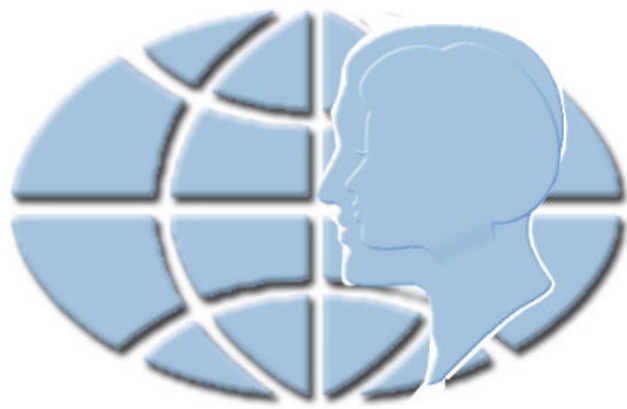


ساعت طلایی خواب شب

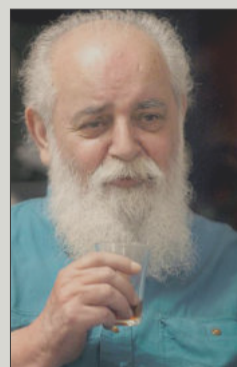
خوابیدن به اندازه غذا خوردن و تنفس کشیدن مهم است و کمبود خواب نه تنها باعث بروز خواب‌آلودگی بلکه باعث کاهش بهره‌وری نیز خواهد شد. کمبود خواب همچنین علت اصلی بسیاری مشکلات مانند استرس، افسردگی و فشار خون بالا است. علاوه بر میزان ساعات خواب، کیفیت خواب نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. بیشتر بزرگسالان به ۶ تا ۸ ساعت خواب در طول شبانه روز نیازمندند. بیدار شدن در اول صبح و قرار گرفتن بدن در معرض نور خورشید باعث انتقال پیاپی از مغز به بدن و تحریک متابولیسم آن خواهد شد. قرار گرفتن در معرض آفتاب اول صبح همچنین سطح ملاتونین را افزایش داده و باعث می‌شود که در هنگام شب راحت‌تر به خواب بروید اما با این حال نحوه دستیابی به این میزان خواب شبانه، بحث دیگری است. برای مثال اگر بیدار ساعت ۷ صبح از خواب بیدار شوید، باید ساعت ۱۱ شب به رخت خواب بروید. جالب است بدانید که خواب بودن در طول ساعات ۲ تا ۴ بامداد، عمیق‌ترین و با کیفیت‌ترین قسمت خواب است. در صورت عدم دستیابی به خواب در این ساعات احتمالاً در ساعات ۱ تا ۳ بعد از ظهر شدیدا احساس خواب‌آلودگی خواهید کرد. البته لازم به ذکر است ساعت بیولوژیکی هر فردی با فرد دیگر متفاوت است، به این معنی که برخی افراد علاقه‌مند به خوابیدن در اوایل شب و برخی دیگر علاقه دارند که تا پاسی از شب بیدار بمانند و بنابراین ساعت بیولوژیکی بدن، خواب و بیداری و عملکردهای مختلف بدن را تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر بهترین روش برای داشتن میزان کافی خواب تطبیق دادن یکی از مهم‌ترین خود با ساعت بیولوژیکی بدن متاسفانه مصرف موارد عنوان شده در سیگار عواقب و این بخش از نمناک مصرف میوه‌ها و سبزیجات به اندازه‌ی لازم است؛ علاوه بر مصرف نوشیدنی‌ها باید میوه و سبزیجات مصرف کنید که منبع غنی از آب هستند. تقریباً ۲۰ درصد از آب بدن ما از طریق میوه و سبزیجات تامین می‌شود.

روئین خود را تغییر دهید:

برای ورزش کردن زمان بگذارید و تمرین‌های ورزشی جدید را امتحان کنید. این تغییرات باعث می‌شود که روی گروه‌های مختلفی از عضلات و مهارت‌های متفاوت مثل بالانس یا لیفت تمرکز



مرد روز



هوشنگ ابتهاج

ایران ای سرای امید بر بامت سپیده دمید
بنگر کزین ره پر خون خورشیدی خجسته رسید
اگر چه دلها پر خون است
شکوه شادی افزون است
سپیده ما گلگون است
که دست دشمن در خون است
ای ایران! غمت مرصاد
جاویدان شکوه تو باد
راه ما، راه حق، راه بهروز یست
اتحاد اتحاد رمز بیروز یست
صلح و آزادی جاودانه در همه جهان،
خوش باش
یادگار خون عاشقان!
ای بهار تازه جاودان در این چمن شکفته باش

شگرد ورزش بدون گرم‌زدگی در تابستان

گرمای تابستان به شدت کلافه‌کننده است. مخصوصاً زمانی که در حین ورزش کردن، زیاد عرق می‌کنید. از طرفی باید حداقل ۷۵ دقیقه در هفته ورزش کنید تا بتوانید سلامت بدن خود را تضمین کنید اما چگونه می‌توان با این عرق زیاد و گرمای بالا در فصل تابستان مبارزه کرد؟

فصد آفتاب بزنید:

ضدآفتاب نه تنها می‌تواند گرمای اضافی را از بین ببرد، بلکه از داغ شدن پوست شما جلوگیری می‌کند و عوارض جانبی آفتاب سوختگی را به شدت کاهش می‌دهد.

نوشیدنی سالم مصرف کنید:

نتیجه گرمای عرق کردن و نتیجه عرق کردن، از دست دادن آب بدن می‌باشد. فرقی ندارد که داخل یا بیرون از منزل ورزش کنید؛ در هر صورت باید به اندازه کافی آب بنوشید. تقریباً ۹۹ درصد کاهش وزن به دلیل از دست دادن آب می‌باشد. بدن شما به آب کافی نیاز دارد تا بتواند دمای داخلی را متعادل کند و به خوبی عملکردهای مختلف را به انجام برساند که در صورت کم‌آبی و خشکی بدن قادر به انجام این کارها نخواهد بود. از طرفی نباید نوشیدنی‌های بنوشید که آب بدن شما را به خودشان جذب

زمان تمرین خود را تغییر دهید:

همان‌طور که می‌دانید زمانی که نور خورشید به اوج خود می‌رسد، دمای هوا نیز افزایش پیدا می‌کند. در واقع موقعیت خورشید، میزان گرمای روز را تعیین می‌کند. خورشید هنگام ظهر بیشترین گرمای خودش را ساطع می‌کند و تقریباً حدود ساعت سه و نیم به اوج خود می‌رسد. به همین دلیل بهتر است زمان بیرون رفتن و ورزش کردن خود را تغییر دهید و بین ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر هرگز بیرون از منزل نباشید.

به پوشش بدن خود دقت کنید:

دمای داخلی بدن می‌تواند تا ۲۰ درجه هم در طول انجام ورزش‌های هوازی برسد؛ حتی زمانی که در یک محیط خنک ورزش می‌کنید. باید هنگام ورزش کردن متناسب با دمای هوا یک پوشش مناسب داشته باشید. لباس پوشیدن مناسب حین ورزش کردن، به شدت در تعادل درمانی بدن شما موثر خواهد بود. مچ بند، هدبند و حوله‌های اطراف گردن خود را بعد از ورزش کردن با آب خنک مرطوب کنید تا بتوانند رطوبت کافی را به بدن شما برسانند و عرق را به خود جذب کنند.

لباس‌های سبک انتخاب کنید:

لباس‌هایی که از نظر وزنی سبک هستند و رنگ روشن دارند، اشعه‌های نور خورشید را منحرف می‌کنند و عرق بدن را به خودشان جذب می‌کنند و احساس خنکی بیشتری خواهید کرد.

هوازی لباس‌های گتان نپوشید:

زیرا این لباس‌ها رطوبت را داخل خود نگه می‌دارند و به آرامی خشک می‌شوند و در نتیجه گرما در بدن شما محبوس می‌گردد.

بهترین روش‌های بر خورد با نوجوان سیگاری

ناراحتی خود را از این شرایط ابراز کنید. سعی کنید بیشتر شنونده باشید و دلایل او را بشنوید. با انصاف باشید و قضاوت نکنید، همچنین حمایت خود را در حین گفتگو از او نشان دهید.

عشق بورزید:

بی‌محابی، گذاشتن شرط برای دوست داشتن او و تهدید کردن چاره کار نیست. با این کارها فرزند شما لجباز شده و یا از خانه خود فراری می‌شود. بنابراین بهترین کار عشق و محبت خود را بدون قید شرط ابراز کنید.

به فراتر از سیگار فکر کنید:

نوجوانان غالباً فکر می‌کنند سیگارهای الکترونیکی (ویپ)، تنباکوهای دودی، سیگارهای گل میخک (کرتکس)، سیگارهای طعم دهنده آب نباتی (بیدیسی) و قلیان، کم‌ضرتر و کم‌اعتیادآورتر از سیگارهای سنتی هستند. اما همه آن‌ها خطراتی را برای سلامتی به همراه دارند.

به غرور نوجوان خود متوسل شوید:

به نوجوان خود یادآوری کنید که استعمال سیگار سبب بوی بد دهان، زردی دندان و انگشتان دست، سرفه‌های مزمن و بوی بد مو، بدن و لباس می‌شود.

به مشاوره متخصص مراجعه کنید:

بهبتر است از یک مشاوره متخصص کمک بگیرید و در جلسات مشاوره به همراه فرزندتان شرکت کنید. اما اگر فرزندتان حاضر به مشارکت در این جلسات نمی‌باشد، خودتان به تنهایی با مشاور صحبت کرده و از او راهنمایی بگیرید.

حساب کتاب ریاضیاتی داشته باشید:

سیگار کشیدن امری گران است. به نوجوان خود کمک کنید که مصرف روزانه، ماهانه یا سالیانه خرید سیگار را محاسبه کند و در عوض برای خرید تلفن هوشمند، لباس یا سایر موارد مورد نیاز خرج کند.

انتظار فشار همسالان را داشته باشید:

به نوجوان خود ابزار و وسایلی را بدهید که برای سیگار کشیدن او لازم است. به او بیاموزید چگونه با اوضاع دشوار اجتماع روبرو شود، به عنوان مثال به او بگویید در پاسخ به این که آیا سیگار میکشی؟ قاطعانه نه بگوید و از این امر امتناع کند. همچنین موارد زیر را نیز در نظر داشته باشید:

نوجوان خود پیشگیری کنید نکات زیر را دنبال کنید:

راهکار پیشنهادی برای رفتار و برخورد با نوجوان سیگاری

مثال خوبی بزنید:

سیگار کشیدن در نوجوانی رایج‌تر است که والدین سیگاری دارند. پس اگر سیگار می‌کشید ترک کنید. از پزشک خود راهکارهایی برای ترک کردن را درخواست کنید. در مقابل نوجوان خود سیگار نکشید و محصولات دودی را به دور از محیط خانه ببرید. به نوجوان خود توضیح دهید که از سیگار کشیدن او ناراحت هستید و در صورت ادامه دادن چقدر ترک آن دشوار خواهد بود.

رابطه خود را تقویت کنید:

تضعیف رابطه، راه حلی خوب برای فراری شدن خودتان از مسئولیت تربیت فرزندتان است نه اینکه به فرزند خود کمک کنید. به جای کم کردن رابطه خود، آن را تقویت



کرده اند.

کسب لذت و تقلید و خود نمایی، محرک‌های روانی، دوری از خانواده، بیکاری، اصرار دوستان و خویشان و تحریک افراد به مصرف سیگار است. آغاز مصرف سیگار در نوجوانی، ترک آن را دشوارتر می‌کند و آسیب‌های جدی حتی با وجود ترک سیگار در بدن ایجاد می‌شود.

به همین دلیل پیشگیری‌های اولیه هزینه کمتری از نظر مالی و جسمی خواهد داشت.

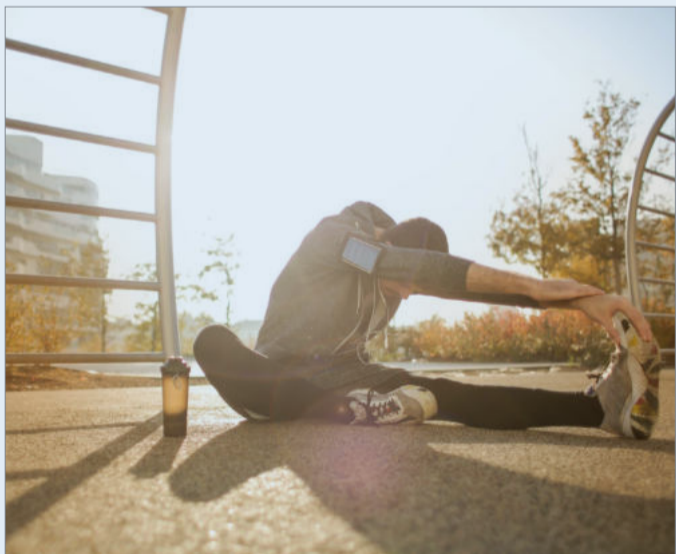
برای آنکه اعتیاد، به یک بیماری کودکان در نوجوان تبدیل نشود، باید تمام تلاش خود را برای دستیابی به هدف مورد نظر انجام دهید، یعنی نوجوان نباید شروع به سیگار کشیدن کند. کنترل و نظارت متقیم، تعقیب کردن، کارآگاه بازی درآوردن، دور ریختن سیگار در جیب و یا بین وسایل شخصی، و به طور کلی رفتارهای غافلگیرکننده هرگز موثر نمی‌باشد. برای آن که به عنوان یکی از والدین از این امر در بزرگسالی

کرده اند.

کسب لذت و تقلید و خود نمایی، محرک‌های روانی، دوری از خانواده، بیکاری، اصرار دوستان و خویشان و تحریک افراد به مصرف سیگار است. آغاز مصرف سیگار در نوجوانی، ترک آن را دشوارتر می‌کند و آسیب‌های جدی حتی با وجود ترک سیگار در بدن ایجاد می‌شود.

به همین دلیل پیشگیری‌های اولیه هزینه کمتری از نظر مالی و جسمی خواهد داشت.

برای آنکه اعتیاد، به یک بیماری کودکان در نوجوان تبدیل نشود، باید تمام تلاش خود را برای دستیابی به هدف مورد نظر انجام دهید، یعنی نوجوان نباید شروع به سیگار کشیدن کند. کنترل و نظارت متقیم، تعقیب کردن، کارآگاه بازی درآوردن، دور ریختن سیگار در جیب و یا بین وسایل شخصی، و به طور کلی رفتارهای غافلگیرکننده هرگز موثر نمی‌باشد. برای آن که به عنوان یکی از والدین از این امر در بزرگسالی



کرده اند.

کسب لذت و تقلید و خود نمایی، محرک‌های روانی، دوری از خانواده، بیکاری، اصرار دوستان و خویشان و تحریک افراد به مصرف سیگار است. آغاز مصرف سیگار در نوجوانی، ترک آن را دشوارتر می‌کند و آسیب‌های جدی حتی با وجود ترک سیگار در بدن ایجاد می‌شود.

به همین دلیل پیشگیری‌های اولیه هزینه کمتری از نظر مالی و جسمی خواهد داشت.

برای آنکه اعتیاد، به یک بیماری کودکان در نوجوان تبدیل نشود، باید تمام تلاش خود را برای دستیابی به هدف مورد نظر انجام دهید، یعنی نوجوان نباید شروع به سیگار کشیدن کند. کنترل و نظارت متقیم، تعقیب کردن، کارآگاه بازی درآوردن، دور ریختن سیگار در جیب و یا بین وسایل شخصی، و به طور کلی رفتارهای غافلگیرکننده هرگز موثر نمی‌باشد. برای آن که به عنوان یکی از والدین از این امر در بزرگسالی

کرده اند.

کسب لذت و تقلید و خود نمایی، محرک‌های روانی، دوری از خانواده، بیکاری، اصرار دوستان و خویشان و تحریک افراد به مصرف سیگار است. آغاز مصرف سیگار در نوجوانی، ترک آن را دشوارتر می‌کند و آسیب‌های جدی حتی با وجود ترک سیگار در بدن ایجاد می‌شود.

به همین دلیل پیشگیری‌های اولیه هزینه کمتری از نظر مالی و جسمی خواهد داشت.

برای آنکه اعتیاد، به یک بیماری کودکان در نوجوان تبدیل نشود، باید تمام تلاش خود را برای دستیابی به هدف مورد نظر انجام دهید، یعنی نوجوان نباید شروع به سیگار کشیدن کند. کنترل و نظارت متقیم، تعقیب کردن، کارآگاه بازی درآوردن، دور ریختن سیگار در جیب و یا بین وسایل شخصی، و به طور کلی رفتارهای غافلگیرکننده هرگز موثر نمی‌باشد. برای آن که به عنوان یکی از والدین از این امر در بزرگسالی

معاون بانوان وزارت ورزش:

مشتزنی، پرورش اندام و ورزش زورخانه برای زنان ممنوع است؛ «حجیم شدن عضلات با شرایط زنان جور در نمی آید»!



● «در مبانی اعتقادی ما از زن به عنوان ریحانه یاد شده است. نمی توانیم ورزش هایی را مانند مشتزنی، ورزش زورخانه و پاور لیفتینگ قبول کنیم که کل سیستم بدنی و فیزیولوژی زنان را تحت تاثیر قرار دهد. پرورش اندام و حجیم شدن عضلات با شرایط خانمها جور در نمی آید!»

سیمین فرهادی زاده گفته: برخی از رشته های ورزشی همیشه با حواشی خاصی همراه بوده است. چندی پیش دختران علاقمند به بوکس خواستار درخواست مجوز این بازی شدند. به تازگی هم تعدادی از خانمها خواسته اند به ورزش زورخانه و پاور لیفتینگ بپردازند.

او اضافه کرده: در مورد ورزش هایی که مورد توجه زنان است، ما مسائل فرهنگی را هم در نظر می گیریم و با توجه به اینکه در مبانی اعتقادی ما از زن به عنوان ریحانه یاد شده، نمی توانیم رشته ای را قبول کنیم که کل سیستم بدنی و فیزیولوژی او را تحت تاثیر قرار دهد.

وی تاکید کرده: در مورد پاورلیفتینگ، متقاضیان باید توضیح بدهند در چه بخشی از این ورزش تصمیم به فعالیت دارند. اگر به دنبال پرورش اندام هستند، پاسخ ما به آنها بلافاصله منفی خواهد بود. چون پرورش اندام و حجیم شدن عضلات با شرایط خانمها سازگار نیست!

فرهادی زاده در مورد خانمهای دوستدار ورزش باستانی زورخانه هم گفته: تعداد آنها انگشت شمار است

و همه هیاهویی که در رابطه با این ورزش برای زن ها برپا شده به خاطر همین تعداد اندک است! ضمنا ورزش زورخانه ای قبل از آنکه ورزش باشد، ترویج آئین پهلوانی است که هنگام ورود به زورخانه، شکل و شمایل ساختمان زورخانه و اعمال و رفتارشان نشان دهنده آن است که این محل برای مردان بوده و لباس آن هم کاملا برای مردها طراحی شده است. عده ای می گویند می توان ساعتی را برای مردان و زمانی را هم برای بانوان در نظر گرفت. او در پاسخ این پرسش که آیا نسبت دادن واژه پهلوانی فقط برای مردان درست است، گفته: خیر، پهلوانی معرفت و مهربانی برای مردان و زنان است. اما چرا زنان دنبال پهلوانی در ورزش زورخانه می گردند؟ بروند پیشینه این ورزش را ببینند که آیا هم جنسان آنها هم در این ورزش بوده اند یا نه؟ باید هدف بانوان از ابراز علاقه به این ورزش را پرسید!

وی در واکنش به پرسش دیگر خبرنگار آفتاب نیوز که از او پرسیده

موضوعات مختلف در گذر زمان تغییر می کنند و آیا درست است که بگوییم چون پیش از این چنین نبوده، پس در آینده هم نباید باشد، جواب داده: این ارتباط تا حدودی غلط است. ورزش زورخانه ای، فدراسیون ملی و جهانی دارد و نشأت گرفته از فرهنگی تاریخی است. این ورزش اختراع نشده بلکه قدمت دارد. مردان در آن فعال بوده اند و آن را زنده کرده اند که کار بسیار خوبی است. با این حال در هیچ جایی به حضور زنان در این ورزش اشاره نشده است.

خبرنگار که از سماجت و انجماد فکری معاون زنان وزارت ورزش سخت متعجب شده بوده به او گفته که فرهنگ هم دچار تغییر می شود. اما فرهادی زاده می گوید: البته فرهنگ یعنی اینکه نیازهای زنان را در قالب های مختلف بر اساس علاقه شان پاسخگو باشیم. اما این کار را انجام نداده ایم ولی خانمها در حال حاضر در رشته های جدیدی مثل موج سواری و پاراگلایدر فعالیت می کنند.

سمیرا مخملباف، علی عباسی و یک فیلمساز «دفاع مقدس» عضو آکادمی اسکار شدند!



نرگس آبیبار

● آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار به تازگی اسامی ۸۱۹ عضو تازه خود را اعلام کرده است که سمیرا مخملباف فیلمساز، علی عباسی تهیه کننده مشهور سینمای قبل از انقلاب و ممنوع الکار پس از انقلاب، ستار اورکی آهنگساز و نرگس آبیبار فیلمساز «دفاع مقدس» نیز در این فهرست قرار دارند.

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار اسامی ۸۱۹ عضو تازه خود را اعلام کرد که سمیرا مخملباف، علی عباسی، ستار اورکی و نرگس آبیبار در این فهرست قرار دارند. نرگس آبیبار سازنده فیلم های «دفاع مقدس» است که از حمایت های گشاده دستانه ی نظام برخوردار است.

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار به تازگی اسامی ۸۱۹ عضو تازه خود را اعلام کرده است که سمیرا مخملباف فیلمساز، علی عباسی تهیه کننده مشهور سینمای قبل از انقلاب و ممنوع الکار پس از انقلاب، ستار اورکی آهنگساز و نرگس آبیبار فیلمساز «دفاع مقدس» نیز در این فهرست قرار دارند.

از چهار سینماگر ایرانی عضو جدید آکادمی اسکار، سمیرا مخملباف فرزند محسن مخملباف و علی عباسی تهیه کننده فیلم های مشهوری چون «سوته دلان»، «تنگسیر» و «رضا

موتوری» در خارج از ایران زندگی می کنند. با انتشار این فهرست مشخص شده که نرگس آبیبار فیلمساز مورد حمایت حکومت و از فیلمسازان آثار موسوم به «دفاع مقدس» نیز عضو آکادمی اسکار است.

جالب اینجاست که در سال ۲۰۱۸ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فیلم سینمایی «نفس» ساخته نرگس آبیبار را برای شرکت در رقابت بخش فیلم های غیرانگلیسی زبان به آمریکا فرستاد که پذیرفته هم نشد. در ساختار کنونی سینمای ایران، نرگس آبیبار را فیلمساز هم تراز ابراهیم حاتمی کیا و ستایش شده از سوی او و هم جهت با گرایش های نظام می دانند

که سیاست های نظام را در قالب فیلم به مخاطبان عرضه می کند. نرگس آبیبار اما همانقدر که برای حکومت خوش رقصی می کند،

هیاهوی احمد کیارستمی به خاطر انتشار نامه های پدرش؛ بهمن کیارستمی:

چیزی بیشتر از دعوای وارثان نیست!

مراتب را از طرق قانونی پیگیری خواهد شد»

بهمن کیارستمی در واکنش به تهدیدات برادرش که ساکن آمریکاست و یک «بنیاد کیارستمی» در رابطه با «کپی رایت» آثار پدرشان راه اندازی کرده، شکایت قضایی برادرش را مسئله ای «حقوقی» دانسته که «باید در دادگاه مطرح شود و درباره اش حکم داده شود». وی همچنین گفته است «اگر این موارد جور دیگری مطرح شده بود، درباره اش حرف می زدیم، اما زمانی که طرح شکایت در دادگاه عنوان می شود، هرگونه ادعایی پیش از آن درست نیست، چون می تواند روی نتیجه اثر بگذارد.» بهمن کیارستمی گفته است: «شخصا ترجیح می دهم که منتظر نتیجه دادگاه باشم.»

وی «در این مرحله» مخاطب برادرش را نشر «نظر» خواند و گفت: «این دعوها چیزی بیشتر از دعوای وارثان یک متوفی نیست و جز اینکه باعث شود یک زمین خالصخیز، بایر بماند، فایده ای ندارد.»

احمد کیارستمی فرزند ارشد عباس کیارستمی فیلمساز معروف ایران و جهان، در سال ۹۷ «بنیاد کیارستمی» را در آمریکا راه اندازی کرد. این بنیاد ارشبو و حق انتشار آثار سینمایی بهمن کیارستمی را برعهده دارد و ریاست هیئت مدیره آن با احمد کیارستمی برادر بهمن کیارستمی است که در ایران زندگی می کند.

این در حالیست که بهمن کیارستمی پس از طرح شکایت از سوی برادرش علیه نشر «نظر»، از تلاش برای تاسیس بنیادی برای حفظ و نشر آثار عباس کیارستمی نیز خبر داد و گفت: «پرویز جاهد، فیلمساز، مدرس و منتقد سینما پیشنهاد کرد که به دلیل نبود توافق میان وارثان، بهتر است که بنیادی باشد که بتواند مسئولیت حفظ و نشر آثار را برعهده بگیرد.»

وی افزود: «کارهای بسیاری باقی مانده و تقریبا هیچ چیز پیش نرفته است، من امیدوارم که تاسیس این نهاد دست کم در ایران بتواند، به انتشار آثار عباس کیارستمی کمک کند و کارها را به پیش ببرد. آنچه مهم است هموار بودن راه انتشار آثار اوست.»



همزمان با زادروز این فیلمساز بزرگ (اول تیرماه) انتقاد و واکنش احمد کیارستمی فرزند وی را به دنبال داشت که انتشار نامه های خصوصی پدرش را عملی «غیرقانونی» دانست. این کتاب هفته گذشته با حضور شماری از اهالی سینما رونمایی شد. «من خانم»؛ پاره نامه هایی از عباس کیارستمی شامل نامه های خصوصی کیارستمی به همسرش و همچنین یادداشت های «بخچالی» است که پس از فروپاشی زندگی مشترک شان نوشته است.

منابع خبری نوشتند، این مجموعه به انتخاب بهمن کیارستمی گردآوری شده و آنطور که در مقدمه بهمن کیارستمی آمده، سعی دارد اهمیت خانواده در نگاه عباس کیارستمی را نشان دهد. حالا احمد کیارستمی با انتشار توثیقی نشر «نظر» را تهدید به شکایت قانونی کرده و مدعی شده که این اقدام «غیرقانونی» و ناقض حریم خصوصی است.

وی نوشته است: «متاسفانه بعد از چاپ دو کتاب بدون مجوزهای کامل، علی رغم نامه ارسال شده به نشر نظر در دی ماه سال گذشته و پیام مستقیم به آقای بهمن پور در چند روز گذشته بابت نداشتن تمامی مجوزهای لازم بابت نشر کتاب جدید، نشر نظر اقدام به چاپ کتابی جدید درباره پدرم کرده است.» احمد کیارستمی اضافه کرده: «علاوه بر مشکل مجوز، این کار عدم رعایت حریم خصوصی است که نه تنها مغایر با اخلاقیات، بلکه بر خلاف قانون است.

● «من خانم؛ پاره نامه هایی از عباس کیارستمی» شامل به همسرش و همچنین یادداشت های «بخچالی» است که پس از فروپاشی زندگی مشترک شان نوشته است.

● در حالی که احمد کیارستمی در مصاحبه هایی از ارشبو و بازسازی آثار پدرش در بنیادی در آمریکا خبر داده بود، بهمن می گوید: «کارهای بسیاری باقی مانده است، من امیدوارم که تاسیس این نهاد دست کم در ایران بتواند، به انتشار آثار عباس کیارستمی کمک کند و کارها را به پیش ببرد. آنچه مهم است هموار بودن راه انتشار آثار اوست.»

● بهمن کیارستمی که ساکن ایران است درباره شکایت برادرش که ساکن آمریکاست گفته: «شخصا ترجیح می دهم که منتظر نتیجه دادگاه باشم.»

در حالی که کتاب «من خانم»؛ پاره نامه هایی از عباس کیارستمی» با گردآوری بهمن کیارستمی فرزند کوچک این فیلمساز منتشر شده، احمد کیارستمی دیگر فرزند این فیلمساز مشهور ایران و جهان، انتشار نامه های خصوصی پدرش در قالب یک کتاب را اقدامی «غیرقانونی» و «نقض حریم خصوصی» دانسته که از مجاری قانونی پیگیری می کند!

بهمن کیارستمی در واکنش به تهدید از سوی شکایت برادرش گفته است: «این دعوها چیزی بیشتر از دعوای وارثان یک متوفی نیست و جز اینکه باعث شود یک زمین خالصخیز، بایر بماند، فایده ای ندارد.»

انتشار کتاب «من خانم»؛ پاره نامه هایی از عباس کیارستمی» توسط نشر «نظر»

دلیل اصلی عدم تصویب اساسنامه فوتبال ایران از سوی فیفا چیست؟



ملاحظه و تصویب اعضای مجمع برای آنان فرستاده می شود که آن را تصویب کنند

براتی یادآور شده: در حال حاضر اختلاف اصلی بین فدراسیون فوتبال و فیفا این است که بر اساس مصوبه هیئت رئیسه در ماده یک اساسنامه، ماهیت فدراسیون فوتبال ایران عمومی و غیردولتی ذکر شده اما فیفا هنوز در این مورد قانع نشده است و این موضوع محل اختلاف است. واضح است که فدراسیون تشکیلات دولتی نیست و فیفا فقط دو ماه به ما وقت داده که بگوییم فدراسیون فوتبال ایران موسسه ای خصوصی است که این بر خلاف مقررات داخلی است. بنابراین باید تلاش کنیم تا فیفا قانع شود بر اساس مقررات ملی و داخلی ایران فدراسیون ها، سازمان های غیردولتی هستند و درج عنوان دیگر برای فدراسیون موجب ایجاد تعارض بین اساسنامه فدراسیون و مقررات ملی می شود. خلاصه می گوئیم تا با مذاکره، تعامل و گفتمان این مشکل را حل کنیم. البته ما کاملا درک می کنیم که فیفا به عنوان مهم ترین تشکیلات ناظر بر فوتبال دنیا و قاره آسیا، در مورد اساسنامه فدراسیون ها حساس باشد. آنها هم البته تفاوت های قانونی کشورهای مختلف را درک می کنند!

در همین حال حیدر بهاروند سرپرست فدراسیون فوتبال هم می گوید: وقتی فوتبال تعطیل می شود، نشاط از جامعه رخت بر می بندد. بنابراین باید فوتبال را از سایر رشته ها جدا کرد. زیرا این ورزش همیشه پر بیننده و جذاب است و با شروع لیگ این شادی به جامعه برگشته است. ما توانستیم با رعایت پروتکل های بهداشتی و کمک هیئت ها لیگ را برگزار کنیم.

او افزود: لیگ تعطیل بردار نیست و ادامه خواهد داشت. وی در مورد اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال هم گفته: با مکانیاتی که با فیفا داشتیم، اقدامات خوبی صورت گرفته و روند

● وکیل فدراسیون فوتبال: فیفا هنوز قانع نشده فوتبال ایران غیردولتی است.

● سرپرست فدراسیون فوتبال: لیگ را تعطیل نمی کنیم، فوتبال شادی به جامعه آورده است.

رئیس کمیته حقوقی و تدوین مقررات فدراسیون فوتبال ایران درباره آخرین وضعیت اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال که هنوز به تصویب فیفا نرسیده توضیح داده است که در پی مکانیاتی انجام گرفته با فدراسیون جهانی فوتبال و با توجه به شرایطی که به دلیل بحران کرونا وجود دارد، امکان برگزاری جلسات حضوری وجود ندارد و بنابراین ناگزیر هستیم از طریق کنفرانس ویدئویی، کنفرانس تلفنی و ارسال ایمیل و نامه روند مذاکرات و انجام اصلاحات را طی کنیم.

احمدرضا براتی درباره عدم ارسال پیش نویس به اعضای مجمع و هیئت رئیسه فدراسیون فوتبال هم گفته: اعضای هیئت رئیسه بطور کامل در جریان ادامه مذاکرات با فیفا قرار دارند و از جزئیات اساسنامه باخبرند و بر روند اصلاحات نظارت می کنند. درباره مجمع هم باید توجه داشت که مجمع مرجع نهایی برای تصویب اساسنامه است و طبیعی است که هیچ چیزی بدون نظر آنها تصویب نمی شود. اما در عین حال نحوه مشارکت اعضای مجمع در اصلاح اساسنامه هم باید تابع خود اساسنامه باشد.

براتی تاکید کرده اینکه می گویند اساسنامه پیش از نظرخواهی اعضای مجمع برای تصویب به فیفا فرستاده شده کاملا اشتباه است چون فیفا مرجع تصویب اساسنامه نیست بلکه آنها پیش نویس ارسال شده را می بینند تا مطمئن شوند اصول الزامی فدراسیون جهانی فوتبال در آن رعایت شده باشد و در صورتی که از این بابت مشکلی نباشد، اساسنامه جهت

دور زدن تنگه هرمز با خط لوله «گوره- جاسک»؛ تامین مالی تروریسم حتی در شرایط کرونا



جزیره خارک در ۴۶ کیلومتری جنوب بوشهر واقع است و حدود ۸۲۰۰ نفر سکنه دارد و شرکت‌های نفتی مثل پتروشیمی خارک، فلات قاره و شرکت پایانه‌های نفتی در آن فعال‌اند و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش در آن پایگاه نظامی دارند

● حسن روحانی می‌گوید احداث خط لوله «گوره- جاسک» یک پروژه استراتژیک است که اگر روزی تنگه هرمز در روز مبادا به هر دلیلی بسته شد صادرات نفت متوقف نشود. ● توجیه دهقانی مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) از پیمانکاران اصلی پروژه احداث خط لوله «گوره- جاسک» می‌گوید حتی با وجود شرایط کرونا عملیات احداث متوقف نشده و کار بطور شبانه‌روزی ادامه داشته است.

● کیهان تهران آنچه را روحانی در لافاه گفته به صراحت نوشته است: با احداث خط لوله انتقال نفت به بندر جاسک ایران می‌تواند تنگه هرمز را ببندد! ● حدود ۵۰۰ میلیون یورو قرارداد تامین لوله‌های این طرح و حدود ۴۸ میلیون یورو به‌ساخت پمپ‌های انتقال نفت اختصاص داده شده است.

● تولید ۱۱۰۰ کیلومتر لوله‌های فولادی ۴۲ اینچ را شرکت فولاد مبارکه اصفهان، شرکت فولاد اکسین خوزستان، لوله‌سازی اهواز، لوله‌سازی ماهشهر و لوله‌سازی صفا به عهده دارند که به دلیل همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تامین مالی تروریسم در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. ● تهدیدات نظامی که خود جمهوری اسلامی مسبب آن است، اصلی‌ترین دلیل جمهوری اسلامی برای ایجاد پایانه جایگزین است.

حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی پنجشنبه ۵ تیرماه آغاز رسمی پروژه احداث خط لوله ۱۱۰۰ کیلومتری «گوره- جاسک» را اعلام کرد.

این پروژه تقریباً دو سال است آغاز شده اما به دلیل حساسیت‌هایی که درباره آن وجود دارد کمتر در مورد این خط لوله اطلاع‌رسانی شده است.

روحانی با استراتژیک خواندن این پروژه ابراز امیدواری کرد که تا اسفند ۹۹ تمام شود. وی گفت «بسیاری از کشورهای منطقه راه دیگری برای صادرات نفت خودشان پیدا کردند تا در یک شرایط روز خطر برای تنگه هرمز، بتوانند نفت خود را صادر کنند». او توضیح داد «هر کشوری راهی را برای صادرات نفت در مواقع خطر پیدا کرده از جمله در دریای سرخ و مدیترانه و تنها کشوری که این وسط مانده بود و اگر روزی تنگه هرمز به هر دلیلی بسته می‌شد صادرات نفتش اسلامی ایران بود».

روحانی در ادامه گفت «شعاری که می‌دادیم ما کنار تنگه هرمز هستیم و آبراه در اختیار ماست این حرف کاملاً درست است اما برای روز مبادا [اگر] مشکل عظیمی برای خود ما به وجود می‌آید و امروز ما از این مشکل عبور کردیم».

جزیره خارک در جنوب استان بوشهر در خلیج فارس اصلی‌ترین پایانه صدور نفت ایران است. حدوداً ۸۰ درصد صادرات نفتی ایران وابسته به این پایانه است. گرچه بر اساس آمار، صادرات نفت خام ایران در حال حاضر به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده اما در تمام ادوار، جزیره خارک برای ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است.

در طول جنگ ایران و عراق نیروی هوایی ارتش صدام حسین بیش از ۲۰۰ بار به این پایانه حمله کرد تا صادرات نفت ایران را مختل کند.

تهران - واشنگتن؛ تلاش ناکام جمهوری اسلامی برای تأثیر گذاری بر انتخابات آمریکا

نشست خود که در برلین برگزار شد از تهران خواستند بدون تأخیر به تعهدات هسته‌ای خود بازگردند.

آنچه در بیانیه پایانی نشست برلین برای تهران بسیار نگران‌کننده و ناخوشایند بود، تأکید کشورهای اروپایی بر ضرورت محدود کردن برنامه موشک‌های بالستیک ایران و متوقف کردن دخالت‌های تهران در کشورهای منطقه است که به بی‌ثباتی و نگرانی همه کشورهای منطقه و جهان منجر شده؛ اروپایی‌ها در این خواسته‌ها با ایالات متحده مواضع مشترک دارند. پس از این تحولات بود که پاسدار یحیی رحیم‌صافی مشاور امور نظامی رهبر جمهوری اسلامی گفت: «به هیچ وجه مذاکره‌ای با ترامپ انجام نمی‌شود زیرا ما او را یک جنایتکار می‌دانیم و نه رئیس جمهوری!» او افزود: «درباره فعالیت‌های موشکی ما، مذاکره نمی‌کنیم و به سیاست‌های منطقه‌ای خود نیز ادامه خواهیم داد».

رحیم‌صافی همچنین تهدید کرد که «هر حرکت نظامی از سوی آمریکا علیه ما در آب‌های خلیج فارس با واکنش گسترده‌ی ما روبرو خواهد شد».

نشانه‌های تشدید تنش رژیم ایران در منطقه در چندین محور خارجی در لبنان، عراق، سوریه و یمن نیز آشکار شده و عملیات تهاجمی در حال شکل گرفتن است.

طی روزهای گذشته با وجود تثبیت آتش‌بس توسط سازمان ملل در یمن و متوقف شدن حملات نیروهای ائتلاف عربی به رهبری سعودی، حوثی‌های وابسته به رژیم ایران سه موشک اسکاد و هشت فروند هواپیمای بدون سرنشین به سوی شهرهای سعودی پرتاب کردند که پدافند هوایی سعودی همه آنها را ردیابی و ساقط کرد.

در بیروت نیز حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان در سخنان اخیر خود از ضرورت ایجات تغییرات استراتژیک در گزینه‌های لبنان سخن گفته است. نصرالله خواستار سوق دادن اقتصاد لبنان به سمت چین و پیوند دادن آن با اقتصاد جمهوری اسلامی شده است. از سخنان وی بر می‌آید که او می‌خواهد لبنان و ملت لبنان را به حربه‌ای برای رژیم ایران جهت مقابله با آمریکا تبدیل کند. چنین سیاستی که لبنان را هم‌اکنون نیز به فروپاشی اقتصادی و مالی رسانده است، به ناپودی کامل خواهد کشاند.

حزب الله طی سال‌های گذشته برای دور زدن تحریم‌های سازمان ملل علیه سوریه کمک‌های زیادی به رژیم اسد کرده بود.

رژیم تهران همچنین از گفتگوی استراتژیک میان بغداد و واشنگتن بیزار نگارن و ناراضی است اما توانایی منع گفتگوهای برقراری روابط استراتژیک میان بغداد و واشنگتن را ندارد. تهران که خود در باتلاق مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی و داخلی گیر کرده، هیچ گزینه‌ای از نظر اقتصادی و استراتژیک که بتواند نیاز عراقی را به واشنگتن را برطرف کند، ندارد. اما با این حال رژیم تهران در مرحله کنونی تلاش می‌کند تا از طریق شبه‌نظامیان وابسته به خود در عراق، محیط سفارت آمریکا، مرکز فرماندهی عملیات مشترک در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد، جایی که نیروهای ائتلاف بین‌المللی علیه داعش مستقر هستند را با موشک کاتیوشا هدف قرار دهند.

مقامات رژیم تهران در بحران بسیار عمیقی بسر می‌برند. حکومت ایران با شک و تردید همراه با ترس و نگرانی گفتگوی استراتژیک میان بغداد و واشنگتن را نظاره می‌کند؛ گفتگویی که در بدترین شرایط تهران و برای اولین بار از سال ۲۰۰۳ در غیاب قاسم سلیمانی برگزار می‌شود. این گفتگوها توسط مصطفی الکاظمی نخست وزیر جدید عراق که در بسیاری از مسائل با رژیم ایران اختلاف دارد، دنبال می‌شود.

*منبع: روزنامه شرق الاوسط
*نویسنده: مصطفی فحص
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● مقامات جمهوری اسلامی معتقدند اگر اکنون با ترامپ در پیچه مذاکره را باز کنند حتی اگر این مذاکره به نتیجه هم نرسد شکافی در دیوان محکم محاصره سخت دیوان محکم محاصره سخت ترامپ برنده شود از همان در پیچه گفتگوها با کاخ سفید را باز خواهند کرد و در صورتی که رقیب دموکرات او جو بایدن برنده شود، باز پایه و اساس مذاکرات بعدی را در شرایط بهتری آغاز می‌کنند.

● مهندسان پروژه گفتگو با دولت ترامپ حتی خود را برای نشستی در سطح مقامات عالی‌رتبه آمریکا و جمهوری اسلامی به میزبانی ترکیه در استانبول آماده کرده بودند و بر اساس اطلاعات منابع آگاه قرار بود محمدجواد ظریف از سوی جمهوری اسلامی ایران و براین هوک از طرف آمریکایی‌ها مذاکرات را شروع کنند، اما یک موضع ناگهانی در تهران این پروژه را تعلیق و جلسه مقرر در استانبول را لغو کرد.

● مصطفی فحص - وقتی محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳ ژوئن گفت: «علی‌رغم همه اشتباهاتی که ترامپ در سیاست‌های کلان خود داشته اما معتقد شانس او برای موفقیت مجدد در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بالای ۵۰ درصد است»، در واقع شوک بزرگی بر جناح‌های تندرو رژیم در تهران که روی شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرط‌بندی می‌کردند، وارد آمد.

ظریف بر ضرورت نیاز دولت ترامپ به توافقی با ایران به عنوان دستاوردی مهم برای وی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری که می‌تواند به پیروزی حتمی او در انتخابات منجر شود، تأکید کرد. اظهارات ظریف نتیجه ترشحات ذهنی یا برخاسته از نگاه سیاسی خاص او نیست بلکه چنین اظهاراتی با دیدگاه کلی رژیم تهران منطبق است. ظریف علاوه بر این یک سیگنال دیگر نیز به ترامپ داد و گفت: «قای ترامپ دیگر حرف‌ها و دروغ‌هایی را که به او درباره پایان کار جمهوری اسلامی می‌گفتند باور نمی‌کند اما به هرحال او به عنوان رئیس جمهوری آمریکا سیاست‌های اشتباهی را دنبال کرده و نمی‌داند چگونه باید از این اشتباهات بازگردد.»

این موضع‌گیری ظریف نتیجه بحث و گفتگوهای عمیق سران رژیم جمهوری اسلامی پشت‌درهای بسته‌ی تصمیم‌گیری در تهران است. مقامات تهران به این نتیجه رسیده بودند که امکان بهره‌گیری جمهوری اسلامی از نیاز ضروری تیم ترامپ به دستاوردی جدید که بتواند بر رأی‌دهندگان آمریکایی تأثیر بگذارد و نقاط مثبت ترامپ را برای پیروزی در انتخابات افزایش دهد، وجود دارد.

مقامات تهران بر این باور بودند که می‌توانند به توافقی با ترامپ برسند و با این ابتکار به ترامپ کمک کرده باشند تا او در انتخابات پیروز شود و در عوض واشنگتن برای ارائه برخی مشوق‌های اقتصادی به تهران کمک کند تا رژیم جمهوری اسلامی بتواند بار سنگین مشکلات داخلی را کاهش داده و دردهای اجتماعی انباشته را تسکین دهد. در صورت توافق جمهوری اسلامی و آمریکا، کمک‌های ایالات متحده به مثابه تزریق دارویی خواهد بود که عمر رژیم را تا پس از انتخابات آمریکا در نوامبر ۲۰۲۰ تضمین کند. مقامات جمهوری اسلامی معتقدند اگر اکنون با ترامپ در پیچه مذاکره را باز

کنشاند. اکنون کار به آنجا رسیده که برخی رسانه‌های داخلی که مرتب دم از بستن تنگه هرمز و اقتدار بی‌چون می‌زدند دست و پایشان را جمع کرده و فقط «دور زدن تنگه هرمز» را مطرح می‌کنند!

در این میان، جمهوری اسلامی بر این باور است که می‌تواند با بارگیری نفتکش‌ها در دریای عمان رصد آنها را سخت کند و تحریم‌ها را دور بزند. میلیون‌ها دلار هزینه برای احداث ۱۱۰۰ کیلومتر خط لوله با هدف دور زدن تنگه هرمز و تحمیل خسارت به کشور نتیجه سیاست‌های ضدملی و ستیزه‌جویانه‌ی رژیم ایران است.

● فشار برای سرعت بخشیدن به اتمام پروژه فریدون همتی استاندار هرمزگان می‌گوید هزینه اتمام خط لوله انتقال نفت خام گوره به جاسک ۵/۱ میلیارد یورو است. بیژن زنگنه وزیر نفت جمهوری اسلامی نیز گفته برای احداث این خط لوله ۳۰۰ میلیون دلار هزینه شده و برای تکمیل آن به حدود ۸۰۰ میلیون دلار اعتبار نیاز است.

● توجیه به مشکلات اقتصادی که گریبان دولت را گرفته بعید است از عهده تامین پول برای تکمیل این پروژه عظیم برآید اما در ماه‌های اخیر به زنگنه فشار می‌آورند که به سرعت آن را تکمیل کند!

توجیه دهقانی مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت (متن) «pedec» که از پیمانکاران اصلی پروژه احداث خط لوله «گوره- جاسک» است می‌گوید حتی با وجود شرایط کرونا عملیات احداث متوقف نشده و کار بطور شبانه‌روزی ادامه داشته است. حتی با اینکه بحران کرونا باعث شده تا در استان‌های جنوبی وضعیت قرمز اعلام شود اما پروژه احداث این خط لوله متوقف نشده که همین نیز بیانگر اهمیت فوق‌العاده آن است.

روحانی در دو سال اخیر بارها ادعا کرد اگر نفت ایران صادر نشد نفت دیگران هم صادر نخواهد شد. اما اگر رژیم ایران در خلیج فارس مانع از صادرات نفت توسط دیگر کشورهای منطقه شود و کشتیرانی آزاد را مختل کند خودش را بیش از همه به دردمس انداخته است. صحبت‌های اخیر روحانی در مورد لزوم احداث خط لوله «گوره- جاسک» بطور تلویحی اعتراف به همین موضوع است. اما آنچه را روحانی نگفت، کیهان تهران در گزارش به صراحت اعلام کرد: «با احداث خط لوله انتقال نفت به بندر جاسک، ایران می‌تواند تنگه هرمز را ببندد»

موضع قبلی مسئولان پرادای حکومتی «فول‌نمایی» بود. به این شکل که تا فشارهای بین‌المللی زیاد می‌شد، آنها یا سراغ تهدیدات موشکی می‌رفتند یا تهدید به بستن تنگه هرمز می‌کردند. اما در عمل جمهوری اسلامی خرابکاری‌های مستقیم و نیابتی را انتخاب کرد. برای نمونه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش در مسیر کشتی‌های تجاری و تانکرها مین‌ریزی کردند و یا از طریق حوثی‌ها به موشک‌پرانی پرداختند. همچنین گروه‌انگیزی کشتی‌ها و اخاذی بین‌المللی برای آزاد کردن آنها نیز مکمل اقدامات ایذایی رژیم تهران بود. اینهمه اما با تشکیل دو ائتلاف دریایی یکی به رهبری آمریکا و انگلیس و دیگری ائتلاف اروپایی به رهبری فرانسه، و حضور سنگین نظامی آنها در آبراه‌های جنوبی از خلیج فارس و دریای عمان تا دریای عرب و دریای سرخ راهبردهای مخرب جمهوری اسلامی ایران را به بن‌بست ایجاد پایانه جایگزین است.

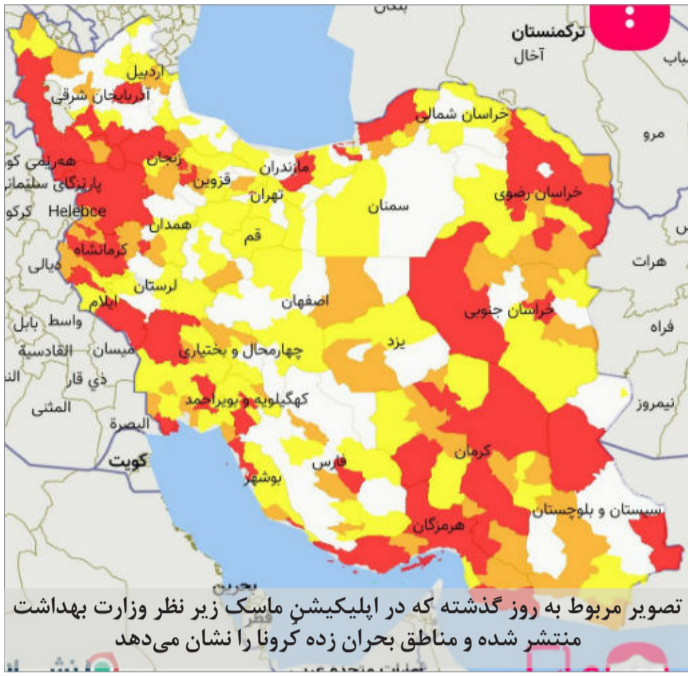
۱۳ تیرماه: ۲۵۶۶ مبتلای جدید و ۱۵۴ جانباخته؛ ابتلای خانوادگی به کرونا در ایران

شیوع کرونا بیمارستان‌ها شلوغ شدند و با کمک بیمارستان‌های معین بیماران را بستری کردند، بعد از کنترل بیماری بیمارستان‌ها به حالت عادی بازگشتند، اما اکنون مجدداً می‌بینیم که بیمارستان‌ها شلوغ شده و بخش‌ها پر شده است. اگر مردم رعایت کنند، از ماسک استفاده کنند، بیماری مجدداً کنترل می‌شود.

وضعیت در شهر مشهد بحرانی گزارش شده است. منابع غیررسمی از انتقال بیماران مبتلا به کرونا به بیمارستان‌های این شهرستان با اتوبوس خبر می‌دهد. برخی بیمارستان‌های مشهد از جمله بیمارستان «امام رضا» دوباره از بیماران عادی تخلیه شده و بیماران مبتلا به کرونا را بستری کرده‌اند. محمد حسین بحرینی سخنگوی رضوی دپرو از تعطیلی یک هفته‌ای و بازگشت محدودیت‌های اجتماعی در شهر مشهد خبر داد که بر اساس آن «تمام دانشگاه‌ها، مدارس، حوزه‌های علمیه، آموزشگاه‌های زبان و کتابخانه‌ها در حوزه آموزش، مهدهای کودک، استخرها، سینما و مراکز هنری و فرهنگی، موزه‌ها، تالارهای پذیرایی، سالن‌های زیبایی بانوان در حوزه اصناف، کاهش زمان فعالیت‌های مترو و اتوبوسرانی، مساجد و تکایا و آزمون‌های ضروری در تمامی رشته‌های تحصیلی تعطیل خواهند بود.»

همچنین، «فعالیت‌های آسیب‌زا، برگزاری هرگونه مراسم و همایش اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تعطیل می‌شود.»

برخی کاربران فضای مجازی ویدئویی از درگیری و اعتراض پرستاران در مشهد منتشر کرده‌اند که در نظر می‌رسد با دخالت نیروی انتظامی معترضان متفرق شده‌اند. سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر حاوی توییت‌هایی از ابتلای خود کاربران ساکن ایران به این ویروس است. کاربران بخش عمده مشکلات را به دلیل بازگشایی بدون برنامه‌ی مراکز کسب و کار از سوی دولت و همچنین عدم رعایت فاصله‌گذاری توسط مردم می‌دانند.



مرکز درباره وضعیت بیمارستان‌های تهران و احتمال کاهش «تاب‌آوری» مراکز درمانی با توجه به افزایش موارد بستری مبتلا به کرونا، اظهار کرد: «باید وضعیت قرمز هستند و ۷ استان تهران، فارس، البرز، مازندران، همدان، زنجان و سیستان و بلوچستان در وضعیت هشدار قرار دارند.»

لاری اظهار کرد: «تا کنون یک میلیون و ۷۴۴ هزار و ۹۵۸ نمونه تست آزمایشگاهی در کشور در زمینه کرونا دریافت شده است.»

وضعیت شیوع کرونا در کشور، استان‌های مختلف را در شرایط بحرانی قرار داده است. مینو محرز متخصص بیماری‌های عفونی از مردم خواسته تا فقط در موارد ضروری از خانه خارج شوند و حتماً ماسک بزنند.

وی از ابتلای خانوادگی افراد به کرونا در ایران خبر داده است: «شرایط ابتلا به گونه‌ای است که خانواده‌ها درگیر می‌شوند زیرا خانواده‌ها رفت و آمدها را آغاز کرده و ماسک هم نمی‌زنند. در ایام عید مردم رعایت می‌کردند و در خانه ماندند، اما اکنون فکر کردند که کرونا تمام شده و رفت و آمد و دید و بازدیدها را آغاز کرده‌اند و همه با هم مبتلا می‌شوند.»

بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت بهداشت، در حال حاضر ۷ استان کردستان، خوزستان، کرمانشاه، ایلام، هرمزگان، بوشهر و خراسان رضوی در وضعیت قرمز هستند و ۷ استان تهران، فارس، البرز، مازندران، همدان، زنجان و سیستان و بلوچستان در وضعیت هشدار قرار دارند.

سیمالاری سخنگوی وزارت بهداشت امروز، جمعه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹، درباره آمار جدید ابتلا به ویروس کرونا در شبانه‌روز گذشته گفته است: «بر اساس جدیدترین نتایج آزمایش‌های کرونا در کشور دو هزار و ۵۶۶ مبتلای جدید شناسایی شده که با احتساب این تعداد مجموع مبتلایان به کرونا در کشور تا امروز به ۲۳۵ هزار و ۴۲۹ نفر رسیده است.»

در این بین، ۱۵۴ نفر در ۲۴ ساعت اخیر جان خود را از دست داده‌اند و شمار کل جانباختگان بر اثر این ویروس مرگبار در ایران به ۱۱ هزار و ۲۶۰ نفر افزایش یافته است.

به گفته‌ی سخنگوی وزارت بهداشت، از ۲۵۶۶ بیمار تازه شناسایی شده، ۱۴۸۳ نفر راهی بیمارستان شده‌اند و ۳۱۲۳ بیمارانی قبلی مبتلا به کرونا در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند.

● **بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت بهداشت، در حال حاضر ۷ استان کردستان، خوزستان، کرمانشاه، ایلام، هرمزگان، بوشهر و خراسان رضوی در وضعیت قرمز هستند و ۷ استان تهران، فارس، البرز، مازندران، همدان، زنجان و سیستان و بلوچستان در وضعیت هشدار قرار دارند.**

● **برخی بیمارستان‌های مشهد از جمله بیمارستان عادی تخلیه و به بیماران مبتلا به کرونا اختصاص داده شده‌اند.**

امروز ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹ اعلام شد که ۲۵۶۶ نفر مبتلای جدید به کرونا شناسایی شده و ۱۵۴ نفر مبتلا نیز جان خود را از دست داده‌اند. روند رو به گسترش ابتلا و مرگ و میر در ایران چنان گسترده و با سرعت پیش می‌رود که مناطق قرمز و هشدار اکنون به ۱۴ استان افزایش یافته و بیمارستان‌ها توان مدیریت و رسیدگی به بیماران را ندارند و دوباره کشور به اوج ابتلا به کرونا بازگشته است.

سیمالاری سخنگوی وزارت بهداشت امروز، جمعه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹، درباره آمار جدید ابتلا به ویروس کرونا در شبانه‌روز گذشته گفته است: «بر اساس جدیدترین نتایج آزمایش‌های کرونا در کشور دو هزار و ۵۶۶ مبتلای جدید شناسایی شده که با احتساب این تعداد مجموع مبتلایان به کرونا در کشور تا امروز به ۲۳۵ هزار و ۴۲۹ نفر رسیده است.»

در این بین، ۱۵۴ نفر در ۲۴ ساعت اخیر جان خود را از دست داده‌اند و شمار کل جانباختگان بر اثر این ویروس مرگبار در ایران به ۱۱ هزار و ۲۶۰ نفر افزایش یافته است.

به گفته‌ی سخنگوی وزارت بهداشت، از ۲۵۶۶ بیمار تازه شناسایی شده، ۱۴۸۳ نفر راهی بیمارستان شده‌اند و ۳۱۲۳ بیمارانی قبلی مبتلا به کرونا در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۷۶) (کیهان لندن شماره ۱۳۵۷) احمد احرار

«بهار» در تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران می‌نویسد: «او به بومهن رفته بود، راست است. اما در وزارت جنگ دستیاران او مشغول بودند و تلگرافات رمز به تمام سرلشکرها و امرای مقتدر ولایات مخابره شده بود. در مرکز هم چه مستقیم و چه غیر مستقیم، مجلس تهدید می‌شد. چنانکه همان روز کناره‌گیری ایشان، آقای جان‌محمدخان که رئیس فوج عشرت‌آباد بود، با توپ و تیپ خود، مکمل از دروازه شمیران راه افتاد، از جلو مجلس رژه رفته، مانوری داد که تا آن روز سابقه نداشت. مهمتر از این تلگرافی بود که از همدان به‌امضای امیرلشکر غرب، احمد (سپهبد حالی) بدون رعایت قواعد اداری به مجلس رسید و کپی به جراید که با نهایت دقت و استادی، مجلس و مجلسیان را به آمدن قشون لرستان و غرب برای سرکوبی و کلا و مخالفین سردار سپه و گرفتن مرکز تهدید کرده بود. همچنین آقای امیرلشکر شرق تلگرافی به همین مضمون کرده و گفته بود که پیشقراول قشون شرق تا فراش‌آباد آمده، عما قریب به مرکز حمله خواهند کرد.»

جراید اکثریت هم از طرفی مخالفان را به باد انتقاد گرفته آنان را به اجنبی‌پرستی متهم می‌کردند و از طرف دیگر، مجلس و مجلسیان را از قشون و به‌اصطلاح خودشان «چهل هزار سرنیزه» می‌ترساندند.

دشتی در شفق سرخ مقاله‌ای نوشت که عنوانش این بود: پدر وطن رفت! و در آن مقاله، شرحی از صفات و ملکات سردار سپه نگاشته، سپس چنین می‌گفت: «رفتن سردار سپه تسلط اجنبی، اختلاف کلمه، ظهور یاغیان، شکستن اعتبارات دولت ایران، اغتشاشات داخلی و محو نقشه اصلاحات با هم مترادف است... چه باید کرد؟ امروز سردار سپه مرکز عظمت و اقتدار و استقلال و امنیت ایران شده است. اگر رفت همه‌ی اینها می‌رود. سربازان وطن و صاحب‌منصبان رشید ایران که رئیس بزرگ خود را دوست می‌دارند نگذارند سردار سپه مستعفی شده و از کار کناره‌جویی نماید.»

روزنامه «ایران» نیز همین پی آمدها را در صورت خارج شدن سردار سپه از صحنه سیاست، در شماره چهارشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۰۳ پیش‌بینی و نسبت بدان اعلام خطر می‌کند: «حوادث مهم غالباً با مقدمات خیلی عادی و بی‌اهمیت شروع می‌شود بطوری که هیچکس احساس نمی‌کند که عواقب آن چه اندازه وخیم و نتیجه چقدر قابل توجه است... دست اجنبی، سیاست اجنبی، پول و تبلیغات اجنبی در نهایت شدت در جامعه جریان دارد و یک عده بی‌خبر از این اوضاع هم به خیال این که فتح سیاسی بکنند، رشته مخالفت خود را تعقیب دارند. همینطور می‌روند تا ناگهان بمب اختلال در مملکت بترکد و پارچه‌های سوزان آن به جان مردم و مملکت بیفتد. چهل هزار قشون سرنیزه‌ای که با سرپرستی شخص سردار سپه، ایران را به نعمت امنیت و آسایش رسانیده بود پس از کناره‌گیری او معلوم نیست چه صورتی پیدا خواهد کرد. نه آن وکیل مخالف قادر خواهد بود که از آنها و از سیل سیاست اجنبی که در جامعه ما سرازیر شده جلوگیری نماید و نه این رئیس‌الوزراهای محتاط می‌توانند وضعیت را به‌حال سابق نگهدارند. شما اعتنا به این تبلیغات خائنه‌ی اجنبی نکنید. اینها نمی‌خواهند ایران دارای وضعیت آرامی بشود. اگر اینها امروز به شما آقایان مخالفین سردار سپه روی موافق نشان می‌دهند و اظهار حرارت و دل‌سوزی می‌کنند برای این است که به مقصود خودشان که ضعف و بدبختی ایران است نائل آیند.»

حرکت نظامیان و مقالات مندرج در مطبوعات طرفدار سردار سپه، البته در تغییر تصمیم و بازگشت وی بی‌اثر نبود اما مؤثرترین عامل، پادرمیانی رجال معتبر و متنفذ سیاسی و اقدام مصلحت‌بینانه آنها در جلوگیری از بحران بود.

سلیمان بهبودی در یادداشتهای روزانه خود می‌نویسد: «در این ایام روز به‌روز دامنه تحریکات افراد و دستجات مختلف بالا می‌گرفت و هرروز دسته و عده‌ای به‌نام و به‌بیانه‌های مختلف جنجال به‌راه می‌انداختند و اکثر آنها هم از طرف دربار حمایت می‌شدند. بالاخره در نتیجه این اغتشاشات و با اشکالاتی که شاه در اروپا و ولیعهد در تهران به کمک وکلای اقلیت فراهم آوردند، حضرت اشرف مجبور به استعفا شدند و بلافاصله شاه آقای مستوفی‌الممالک را به رئیس‌الوزاری و انتخاب و تلگرافی به مجلس اطلاع داد. ولی سر و صدای مردم از تهران و ولایات بلند شد. تلگراف‌های بی‌شمار به مجلس و حضرت اشرف مخابره کردند و احزاب و دستجات بیش از همه اظهار ناراحتی کردند. عده‌ای از نمایندگان مجلس به منزل آمد و مانع از حرکت حضرت اشرف شدند. فرماندهان قشون تهدید به کودتا و عدم اطاعت از مرکز کردند و اوضاع مملکت بکلی متشنج شد.»

حضرت اشرف به طور قطع تصمیم گرفته بودند از ایران خارج شوند. ابتدا به عتبات بروند و بعداً محل سکونت دائمی برای خود انتخاب فرمایند. حتی دستور فرمودند شیخ مهدی نجم‌آبادی که همیشه کارهای رسمی و شرعی حضرت اشرف را انجام می‌داد حاضر شده و کالتنامه‌ی بنام سرهنگ کریم بوذرجمهری نوشت و حضرت اشرف امضا فرمودند و برطبق آن در غیاب حضرت اشرف همه‌ی اختیارات زندگی ایشان با کریم‌آقا بود. بار و جامه‌دانا هم بسته و آماده شد. اما همچنان عده‌ی زیادی از وکلا سر راه حضرت اشرف را گرفته بودند.

در این گیر و دار، معاضدالسلطنه پیرنیا آمد و آهسته طلبی به حضرت اشرف عرض کرد و به‌اتفاق از میان مردم و وکلا خارج شدند و در محل خلوتی در باغ به گفتگو مشغول شدند. معاضدالسلطنه بعداً مرخص شده پس از ساعتی مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک و مستوفی‌الممالک به‌اتفاق معاضدالسلطنه پیرنیا به جمع وکلا و مردم آمدند و جدا مانع حرکت و خروج حضرت اشرف از مملکت شدند. در آن لحظه معلوم نشد چه مذاکراتی بین حضرات انجام یافت که حضرت اشرف تأمل فرمودند. اما بعداً معلوم شد مذاکرات بدین منظور بوده است که در مجلس تکلیف تعیین شود. حضرت اشرف قبول فرمودند که به رودهن بروند. مستخدمین فوراً به رودهن رفتند تا وسایل تشریف‌فرمایی را فراهم سازند.

فشار مردم هر لحظه بیشتر می‌شد و به جایی رسید که وکلا مجبور شدند با رأی مجلس تکلیف مملکت و دولت را روشن کنند. مجلس تشکیل شد و رأی اعتماد به دولت حضرت اشرف داد. مردم در خارج و داخل مجلس ازدحام کرده بودند. اقلیت جز سکوت چاره دیگر نداشت. دربار هم از این پیشامد بی‌اندازه ناراحت شد، خاصه این که شاه از مقر خود رئیس‌الوزاری جدیدی انتخاب کرده بود. بالاخره عده‌ای از وکلا، از جمله مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک به رودهن رفتند و حضرت اشرف را مراجعت دادند و به منزل برگرداندند.»

روایت بهبودی معارض گفته‌ی کسانی است که استعفاى سردار سپه را از ابتدا یک بازی سیاسی دانسته‌اند. حقیقت نیز همین است. سردار سپه در آن زمان سودای سلطنت نداشت و خواب آن را هم نمی‌دید. حد اکثر آرزویش رسیدن به مقام ریاست جمهوری بود که آن هم به‌باد رفت و چون خود را در این ماجرا شکست‌خورده می‌یافت و از طرفی، کارشکنی اقلیت مجلس و تحریکات دربار خشمش را برمی‌انگیخت، بی آن که بتواند به جنگ آنها برود، دل‌افسوده و سرخورده، به‌راستی تصمیم داشت عطاى قدرت را به لقای بیخشد و کنار بکشد. اما سرنوشت او و مملکت در لوح تقدیر به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده بود.

ادعاهای متناقض مسئولان در مورد آتش‌سوزی در مراکز اتمی؛ مردم «هفت استان هسته‌ای» در ایران نگران انتشار مواد رادیواکتیو!

تاسیسات نظنز آگاه است. از آنس تاکید کرده با مقامات نظارتی ایران در تماس است و این آژانس می‌تواند همچنان به فعالیت‌های خود جهت راستی‌آزمایی در تاسیسات نظنز ادامه دهد.

بر اساس تصویری که از این حادثه منتشر شده و منابع خارجی نیز آن را بازنشر کرده‌اند دیده می‌شود که خسارات قابل توجهی به تاسیساتی در مرکز مونتاژ سانتریفیوژ ایران وارد آمده است. در این تصویر که بعضی از نقاط آن سیاه دیده می‌شود، اگر واقعاً مربوط به آتش‌سوزی و انفجار مربوطه باشد، اینطور به نظر می‌رسد که انفجار از داخل ساختمان بوده است.

بر اساس اطلاعات ماهواره اداره ملی ایقانونی و جوی ایالات متحده، آتش‌سوزی حدود ساعت ۲ بامداد پنجشنبه ۱۲ تیر به وقت محلی در گوشه شمال غربی مجموعه نظنز رخ داده است.

شماری از منابع خبری از وقوع دو آتش‌سوزی خبر می‌دهند. در پی این حادثه بار دیگر احتمال خرابکاری یا حمله سایبری به ویژه از سوی اسرائیل مطرح شده است.

آنچه علاوه بر ادامه‌دار شدن آتش‌سوزی یا انفجار در تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی نگران‌کننده است پیامدهای فحیح آن علیه انسان و محیط زیست است. مردم شرق تهران و همچنین اهالی نظنز و بطور کلی ساکنان «هفت استان هسته‌ای» که رئیس سازمان پدافند غیرعامل به آنها اشاره کرده، اکنون نگران سلامت خود به دلیل احتمال نشت مواد یا گازهای آلوده به رادیواکتیو هستند.

ضدانقلاب» و یا دخالت «دشمن»! چرا که آنچه او گفت بجای پاسخگویی به افکار عمومی در مورد نگرانی‌ها از انفجارهای زنجیره‌ای مشکوک در نیروگاه‌ها و مراکز هسته‌ای ایران بیشتر بر ابهامات افزود.

بهرز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی پس از آتش‌سوزی در تاسیسات نظنز ادعا کرد این سایت غیرفعال است و آتش‌سوزی در یک سوله بوده که جای نگرانی نیست؛ اما در آبان ۱۳۹۸ علی صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی رسماً اعلام کرده بود برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم ۱۵ سانتریفیوژ نسل جدید در این تاسیسات نصب شده است.

صالحی در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی تاکید کرده بود، گازدهی به ماشین‌های میانی IR6 در سایت هسته‌ای نظنز و نصب این تعداد سانتریفیوژ طی ۲ ماه کار بسیار بزرگی است.

در این میان، یک مقام آگاه در وزارت خارجه آمریکا گفته این وزارتخانه در حال رصد گزارش‌های مربوط به وقوع آتش‌سوزی در یکی از تاسیسات هسته‌ای نظنز است.

در بخشی از بیانیه وزارت خارجه آمریکا که در واکنش به این حادثه منتشر شد آمده است: «این حادثه یک یادآوری دیگر است از اینکه چطور رژیم ایران کماکان به اولویت بخشیدن به برنامه هسته‌ای منحرف شده خودش، بجای رفع نیازهای مردم ایران، ادامه می‌دهد.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در توییتی اعلام کرد از حادثه در

به انفجار پارچین و آنچه در نظنز گذشت به تشریح مأموریت‌های این سازمان در ایمنی هسته‌ای و مقابله با حملات سایبری پرداخت.

غلامرضا جلالی گفت برای کنترل پیامدهای هسته‌ای و پرتوی قرارگاه پدافند هسته‌ای ایجاد کردیم و همه تمرکز بر روی نشت صنعتی یا حوادث جلالی به اقدامات سازمان پدافند غیرعامل اشاره کرد و توضیح داد «ساختار قرارگاه پدافند هسته‌ای را با مسئولیت استانداران ۷ استان هسته‌ای سازماندهی کردیم و فرمانده سپاه استان را به عنوان جانشین قرار دادیم و طرح پدافند هسته‌ای را برای همه این استان‌ها تهیه و مانورهای آزمایشی را در این استان‌ها از جمله استان مرکزی، تهران، بوشهر، قم و اصفهان برگزار کردیم.»

این مقام امنیتی با اشاره به چندین مورد آتش‌سوزی در مجتمع‌های پتروشیمی گفت «گزینه نخست این بود که ممکن است این آتش‌سوزی‌ها ناشی از حملات سایبری باشد، اما با بررسی‌های انجام شده، تقریباً همه این آتش‌سوزی‌ها ناشی از رعایت نکردن مسائل ایمنی بود.»

جلالی در ادامه تاکید کرد «بخش عمده‌ای از این حوادث نتیجه رعایت نکردن مسائل ایمنی است، اما بخشی هم ممکن است ناشی از حرکات عناصر ضدانقلاب و عناصر مرتبط با آن باشد و شاید هم دشمن دخالت داشته باشد!»

به این ترتیب سرانجام معلوم نشد که این آتش‌سوزی‌ها بر اثر عدم رعایت مسائل ایمنی بوده و یا «حرکات

● **جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل: برای کنترل پیامدهای هسته‌ای و پرتوی قرارگاه پدافند هسته‌ای ایجاد کردیم و همه تمرکز بر روی نشت صنعتی یا حوادث امنیتی منجر به نشت معطوف است.**

● **وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای به آتش‌سوزی در تاسیسات نظنز واکنش نشان داد و نوشت «این حادثه یک یادآوری دیگر است از اینکه چطور رژیم ایران کماکان به اولویت بخشیدن به برنامه هسته‌ای منحرف شده خودش، بجای رفع نیازهای مردم ایران، ادامه می‌دهد.»**

● **مردم شرق تهران و همچنین اهالی نظنز و بطور کلی ساکنان «هفت استان هسته‌ای» که رئیس سازمان پدافند غیرعامل به آنها اشاره کرده، اکنون نگران سلامت خود به دلیل احتمال نشت مواد یا گازهای آلوده به رادیواکتیو هستند.**

به دنبال آتش‌سوزی مشکوک در سایت اتمی نظنز، سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل پنجشنبه شب ۱۲ تیرماه در برنامه گفتگوی ویژه خبری بدون هیچ اشاره‌ای



تظاهرات مردم در تهران علیه جنایت سپاه در شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی و دروغگویی فرماندهان نظامی و مقام‌های دولتی

اظهارات ضد و نقیض دادستان نظامی تهران درباره شلیک موشکی به هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اشتباه فاحش موجب می‌شود که سمت اهداف شناسایی شده توسط سامانه با اختلافی حدود ۱۰۵ درجه توسط اپراتور مشاهده شود و این خطا، مبنای یک سلسله اشتباهات دیگر قرار می‌گیرد و در نتیجه سامانه پدافندی دچار اشتباه می‌شود.

او همچنین توضیح داد «کاربر سامانه پدافندی، مشخصات هدف شناسایی شده را به مرکز هماهنگی مربوط اعلام می‌کند، ولی پاسخی دریافت نمی‌کند و اطلاعات ثبت شده نشان می‌دهد که پیام سامانه دفاعی با مرکز هماهنگی مبادله نشده و قبل از مبادله پیام و دریافت پاسخ، متأسفانه کاربر اقدام به شلیک کرده در حالی که این قطع ارتباط تنها در حد چند ثانیه بود»

درواقع غلامعباس تُرکی دادستان نظامی تهران، شش ماه بعد از این فاجعه به «خطای سیستم» و «خطای رادار» اشاره می‌کند.

تناقض‌گویی در مورد اختیارات اپراتور برای شلیک

ترکی همچنین می‌گوید اپراتور «آتش به اختیار نبوده و بنابراین صرفاً باید با اخذ مجوز از شبکه پدافندی، شلیک صورت می‌گرفت که این کار را انجام نداد». اما امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک مصاحبه گفته است که پدافند مجوز داشت به صورت آتش به اختیار عمل کند!

دادستان نظامی تهران همچنین با اشاره به اینکه «هواپیما بر اثر برخورد با زمین منفجر شده» درباره شلیک موشک‌ها با اعتراف به شلیک دو موشک مدعی شد: «دو موشک توسط سامانه پدافندی شلیک شده و بررسی کارشناسان حاکیست یکی از این موشک‌ها تأثیری بر روی هواپیما نداشته و موشک دیگر در نزدیکی هواپیما منفجر شده است... ۲۶ ثانیه فاصله شلیک‌های اول و دوم بوده، ولی متأسفانه در این فاصله زمانی هم، کاربر برای شلیک دوم از شبکه کسب مجوز نمی‌کند... اعتقاد کارشناسان این است که اگر کاربر سامانه احتیاط لازم را انجام می‌داد و از تجربیاتش استفاده می‌کرد، این سانحه قابل پیشگیری بود».

به این ترتیب، بر اساس اظهارات دادستان نظامی تهران، موشک دوم زمانی پرتاب شده که موشک اول اثر نکرده بود. این سخنان یعنی اینکه اگر موشک دوم شلیک نمی‌شد احتمال زنده ماندن مسافران و خدمه بسیار زیاد بود و حتی ممکن بود خلبان یا کمک بتوانند پس از شلیک اول که به هواپیما اصابت نکرده بود، هواپیما را به فرودگاه بازگردانند.

حالا محتوای جعبه سیاه که قرار شده در کشور فرانسه مورد بررسی و بازخوانی قرار گیرد، اگر در طول این مدت توسط جمهوری اسلامی محدودش نشده باشد، روشن خواهد کرد که در آن لحظات سخت و نفسگیر خلبان چه مکالماتی با برج مراقبت داشته است.

باید با اجازه و پس از شناسایی توسط شبکه پدافندی از باند فرودگاه پرواز می‌کردند و در همه پروازهایی که تا زمان وقوع سانحه و بعد از انجام شده این رویه برقرار بوده است».

فقط «احتمال» حمله وجود داشت و به همین دلیل حرم هوایی «کامل» بسته نشد

دادستان نظامی استان تهران در پاسخ به علت عدم توقف پروازها در شب و روز حادثه گفت: «مطابق دستورالعمل‌های موجود اگر حمله هوایی دشمن خارجی به کشور قطعی باشد باید فرمان توقف پروازها صادر شود که برابر شواهد و قرائن و تشخیص سلسله مراتب، احتمال حمله و تهدید فقط وجود داشته است. لذا مراجع مسئول مطابق مقررات به اتخاذ تدابیر کنترلی اکتفا نموده و آسمان بر روی پروازها بطور کامل بسته نشده است».

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که بر اساس اظهارات امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «شرایط جنگی بود» و نیروهای مسلح «در بالاترین سطح آماده‌باش» قرار داشتند. طبق اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح «در پی تهدیدهای رئیس جمهوری و فرماندهان نظامی آمریکا و افزایش بی‌سابقه تحرکات هوایی در منطقه، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در بالاترین سطح آماده‌باش قرار گرفتند».

سیستم پدافند دوربین دید در شب نداشت!

غلامعباس تُرکی در بخش دیگری تأیید می‌کند، برج مراقبت پرواز پیش از برخاستن این هواپیما از باند فرودگاه طبق روال رایج از «شبکه پدافندی» (مرکز کنترل فضای کشور) تماس می‌گیرد و درخواست صدور مجوز می‌کند و این مرکز یک دقیقه بعد مجوز را صادر می‌کند و هواپیما در ارتفاع ۶۰۰ متری هدف موشک پدافند قرار می‌گیرد. او بعد در تشریح علت شلیک می‌گوید «سامانه پدافندی به صورت فابریک فاقد دوربین دید در شب و سامانه تشخیص دوست از دشمن است»!

در مورد این ادعا باید گفت که خود ترکی نیز توضیح داده که هواپیما مجوز پرواز گرفته بود و پدافند از برخاستن آن خبر داشت! در عین حال برای تشخیص یک هواپیمای بزرگ با ابعاد بوئینگ ۷۳۷ آنهم در ارتفاع ۶۰۰ متری در محدوده فرودگاه، دوربین دید در شب لازم نیست! چنین هواپیمایی با چشم غیرمسلح قابل رؤیت است! مهمتر آنکه سیستم‌های پدافندی از جمله تور-ام یک که با آن به هواپیما شلیک شد اصولاً دوربین دید در شب ندارند! در این سیستم، تشخیص اجسام پرنده با رصد مانیتورهای رادار صورت می‌گیرد! گرچه مقامات ارشد نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی اصرار دارند که این فاجعه‌ی دلخراش ناشی از «خطای انسانی» بوده و دادستان نظامی تهران نیز اعلام کرد که دادسرای نظامی به یکسری از خطاها رسیده است که یکی از تأثیرگذارترین آنها مربوط به «سامانه سیاری بوده که موشک را شلیک کرده است»،

حالا غلامعباس تُرکی توضیح می‌دهد «این سیستم پس از راه‌اندازی مجدد به دلیل شرایط میدانی، شمال واقعی را دقیق تعیین نمی‌کند و همین

● «چون فقط احتمال حمله و تهدید وجود داشته لذا مراجع مسئول مطابق مقررات به اتخاذ تدابیر کنترلی اکتفا نموده و آسمان بر روی پروازها بطور کامل بسته نشده است».

● «هواپیما در ارتفاع ۶۰۰ متری هدف موشک پدافند قرار می‌گیرند»، «سامانه پدافندی به صورت فابریک فاقد دوربین دید در شب و سامانه تشخیص دوست از دشمن است».

● «اپراتور آتش به اختیار نبوده و بنابراین صرفاً باید با اخذ مجوز از شبکه پدافندی، شلیک صورت می‌گرفت که این کار را انجام نداد».

● «دو موشک توسط سامانه پدافندی شلیک شده و بررسی کارشناسان حاکیست یکی از این موشک‌ها تأثیری بر روی هواپیما نداشته و موشک دیگر در نزدیکی هواپیما منفجر شده است... ۲۶ ثانیه فاصله شلیک‌های اول و دوم بوده، ولی متأسفانه در این فاصله زمانی هم، کاربر برای شلیک دوم از شبکه کسب مجوز نمی‌کند... اعتقاد کارشناسان این است که اگر کاربر سامانه احتیاط لازم را انجام می‌داد و از تجربیاتش استفاده می‌کرد، این سانحه قابل پیشگیری بود».

غلامعباس تُرکی دادستان نظامی استان تهران در دیدار با جمعی از خانواده‌های قربانیان سقوط هواپیمای اوکراینی که در اثر اصابت موشک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جان خود را از دست دادند، در سخنانی ضد و نقیض بر اظهارات این جنایت افروزد و برخی ادعاهای قبلی دیگر مسئولان ارشد نظام و نهادهای حکومتی را با ادعاهای تازه زیر سوال برد.

ترکی در این جلسه نسبتاً طولانی که دوشنبه ۹ تیرماه برگزار شد به تشریح سرنوشتی «پرواز ۷۵۲» تهران-کی‌یف پرداخت و «جزئیاتی» را شرح داد که مهر تأییدی شد بر نظر آندسته تحلیلگرانی که شلیک مرگبار به هواپیمای مسافربری را عمدی ارزیابی می‌کنند.

او می‌گوید: «بامداد روز سانحه، با توجه به احتمال حمله هوایی آمریکا به ایران، بخش نظامی برای تأمین امنیت پروازها به بخش غیرنظامی کنترل فضای کشور اطلاع می‌دهد که تنها پروازهایی مجاز به برخاستن از باند فرودگاه‌ها هستند که از قبل توسط شبکه پدافند شناسایی شده و مجوز پرواز آنها توسط این شبکه صادر شده باشد. بر این اساس، در زمینه رویه برخاستن هواپیمای خروجی در فرودگاه‌های تهران تغییر ایجاد می‌شود و کلیه پروازها

آنچه آیت‌الله‌های «سیاه» از «زردهای سرخ» می‌خواهند: چتر امنیتی؟!



دیدار شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری خلق چین با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران بهمن ۱۳۹۴

به یکدیگر تعهد امنیتی می‌دهند. اما در مشارکت راهبردی که چین تعریف کرده است این کشور تعهد امنیتی سنگینی بر عهده نمی‌گیرد. از همین روست که چین با ۸۰ کشور موافقت‌نامه مشارکت راهبردی دارد اما تنها به پاکستان و کره شمالی تضمین امنیتی تلویحی داده است. بنابراین آنچه اهمیت دارد آن است که «کار راهبردی» با «مشارکت راهبردی» تا چه میزان هم‌پوشانی دارند».

شریعتی‌نیا در ادامه نوشته با وجود حدود ۲۰ میلیارد سرمایه‌گذاری چین در ایران پس از توافق اتمی، با خروج آمریکا از برجام این برنامه‌ها به جایی نرسید و تجارت دو کشور نیز به شکل محسوسی کاهش یافت.

چرخه‌های انتخاباتی در ایران طومار هر اتحادی را در هم می‌پیچد

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه «ایران و چین هر دو به دلایل متفاوت بازیگران اتحادگرایی نیستند» می‌نویسد: «نظام سیاسی ایران برآمده از انقلابی ضداتحاد با قدرتهای بزرگ است، انقلابی که به طولانی‌ترین اتحاد ایران با قدرتی بزرگ پایان داد. قانون اساسی کشور نگرش مثبتی به اتحاد با قدرت‌ها ندارد و روایت مسلط از تجربه تاریخی تعامل با قدرت‌های بزرگ هم تراژیک است. شاید کمتر واژه‌ای در فرهنگ راهبردی ایرانیان بتواند یافت که چون ترکیب‌های تلخ، گزنده، نماد عظمت از دست رفته و آینه تحقیر ملی باشد. فضای سیاست داخلی در مورد تعامل با چین به شدت قطبی شده تا جایی که بنیانگذاران نگاه به شرق هم در مورد این سند هشدار می‌دهند. مهم‌تر آنکه چرخه‌های انتخاباتی در ایران بالقوه می‌تواند طومار هر اتحادی را در هم بپیچد».

شریعتی‌نیا توضیح داده «در چین هم اتحاد با دیگران بطور تاریخی، سنتی در تعاملات بین‌المللی نبوده و حتی اتحاد با شوروی هم فرجام تلخی مجازات چندین شرکت چینی سبب شد بسیاری از شرکت‌ها همکاری خود با ایران را قطع کنند. شرکت مخابراتی «هواوی» که سابقه همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات داخل ایران را دارد به اتهام فروش تجهیزات مخابراتی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا مجازات شد. اکنون در رژیم ایران این پرسش بطور جدی مطرح است که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند روی چین به عنوان تکیه‌گاهی در مقابل فروپاشی یا تغییر نظام حساب کند؟

هرچند که تحلیل و صحبت در مورد مسائل امنیتی در ایران دردسرساز است و برای تحلیلگران داخلی هزینه دارد اما برخی از رسانه‌ها کم و بیش و با احتیاط به این موضوع پرداخته‌اند.

جمهوری اسلامی و چین دور رژیم اتحادناپذیر

دکتر محسن شریعتی‌نیا تحلیلگر مسائل ایران و استاد دانشگاه «پهشتی» (دانشگاه ملی ایران) در مقاله‌ای که چهارشنبه ۱۱ تیر در روزنامه «دنیای اقتصاد» منتشر شده می‌نویسد: «چین با حدود ۸۰ کشور روابط خود را در قالب «مشارکت راهبردی» تعریف کرده است. مشارکت راهبردی به معنایی که در سیاست خارجی چین به کار می‌رود و در بیانیه مشترک و نیز احتمالاً سند آمده، با «اتحاد» تفاوت کلیدی دارد. در اتحاد، شبیه آنچه در بند ۵ پیمان ناتو آمده، طرفین

جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرد و احتمال مذاکره میان تهران و واشنگتن کمتر شد مباحثات در مورد اینکه دولت دونالد ترامپ سیاست تغییر رژیم در ایران را دنبال می‌کند بیشتر شد. مسئله‌ای که مسئولان ارشد جمهوری اسلامی به وضوح از آن ابراز نگرانی می‌کنند و حتی از مسکو به جمهوری اسلامی سیگنال می‌رسد که آمریکا به دنبال تغییر رژیم ایران است و نماینده روسیه در شورای امنیت آن را در نشست مجازی اخیر بار دیگر مطرح کرد.

شماری از تحلیلگران از جمله کریستین امانپور ژورنالیست CNN حتی شکار قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس در بغداد را دلیلی بر تصمیم ترامپ برای تغییر رژیم در ایران ارزیابی کردند.

در محافل سیاسی همچنین مطرح شده که مفاد تازه‌ای که جمهوری اسلامی به قرارداد ۲۵ ساله با چینی‌ها اضافه کرده مرتبط با مسائل امنیتی است. از بعضی مفاد منتشر شده این قرارداد می‌شود فهمید جمهوری اسلامی باج بزرگی به چین داده و امید آنکه اگر شرایط اضطراری و فشارهای داخلی و خارجی به تهدید جدی برای حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شدند، پکن به کمک آن بیاید.

تئوری «نگاه به شرق» که علی خامنه‌ای مدام بر آن تأکید می‌کند یکی دیگر از نشانه‌های دلبستگی و وابستگی جمهوری اسلامی ایران هم به روسیه و هم به ویژه به رژیم کمونیست چین است که الگو قرار گرفتن آن برای زمامداران رژیم در زمان علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی مطرح شد و همچنان طرفداران جدی در حکومت دارد.

پس از خروج آمریکا از برجام در هشتم ماه ماه ۲۰۱۸، دولت چین در دور زدن تحریم‌ها به جمهوری اسلامی کمک کرد اما به تدریج با محدودیت‌های زیادی روبرو شد. مجازات چندین شرکت چینی سبب شد بسیاری از شرکت‌ها همکاری خود با ایران را قطع کنند. شرکت مخابراتی «هواوی» که سابقه همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات داخل ایران را دارد به اتهام فروش تجهیزات مخابراتی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا مجازات شد.

پس از خروج آمریکا از برجام در هشتم ماه ماه ۲۰۱۸، دولت چین در دور زدن تحریم‌ها به جمهوری اسلامی کمک کرد اما به تدریج با محدودیت‌های زیادی روبرو شد. مجازات چندین شرکت چینی سبب شد بسیاری از شرکت‌ها همکاری خود با ایران را قطع کنند. شرکت مخابراتی «هواوی» که سابقه همکاری با جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات داخل ایران را دارد به اتهام فروش تجهیزات مخابراتی توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا مجازات شد. اکنون در رژیم ایران این پرسش بطور جدی مطرح است که آیا جمهوری اسلامی می‌تواند روی چین به عنوان تکیه‌گاهی در مقابل فروپاشی یا تغییر نظام حساب کند؟

هرچند که تحلیل و صحبت در مورد مسائل امنیتی در ایران دردسرساز است و برای تحلیلگران داخلی هزینه دارد اما برخی از رسانه‌ها کم و بیش و با احتیاط به این موضوع پرداخته‌اند.

از مسکو به جمهوری اسلامی سیگنال می‌رسد که آمریکا به دنبال تغییر رژیم ایران است.

● در محافل سیاسی مطرح شده که مفاد تازه‌ای که جمهوری اسلامی به قرارداد ۲۵ ساله با چینی‌ها اضافه کرده مرتبط با مسائل امنیتی است.

● دکتر محسن شریعتی‌نیا تحلیلگر مسائل ایران و استاد دانشگاه در مقاله‌ای در روزنامه «دنیای اقتصاد» می‌نویسد: «ایران و چین هر دو به دلایل متفاوت بازیگران اتحادگرایی نیستند».

● «نظام سیاسی ایران برآمده از انقلابی ضداتحاد با قدرتهای بزرگ است، انقلابی که به طولانی‌ترین اتحاد ایران با قدرتی بزرگ پایان داد».

● «فضای سیاست داخلی در مورد تعامل با چین به شدت قطبی شده تا جایی که بنیانگذاران نگاه به شرق هم در مورد این سند هشدار می‌دهند. مهم‌تر آنکه چرخه‌های انتخاباتی در ایران بالقوه می‌تواند طومار هر اتحادی را در هم بپیچد».

اواخر ماه اوت ۲۰۱۹ (شهریور ۱۳۹۸) با اوج گرفتن تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی محمدجواد ظریف به پکن رفت. هدف از این سفر مذاکره با وانگ یی وزیر خارجه چین در مورد الحاق مفاد و تغییرات جدید در قراردادی بود که در سال ۲۰۱۶ میان ایران و چین امضا شده بود.

تغییرات مهم جدید بر اساس «مشارکت جامع استراتژیک» از جمله در زمینه امنیتی و نظامی بود که البته علنی و اطلاع‌رسانی نشد. محتوای این قرارداد ۲۵ ساله نخستین بار در سپتامبر ۲۰۱۹ (شهریور ۱۳۹۸) در وبسایت پترولیوم اکونومیست به نقل از یک منبع ایرانی بدون ذکر نام منتشر شد. در همان دوران محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به چین سفر کرد تا با تعدادی از مقامات نظامی این کشور به گفتگو بپردازد. او در دیدار با وو جیمینگ رئیس دانشگاه عالی دفاع چین در پکن گفت، «ظرف چند سال گذشته روابط چین و ایران به سمت روابط راهبردی تغییر کرده و روز به روز به حال بهبود است».

همچنین گفته شد «رتقای دیپلماسی دفاعی» از مهم‌ترین اهداف سفر باقری به چین بوده و تفاهم‌نامه‌هایی در این مورد امضا شده است اما جزئیات آنها مشخص نیست. به نوشته پترولیوم اکونومیست طبق مفاد جدید قرارداد ایران و چین قرار شد پنج هزار نیروی امنیتی چینی برای محافظت از شرکت‌ها و پروژه‌های این کشور در ایران مستقر شوند. اما مسئله این بود که مقامات جمهوری اسلامی اساساً انعقاد چنین قراردادی را انکار می‌کردند.

هرچه شد فشارهای آمریکا علیه

عمده‌ی محدود ساختن اینترنت و قطع ارتباطات از بیش از یک دهه پیش توسط اپراتور «همراه اول» صورت می‌گیرد که وحید صدوقی نزدیک به جناح اصولگرا تا دی‌ماه ۹۶ مدیریت این اپراتور را بر عهده داشت. پس از اعتراضات گسترده و سراسری دی‌ماه ۹۶ مدیرعامل «همراه اول» تغییر کرد و به حمید فرهنگ که پیش از آن مدیرعامل «رایتل» و از افراد نزدیک به محمدجواد آذری جهرمی و از حامیان دولت روحانی است سپرده شد.

پیش از این، روند کلی قطع ارتباط بین مردم و همچنین با خارج کشور این بود که اپراتور «همراه اول» در تظاهرات و اعتراضات اقدام به قطع وسایط‌های ارتباطی موبایل در مناطق مرکز تجمع و حوالی آنها می‌کرد. ولی با این اقدام، همزمان، نیروهای سرکوب و لباس شخصی نیز برای ارتباط دچار مشکل می‌شدند.

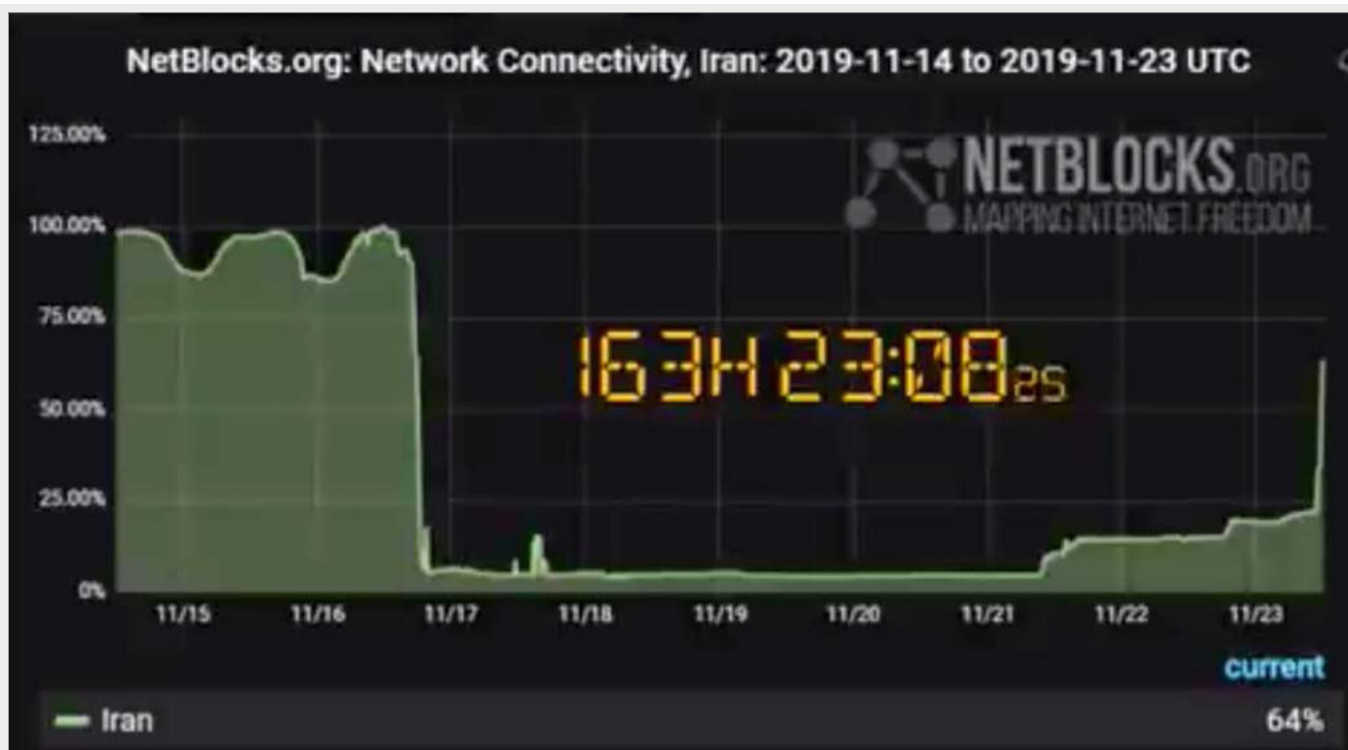
اما با ریاست حمید فرهنگ در «همراه اول»، سیاست‌های جدیدی در تمامی سطوح در این اپراتور اعمال شد که یکی از آنها تحقیق برای یافتن روش‌های جدید کنترل و محدودیت بیشتر ارتباطات به‌ویژه در دسترس دیتا بود. نتیجه‌ی این تحقیقات چنین است: از امکاناتی که در مخابرات برای بهبود کیفیت و ارائه‌ی خدمات بهتر به مشترکین وجود دارد می‌توان در جهت اجرای محدودیت‌های بیشتر استفاده کرد!

علی معین افشاری در ادامه توضیح می‌دهد «البته با وجود همه این اقدامات و امکانات، همراه اول در آبان ۹۸ در اعمال محدودیت‌ها ناکام ماند. شاید یکی از دلایل برکناری حمید فرهنگ از سمت مدیرعاملی در ۱۰ آذرماه ۱۳۹۸ توسط هیئت مدیره و انتخاب مهدی اخوان بهابادی به این سمت به دلیل همین ناکامی در اعمال محدودیت‌ها باشد.»

از «امکانات ارتباطات» برای «محدودیت ارتباطات» استفاده می‌شود!

این کارشناس مخابراتی درباره آنچه به صورت فنی برای محدودیت و قطع دسترسی کاربران به اینترنت انجام می‌شود می‌گوید: «در شبکه‌های موبایل برای اتصال مشترک به شبکه، پروسه خودکار احراز هویت صورت می‌گیرد؛ به این صورت که گوشی همراه اطلاعات سیم‌کارت را به نزدیکترین آنتن ارسال کرده و از طریق آن ایستگاه به هسته مرکزی شبکه ارسال می‌شود؛ در آنجا پس از کنترل تطبیق مشخصات سیم‌کارت و IMEI با اطلاعات ثبت شده در بانک‌های اطلاعاتی (Authentication Center & Equipment Identity Register) که در هسته شبکه (Core Network) موجود هستند به تناسب دسترسی ثبت شده برای آن سیم‌کارت و گوشی، اجازه دسترسی توسط هسته صادر و اتصال مشترک برقرار می‌شود؛ به عنوان مثال عدم دسترسی مشترکین به مکالمه تصویری در شبکه نسل سوم موبایل ایران به همین روش اعمال شده است.»

معین افشاری ادامه می‌دهد: «علاوه بر این کنترل شبکه رادیویی نسل سه (RNC) از طریق patch و «License»‌های متفاوت امکانات و ابزارهای متفاوت و بیشتری را در اختیار اپراتور قرار می‌دهد که یکی از آنها دسترسی بر اساس کدینگ سخت‌افزاری سیم‌کارت است. در RNC امکان برنامه‌ریزی چندین کد متفاوت وجود دارد و این قابلیت این امکان را ایجاد می‌کند که مشترکان یک اپراتور در یک نقطه فیزیکی مشترک بسته به کدینگ فعال دسترسی‌های متفاوتی به شبکه داشته باشند؛ این قابلیت که برای تفکیک دسترسی و اولویت مشترکین خاص توسط سازنده و طراح در نظر گرفته شده به عنوان ابزاری برای قطع ارتباط مشترکین عادی و متصل ماندن افراد خاص امنیتی در شبکه همراه استفاده می‌شود! به همین دلیل در سال‌های اخیر در اعتراضات شاهد عدم آنتن‌دهی گوشی همراه نبودیم بلکه با وجود نمایش سیگنال آنتن، امکان استفاده از سرویس را نداشتیم!



گزارش ویژه؛ گفتگو با یک کارشناس سیستم‌های مخابراتی درباره قطع

اینترنت و تلاش برای «اینترنت ملی»:

امکانات ارتباطات در خدمت

محدودیت ارتباطات!

راه‌اندازی می‌شود. ظرفیت لازم برای میزبانی موتورهای جستجو با توجه به نیازمندی موجود در اختیارشان قرار می‌گیرد.»

علی معین افشاری درباره «شبکه ملی اطلاعات» یا آنچه به عنوان «اینترنت ملی» تبلیغ می‌شود به کیهان لندن می‌گوید: «بجاد شبکه اینترنت داخلی متصل به شبکه اینترنت بین‌الملل در یک کشور آزاد می‌تواند به کاهش ترافیک بین‌الملل، بهبود سرعت دسترسی به وبگاه‌های داخلی و آزادسازی پهنای باند بیشتر برای دسترسی به اینترنت جهانی کمک کند و حتی موجب امنیت بیشتر سرورها و اطلاعات داخلی می‌شود اما نگاه و تعریف جمهوری اسلامی نسبت به این شبکه نشان می‌دهد که اهداف دیگری در پس راه‌اندازی آن است.»

به گفته این کارشناس «تعریف رژیم ایران از اینترنت ملی، شبکه کامپیوتری بسته بر اساس پروتکل اینترنت است که توسط دولت ساخته و نگهداری می‌شود و هدف اصلی آن نظارت بر ارتباطات درون کشور، قطع دسترسی به رسانه‌های بیرونی، کاهش هزینه‌ها، کاهش حملات سایبری و اینترنتی و استقلال شبکه‌ای است که در آن اطلاع‌رسانی کنترل شده باشد.»

ساز و کار «اینترنت ملی»

اما ساز و کار این شبکه چگونه است و چطور این ایده برای نظارت بر فعالیت کاربران اینترنت به ویژه در محدود ساختن آنها در ارتباط با خارج کشور از طریق راه‌اندازی این شبکه شکل گرفت؟

علی معین افشاری که چند سال در شرکت‌های زیرمجموعه و همکار با شرکت «همراه اول» در ایران شافل بوده است، می‌گوید: «این ایده در سال ۱۳۸۴ توسط وزارت ارتباطات و فناوری مطرح و در دولت نهم، در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، مراحل مطالعاتی آن طی شد و در سال ۱۳۸۹ در قانون پنجم توسعه گنجانده شد. تا پایان دولت احمدی‌نژاد به دلیل تحریم‌ها و مشکل در تهیه تجهیزات سخت‌افزاری مورد نیاز در بازار سیاه، این طرح پیشرفت قابل توجهی نداشت اما پس از برجام و در شهریور ۱۳۹۴ خاتمه‌ای در دسترسی به اعضای شورای عالی فضای مجازی، خواستار سرعت بخشیدن به راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات شد. دولت روحانی به سرعت اقدام به خرید سوئیچ‌ها و روترهای مورد نیاز این شبکه و نصب آنها کرد و در مرحله نخست مرکز

پورت‌های ارتباطی یا از طریق تفکیک دیتا و بلاک کردن دیتای خاص مانند تلگرام، دسترسی کاربران عادی را به آن را محدود کرده و سپس با فروش VPN رانت اختصاصی برای خود ایجاد می‌کنند. شما به راحتی با یک گشت کوتاه در وبسایت‌های مربوطه با استفاده از کارت بانکی قادر به خرید وی‌پی‌ان هستید؛ البته این محدودیت‌ها شامل حال همه کاربران نمی‌شود و برخی از وبسایت‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها، خبرگزاری‌ها و خبرنگاران خاص و تمامی مسئولین بدون نیاز به فیلترشکن از اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنند.»

«اینترنت ملی» برای سانسور اینترنت جهانی

برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حالی بر فیلتر شدن اینستاگرام اصرار دارند که محمد حسین فرهنگی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی یازدهم گفته مجلس قطعاً در شرایط فعلی طرحی برای فیلترینگ فضای مجازی ندارد و اصرار مجلس بر توسعه زیرساخت‌های «شبکه ملی اطلاعات» است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که اواخر اردیبهشت‌ماه ارائه شده «شبکه‌ی ملی اطلاعات در سه لایه‌ی توسعه زیرساخت و خدمات و محتوا به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسیده است و ابعاد اجرایی شدن این شبکه شامل اقدامات و برنامه‌هایی است که دولت برای هر سه لایه دارد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد تا کنون تنها یک سند در شورای عالی فضای مجازی (تبیین الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات) به تصویب رسیده که بعد از ساختار آن شامل می‌شود و متولی مسئول آن وزارت فاوا است و ابعاد دیگر آن کامل نیست.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش افزوده که هزینه توسعه‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات تا پایان سال ۱۳۹۸ رقمی معادل ۱۹ هزار میلیارد تومان بوده است. محمدجواد آذری جهرمی اما گفته که این رقم بیشتر از اینها است. صرفاً بخش خصوصی بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برای توسعه زیرساخت این شبکه هزینه کرده است.» وزیر ارتباطات همچنین گفته که «توسعه‌ی زیرساخت پدافندی یکی از مسائل مهم برای توسعه‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات است که به همین مناسبت در تیریز مرکز بزرگی افتتاح خواهیم کرد. در ضمن در مرداد مرکز داده مادر شبکه‌ی اطلاعات در تهران

در حالی که مخالفان جمهوری اسلامی به دلیل فیلتر بودن توئیتر در ایران از مدیران این شرکت آمریکایی می‌خواهند تا دسترسی مقامات جمهوری اسلامی به این شبکه را مسدود کنند، برخی هواداران دولت روحانی در توئیتر تبلیغات و حتی هشتگ‌هایی برای رفع فیلتر توئیتر در ایران به راه انداختند اما نه تنها از سوی دولت منتخبات بی‌پاسخ ماند بلکه حالا موضوع فیلتر کردن اینستاگرام نیز پر رنگ شده است. اینستاگرام مدت‌هاست بیشترین کاربران شبکه‌های اجتماعی در کشور را به خود اختصاص داده و بر اساس نظرسنجی‌ها، ایران در رتبه هشتمین کشوری قرار دارد که با حضور ۳۰ درصد از جمعیت، بیشترین کاربران را دارد. با آغاز به کار یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ایران، موضوع فیلتر کردن اینستاگرام و ساماندهی فضای مجازی از سوی برخی نمایندگان مطرح شده و محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و مخابرات از نخستین اعضای کابینه بود که برای ارائه گزارش در این مجلس حضور پیدا کرد.

محمدجواد آذری جهرمی که پس از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ برای فیلتر شدن تلگرام تلاش زیادی کرد، اکنون به نمایندگان خواهان فیلتر شدن اینستاگرام گفته که «اینستاگرام به دلیل سیاست‌های نادرست و از دسترس خارج شدن پلتفرم‌های دیگر، تبدیل به قطب شده است» و «همه چیز با دست روی دست گذاشتن و بستن شبکه‌های اجتماعی حل نمی‌شود!»

علی معین افشاری کارشناس راه‌اندازی سیستم‌های مخابراتی درباره فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی توسط جمهوری اسلامی به کیهان لندن می‌گوید: «رژیم ایران برای فیلترینگ از متدهای چند مرحله‌ای و تلفیقی استفاده می‌کند تا بیشترین میزان نظارت و محدودیت را بر دسترسی کاربران اعمال کند. این محدودیت‌ها از مبدأ ورودی اینترنت به شبکه کشور و در زیرساخت آغاز می‌شود و در آخرین مرحله در شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دیتا تکمیل می‌شوند. یکی از مسئولیت‌های سازمان تنظیم مقررات به عنوان نهاد ناظر بر عملکرد خدمات‌دهندگان دیتا و بی‌سیم نیز نظارت بر اعمال کامل این محدودیت‌های اینترنتی و اجرای درست آن است.»

این کارشناس مخابرات توضیح می‌دهد که «در مورد فیلترینگ وبسایت‌ها و اپلیکیشن‌ها تا کنون شاهد این بودیم که از طریق بستن

روشنک آسترکی - با روی کار آمدن یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، برخی نمایندگان موضوع کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت مردم در شبکه‌های اجتماعی و فیلتر شدن شبکه اجتماعی اینستاگرام را در دستور کار قرار داده‌اند. این در حالیست که توئیتر همواره در ایران فیلتر بوده و تلگرام نیز از دو سال پیش فیلتر شده است.

تلگرام یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در ایران است که تعداد کاربرانش در زمانی که فیلتر نبود، رقمی حدود ۴۵ میلیون نفر برآورد می‌شد. بیش از نیمی از مردم در حالی ۶۰ درصد از پهنای باند اینترنت کشور را برای حضور در تلگرام استفاده می‌کردند که این شبکه توانسته بود نقش مهمی در گردش اطلاعات بر عهده بگیرد. با شکل‌گیری اعتراضات دی‌ماه ۹۶، تلگرام به مدت یک هفته از دسترس خارج و پس از مدتی از ۱۰ اردیبهشت ۹۷ با دستور قضایی فیلتر شد. با اینهمه، بر اساس آمار، یکی از مرکز فضای مجازی در نوزدهم تیرماه ۱۳۹۷ اعلام کرده، همچنان ۳۰ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از طریق فیلترشکن «هاتگرام» و «تلگرام طلایی» فیلتر تلگرام را دور می‌زدند. با فیلتر کردن تلگرام فعالیت کاربران ایرانی در توئیتر افزایش یافت؛ ولی این شبکه اجتماعی نیز در ایران فیلتر است آنهم در حالی که مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی از رهبر نظام تا وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مدافعان جمهوری اسلامی از داخل ایران در آن حضور فعال دارند.

هرچند آمار مشخصی از تعداد کاربران از داخل ایران در توئیتر وجود ندارد اما مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) ابتدای سال ۹۸ برآورد کرده بود که ۰.۹ درصد از جمعیت کشور در توئیتر فعالیت دارند که رقمی حدود ۸۰۰ هزار نفر می‌شد. با اینهمه طی سال گذشته و به ویژه پس از اعتراضات سراسری آبان ۹۸ حضور کاربران ایرانی در

● در ایران «محدودیت‌ها شامل حال همه کاربران نمی‌شود و برخی از وبسایت‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها، خبرگزاری‌ها و خبرنگاران خاص و تمامی مسئولین بدون نیاز به فیلترشکن از اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنند.»

● «تعریف رژیم ایران از اینترنت ملی، شبکه کامپیوتری بسته بر اساس پروتکل اینترنت است که توسط دولت ساخته و هدف نگهداری می‌شود و هدف اصلی آن نظارت بر ارتباطات درون کشور، قطع دسترسی به رسانه‌های بیرونی، کاهش هزینه‌ها، کاهش حملات سایبری و استقلال شبکه‌ای است که در آن اطلاع‌رسانی کنترل شده باشد.»

● پس از توافق اتمی و برجام بود که بارفخ تحریم‌ها، روند اجرای «اینترنت ملی» برای کنترل و سانسور اینترنت جهانی سرعت گرفت و دولت روحانی توانست بخشی از زیرساخت‌های آن را تأمین کند.

● جمهوری اسلامی از امکاناتی که در مخابرات برای بهبود کیفیت و ارائه‌ی خدمات بهتر به مشترکین وجود دارد، در جهت اجرای محدودیت‌های بیشتر استفاده می‌کند!

● «جمهوری اسلامی فاصله کمی تا تکمیل پروژه اینترنت ملی یا شبکه ملی اینترنت برای قطع دسترسی کاربران عادی به شبکه جهانی دارد.»

● «جمهوری اسلامی فاصله کمی تا تکمیل پروژه اینترنت ملی یا شبکه ملی اینترنت برای قطع دسترسی کاربران عادی به شبکه جهانی دارد.»

● «جمهوری اسلامی فاصله کمی تا تکمیل پروژه اینترنت ملی یا شبکه ملی اینترنت برای قطع دسترسی کاربران عادی به شبکه جهانی دارد.»

● «جمهوری اسلامی فاصله کمی تا تکمیل پروژه اینترنت ملی یا شبکه ملی اینترنت برای قطع دسترسی کاربران عادی به شبکه جهانی دارد.»

فیلترینگ برای جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات

دیگر بس است!

بدون آزادی زنان با کشف حجاب توسط رضاشاه و به پشتوانه‌ی قانون و قدرت دولتی که عزم و اراده‌ی راسخ برای پیشرفت و رشد کشور و جامعه داشت، امکان نداشت بتوان حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی زنان را تأمین کرد! کدام کشور را می‌شناسید که زنانش با چادر و چاقچور قجری وزیر و وکیل و سفیر و استاد و قاضی شده باشند و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن تا عالی‌ترین نهادهای دولتی را یافته باشند؟! کدام کشور را می‌شناسید که تاج پادشاهی بر چادر و چاقچور سیاه نهاده باشد؟! کشف حجاب به پشتوانه‌ی قدرت دولتی توانست راه را بر فشار ملایان مرتجع و پدرسالاران سنتی که فائزه رفسنجانی مدعی مخالفت با آنهاست، ببندد! همان ارتجاعی که زنان ایران سال‌هاست از آن کشف حجاب را طلب می‌کنند و جز سرکوب نمی‌بینند! قانون و حکومت رضاشاه اما به عنوان حامی زنان و مردان پیشرویی که در اقلیت و خواستار آزادی زن ایرانی از قید و بند چادر و چاقچور بودند در برابر ارتجاع و مردسالاری ایستادند. بر اساس همین ایستادگی بود که وقتی سال‌ها بعد در اسفند ۵۷ یکی از همان مردان مرتجع در شمایل رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری زنان با نخستین اعتراض مدنی علیه رژیم به میدان آمده و فریاد زدند: ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم! همان اعتراض بود که باعث شد خمینی ماست‌هایش را کبسه کند و حيله‌گرانه منتظر بماند تا سه سال

از صفحه ۷

باید با این قضیه مخالفت کند یا جامعه چیز دیگری می‌خواهد. این مسائل اخیرا خیلی مطرح شده و به نظرم آن موقع که وارد سیاست شدم روزنامه زن را منتشر کردیم، اگر اشتباه نکنم به این مسائل و حجاب زنان پرداختیم و با حجاب اجباری مخالفت می‌کردیم، البته دقیق به خاطر ندارم. بنابراین از زمانی که قلم رسید شروع کردم به مخالفت کردن. آن موقع که حجاب اجباری شد، یادم است که تظاهراتی هم انجام شد ولی آن موقع من در این مایه‌ها نبودم که راجع به آن حرف بزنم یا فکر کنم. ما در اسلام هم حجاب اجباری نداریم که حکومت دینی زنان را مجبور کند که حجاب داشته باشند. حتی خیلی از علما هم با این قضیه مخالفت کردند. با اینهمه به نظر می‌رسد او هنوز هم به اهمیت پوشش زنان و رابطه‌ی آن با پیشرفت جامعه به ویژه در خاورمیانه و کشورهایی مانند ایران پی نبرده است. از همین رو در پاسخ به اینکه آیا حجاب مانع پیشرفت می‌شود، می‌گوید:

«اگر حجاب را فقط چادر بدانیم، بالاخره شاید خیلی کارها را نشود با چادر انجام داد. ولی حجاب فقط چادر نیست، چادر یکی از انواع حجاب است. ما ۵۸ کشور مسلمان داریم، اینهمه مسلمان در دنیا داریم و انواع و اقسام حجاب‌ها را می‌بینیم، بنابراین در کل من حجاب را مانع پیشرفت نمی‌بینم. برای خود من حجاب مانع نبوده و باعث پیشرفت بود!»

کدام پیشرفت؟! گاهی طرح یک پرسش مناسب‌تر از ده‌ها پاسخ است! (بخش پایانی در شماره آینده)

گفتگویی به یاد محمدعلی کشاورز

همانطور که دیگر کسی پیدا نمی‌شود مثل «دایی جان ناپلئون» یک کار به این خوبی و زیبایی تحویل جامعه بدهد؛ و بعد هنرمند باید نجابت داشته باشد. این چیزی بود که همیشه در مورد آن صحبت می‌کردیم؛ برعکس حالا که خب دیگر خود شما بهتر از من می‌دانید که بازیگر شدن می‌خورد و نمی‌دهند.

● شده تا بحال به مشکل مالی برخورد کنید و دستمزد شما را پرداخت نکنند؟

-نه، من به مشکل مالی برخورد نکردم برای اینکه روی حقوقی که از بازیگری می‌گرفتم اصلا فکر نمی‌کردم! من کارمند بازنشسته «وزارت فرهنگ و هنر ارشاد اسلامی» هستم!

● در مورد فیلم و سینمای ایران در سال‌های اخیر چه نظری دارید؟

-خیلی از سریال‌هایی که الان برای تلویزیون ساخته می‌شوند، سریال‌هایی هستند که به قول معروف خیلی آبکی هستند؛ سینمای ما تبدیل شده به «چهره» سینمای ما؛ کارهای تلویزیونی، بازیگرها و کارگردان‌های تلویزیون می‌بایست بدانند برای چه ملتی کار می‌کنند؛ باید ملت خودشان را بشناسند که در طول تاریخ چقدر باسواد بودند، یکی مثل مولوی داریم که می‌شود مثنوی‌اش را خواند و برای ساختن فیلم بسیار عالیست. ادبیات ما جزو ادبیات تاب دنیاست؛ برای بازیگر و سینما خیلی خوب است که ادبیات ما را بیشتر بشناسد. کارگردان‌های ما



دانش مطرح است نه دوست بودن و رفیق بودن. امیدوارم آن عده از هنرمندان ما که دنبال اعتیاد رفتند یا کار هنرپیشگی را ول کردند و نیایند کار کنند یا اگر بخواهند کار بکنند پاک و بی‌آلایش باشند چه برای تئاتر یا سینما و چه نقاشی و نوشتن داستان.

از صفحه ۴

ز زیبایی بازیگرها نباشند! باید ببینید که رل را می‌توانند خوب ارائه کنند یا نه! کسی مثل محمدعلی کشاورز اگر نمی‌تواند بازی کند باید او را بگذارند کنار! کارگردان عزیز تو باید بفهمی که مثلا محمدعلی کشاورز برای این نقش خوب است یا نیست. برای بچه‌هایی که کار از نمایندگان، کارشناس نیستند و شعاری‌اند. روشن است چنین مجلسی نتواند ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از اوضاع کشور داشته باشد.»

صادق زیباکلام که از حامیان سرسخت حسن روحانی به شمار می‌رود هم در یادداشتی در کانال تلگرامی خود به دفاع تمام‌قد از عملکرد دولت روحانی پرداخته و نوشته «معضلاتی که کشور را در خود فرو برده، دارد دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کند. اصل‌گرایان مدت‌هاست انگشت اتهام را به سمت روحانی نشانه رفته‌اند. ای کاش این گونه بود و مقصر بحران روحانی و دولتش بودند.»

زیباکلام همچنین نوشته که «ممکن است برخی از اصولگرایان، به شعاری‌هایی که می‌دهند مانند «مدیریت جهادی»، «جوان‌گرایی»، «اتکا به منابع داخلی به جای چشم‌دوختن به خارج از کشور»، «خودکفایی و ایستادن روی پاهای خود»، «تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها» و... واقعا باور داشته باشند؛ اما بی‌تردید بسیاری از آنان که بیشتر اهل حساب و کتاب و منطق هستند، می‌دانند که با شعار نمی‌توان منابع مالی پنج میلیون حقوق‌بگیر را تأمین کرد.»

خط و نشان نمایندگان

مطهری افزوده که «نمایندگان باید پخته عمل کنند و وقت انتقام‌گیری نیست و اینکه همه تقصیرها را به گردن رئیس‌جمهور بیندازیم اما عملکرد خود را نبینیم، بی‌انصافی است.»

مطهری معتقد است نمایندگان اگر به دنبال حل مسائل کشور هستند باید از رئیس‌جمهور درخواست وقت ملاقات کنند و با راه‌حل و پیشنهاد‌های خود به حل مشکلات کشور کمک کنند و گرنه اینکه مردم فقط ناله مسئولان را بشنوند اتفاق جالبی نیست و باعث ناامیدی مردم می‌شود.

علی مطهری همچنین گفته تهدید روحانی از سوی این نمایندگان را نمی‌توان جدی گرفت و «برخی نمایندگان هنوز از تب و تاب فضای انتخابات بیرون نیامده‌اند. کم‌کم متعادل خواهند شد و با دولت همکاری خواهند کرد.»

مطهری همچنین به تهدید نمایندگان با «مقام معظم رهبری» پرداخته و گفته «اگر هم مجلس در تقابل جدی با دولت قرار بگیرد قطعا مقام معظم رهبری دخالت خواهند کرد.»

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی

از صفحه ۵

و همه جا در کوچه و خیابان‌ها دیده می‌شوند و فقط باید کوشید تا از آنها دوری کرد!

به هر حال، آن بعد از ظهر در کنسرت «عجوبه‌ها» وقتی جمشید علیمراد با شلوار تنگ و کت راه‌راهی که جلوی آن از بالا تا پایین دکمه خورده بود به روی صحنه آمد، ما هیجان‌زده شدیم. همانجا به تقلید از فیلم‌هایی که از کنسرت «بیتل‌ها» توی اخبار تلویزیون دیده بودیم شروع به جیغ زدن کردیم. بعضی دخترها با شنیدن ترانه‌های خارجی علیمراد، موهای سرشان را چنگ زدند و حتی گریه هم کردند و خلاصه در آن فضای بی‌سابقه ما تا جایی که می‌توانستیم جوانی کردیم و مقدار زیادی از خشمی که نسبت به دو سه نسل گذشته یا ناکامی‌های چند قرن سکوت و سرکوب زنی شده داشتیم را همانجا خالی کردیم.

با پایان برنامه، ناگهان تعدادی از آدم‌های این جمع چند صد نفری که جزو گروه «لیت» یا سرآمدهای جامعه بودند اما طبیعتا هنوز با فرهنگ رفتاری و آداب و رسوم شرکت در یک کنسرت بزرگ راک آشنا نبودند تصمیم گرفتند همزمان از سالن خارج بشوند! ناگهان همه شروع کردند به هل دادن همدیگر و بعد هم صدای‌های تاشوی «راج» بود که به فضا پرتاب می‌شد. آندسته از جوان‌های گردن کلفتی که زورشان بیشتر بود، با کنار زدن دیگران راه را برای خودشان و رفقایشان باز می‌کردند و سالن منظم کنسرت ناگهان تبدیل شد به یک زباله‌دانی پر از بلیت‌های باطله، پاکت‌های خالی تخمه، شیشه‌های شکسته «کانادا درای» و صدای‌های ارج قراضه و در این میان جوارب «تورماهیگیری» بود هم که برای اولین بار پوشیده بودم و البته پوشیدن آن در رابطه با یکی از ترانه‌های محبوب علیمراد چندان بی‌مسما هم نبود، به گوشه یکی از صدای‌ها شکسته گیر کرد و پاره شد!

همان هفته در یکی از روزنامه‌ها یا مجلات هفتگی نوشتند که اداره شهرنای اجرای این نوع کنسرت‌ها را برای همیشه ممنوع کرده است.

به حال در آن زمان، یعنی در دوران تولد موسیقی راک ایرانی،

کافه نادری و

بیشتر نقش اسکورت داشتند به این امفی تئاتر سرپوشیده که فکر می‌کنم متعلق به موسسه اطلاعات یا مجله بانوان بود، در یکی از محله‌های قدیمی که فکر می‌کنم لاله‌زار یا نادری بود رفتم. دلیل اسکورت داشتن هم این بود که در آن زمان با سر و ضعی که ما داشتیم، با آن دامن‌های کوتاه، بدون شک در معرض حمله متلک‌گوها و «تیشگون»‌گیرهای حرفه‌ای بودیم! البته ما آن روزها چنان شفیفته انقلاب فرهنگی انگلیس شده بودیم که مسائل پیش پا افتاده‌ای چون «توده محروم و دردکشیده» در یک «جامعه متعصب و مذهبی» برایمان مفهومی نداشت و به خاطر شناخت سطحی از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردیم، حتی فکر اینگونه مسائل هم به مغزهای کوچک‌مان خطور نمی‌کرد!

در مدارس زمان ما، از درس‌هایی مثل جامعه‌شناسی و علوم انسانی خبری نبود. در عوض حفظ کردن وقایع کتاب تاریخ چند هزارساله‌ای که مجموعه‌ای از آمار جنگ‌ها، فتوحات، شکست‌ها و پیروزی‌های ایران بود رواج داشت. هرچند جزئیات و اثرات این شکست‌ها و پیروزی‌ها هرگز مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گرفت و در بین دروس دبیرستانی ما از تجزیه و تحلیل اینگونه مسائل خبری نبود. من تا همین اواخر نمی‌دانستم که زیاده‌روی نادرشاه در خشونت و کشتار در روان بیمار او ریشه داشته یا انوشیروان عادل آخرین ستاره‌ای بود که در افق ایران باستان درخشید و بعد از افول او، به خاطر خطاهای جانشینانش همه چیز رو به انحطاط رفت و چندی بعد با انقراض دولت اردشیر بابکان، تاریخ تازه‌ای برای ایران رقم زده شد.

به هر حال بهتر است از بحث خارج نشویم. فقط اینکه بطور خلاصه باید بگویم که من نوجوان و هم‌سن و سال‌هایم، در آن زمان هیچ شناختی از جامعه یا طبقات محرومی که به حاشیه‌ها هل داده شده بودند نداشتیم. آنها برای ما آدم‌هایی با ظاهری خشن و رفتاری بی‌ادبانه بودند که هیچ بویی از تمدن نبرده‌اند که حالا به هر دلیل جزئی از این جامعه‌اند و در کنار ما زندگی می‌کنند

از صفحه ۱۶

در ساعات اولیه دستورالعمل و راهکار واحد برای اعمال محدودیت وجود نداشت و با گسترده‌تر شدن تظاهرات شورای امنیت جمهوری اسلامی تصمیم به قطع سراسری اینترنت گرفت و وزارت ارتباطات به کلیه سرویس‌دهندگان اینترنتی این دستور را ابلاغ کرد.

این تصمیم از سر استیصال و به پشتوانه شبکه ملی اطلاعات گرفته شد، ولی از آنجا که شبکه اطلاعات ملی آمادگی بهره‌برداری نداشت بسیاری از وسایط‌های داخلی نیز به دلیل کمبود پهنای باند و یا عدم انتقال میزبانی (هاست) به «دیتاسنتر داخلی» در روزهای نخست دچار مشکل شده و از دسترس خارج شدند! وی ادامه می‌دهد: «در پی این دستور تمام اپراتورها اقدام به قطع کامل دیتای شبکه خود نموده و پس از آن نیز سرویس دهنده‌های خانگی اقدام به قطع ارتباطات خود با شبکه بین‌المللی کرده و در مرحله آخر نیز ارتباطات مشترکین خاص مانند بانک‌ها و مراکز دولتی قطع و بر روی شبکه داخلی اینترنت سوئیچ شد.

گزارش ویژه: گفتگو با

و همچنین اشخاصی را در جمعیت مشاهده می‌کردیم که به راحتی از گوشی خود استفاده می‌کنند در حالی که مردم عادی حتی قادر به استفاده از سیم‌کارت برای تماس صوتی نبودند.

علاوه بر این، از طریق همین تفکیک دسترسی‌ها و اطلاعات امنیتی سیم‌کارت، افراد خاص مانند وزیران دولت و برخی خبرنگاران بر روی گوشی خود دسترسی آزاد به اینترنت بین‌المللی را بدون نیاز به استفاده از هرگونه فیلترشکن دارند و به همین دلیل هم اکثر آنها در پلاتفرم‌های فیلترشده مانند توییتر حضور فعال دارند.»

علی معین افشاری در پاسخ به این پرسش که در آبان ۹۸ چه اتفاقی افتاد که برخی آن را «پیچیده‌ترین نوع اعمال فیلترینگ» توسط جمهوری اسلامی عنوان کرده‌اند، می‌گوید: «در آبان‌ماه غافلگیری و عدم آمادگی رژیم موجب شد که از تمامی ظرفیت و امکانات موجود برای اعمال محدودیت و جلوگیری از دسترسی کاربران به اینترنت بین‌الملل استفاده کند.

دار ترجمه بین المللی نریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر جمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سر دبیری:

editorial@kayhan.london

با خبرند. «نرمش قهرمانانه» و امضای برجام و آزاد شدن میلیاردها دلار پول که معلوم نیست به کجا رفت، در واقع نتیجه سوار شدن جنبش سبز بود. زمامداران نظام و رهبران جنبش سبز نیز نمی‌خواستند اعتراضات به جایی برسد که نظام را گرفتار یک بحران اساسی بکند. منافع فردی و گروهی افرادی مثل مصطفی تاجزاده، سعید حجاریان، غلامحسین کرباسچی، الیاس حضرتی و دیگران با بقای جمهوری اسلامی تأمین شده و می‌شود.

اما از سال ۹۶ اوضاع برای کل نظام دگرگون شد. اولین نشانه‌های آن شعار «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» بود. از پاییز ۹۶ و به ویژه دی‌ماه آن سال اعتراضات در ایران به راه افتاد که رهبری آن دیگر با «سوپاپ‌ها» نبود. اعتراضات که رهبران و مبلغان آن در کف خیابان «کارمندان ستادها» انتخاباتی، خاتمی، موسوی، کروبی و روحانی نبودند.

اعتراضات «جنبش سبز» به زحمت از تهران فراتر می‌رفت و فتیله آن در دست خودی‌های نظام و جریان موسوم به اصلاح طلب بود که آن را برای داشتن سهمی در قدرت بالا و پایین می‌کشیدند و حاضر به هر مذاکره و معامله‌ای با رقبای خود در رژیم بودند. اما اعتراضات مردم از سال ۹۶ به بعد «مستقل» شد. اعتراضات که لیدرهای آن نه تنها وابستگی حزبی و سیاسی نداشته و جیره‌خوار نظام نیستند بلکه عمدتاً جوانانی هستند از طبقات عادی و تنگدست که بیکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات آنان است. آنها با درک ریشه‌های مشکلات شعار می‌دهند: «مملکت آخوندی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» یا «آخوند باید گم بشه تا مملکت خوب بشه». در این اعتراضات مردم هم آنچه را نمی‌خواهند فریاد زدند و هم آنچه را که می‌خواهند شعار دادند: «ای شاه ایران برگرد به ایران».

این شعار بیشتر بیانگر آگاهی نسل‌های جدید بر دوراهی که کشور بیش از صد سال است در آن قرار گرفته و تقابل دو نگاه ارتجاعی و مدرن در تاریخ معاصر ایران است. اینک شرایط داخلی در ایران به نحوی پیش می‌رود که به راه افتادن موج تازه‌ای از اعتراضات و اعتصابات سراسری دیگر مورد تردید نیست!

پرسش فقط بر سر زمان آن است! در حالی که بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی ایران منفی شش خواهد بود، سیاست‌های دولت برای افزایش آنچه «تاب‌آوری» مردم و جامعه خوانده می‌شود، شکست خورده و نارضایتی بیش از پیش شدت گرفته و میزان نارضایتی‌ها که ارتباط مستقیم با تجمعات دارد افزایش یافته است. سرکوب اعتراضات که جمهوری اسلامی خود را برای آن آماده می‌کند، نه تنها هیچ دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه بیش از پیش به نارضایتی‌ها دامن خواهد زد. آنهم در حالی که وضعیت نظام در عرصه بین‌المللی نیز از اینک هاست بدتر می‌کند.

کشور و قتل عام مردم در هیچ کشوری هیچ حکومت سرکوبگری را حفظ نکرده است! سرنوشت سوریه برای جمهوری اسلامی می‌بایست درس عبرتی باشد. بعد از ۱۰ سال سرکوب و جنگ توسط رژیم بشار همچنان در شهرهای مختلف این کشور حتی در شهرهایی که روزی طرفدار اسد بوده‌اند اعتراضات ضدحکومتی برپاست و جهان برای برکناری رژیم وی از قدرت به چاره‌جویی مشغول است.



سیاست‌های شکست‌خورده‌ی نظام برای «تاب‌آوری» مردم؛ اعتراضات از سر گرفته خواهد شد

محمدخاتمی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامه‌نگاری‌ها و بیانیه‌های خود در تمام این ۱۲ سال نشان دادند که در خوشبینانه‌ترین حالت، فقط منتقد برخی از سیاست‌های علی خامنه‌ای هستند و نه مخالف جمهوری اسلامی!

رکاب‌سواری با ظرفیت‌های

نظر می‌رسد تجمعات پراکنده اما دنباله‌دار صنفی و اجتماعی و سه مرحله اعتراضات سراسری سبب شده تا دولت ترامپ و دولت‌مردان او برخلاف دولت باراک اوباما در مقابل جمهوری اسلامی مواضع جدی‌تری داشته باشند. اوباما و جان کری نخواستند صدای مردم را بشنوند

بین‌المللی آن دچار یک تناقض بزرگ هستند. این ادعا که غربی‌ها یا کشورهای منطقه عامل اعتراضات در ایران هستند حتی از سوی مقامات ارشد رژیم ایران نفی می‌شود. حسن روحانی که او نیز می‌گوید «هدف دولت آمریکا تغییر رژیم در ایران است» درباره تظاهرات دو سال

آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان عامل اصلی اغتشاشات هستند و هدف از این تحرکات تضعیف جمهوری اسلامی است.

بعد از تظاهرات آبان ۹۸ محمدجعفر منتظری دادستان کل مدعی شد «اغتشاشات قطعاً از خارج از کشور هدایت می‌شد».



اعتراضات در خوزستان آبان ۱۳۹۸

حتی با وجود این شعار مردم فریاد می‌زدند: «اوباما، اوباما، یا با اونا یا با ما». آنها کر ماندند! گرچه اکنون بعد از ۱۲ سال اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، جریان «جنبش سبز» به حامیان میرحسین موسوی نسبت داده می‌شود اما چه آن زمان و چه اکنون مشخص بوده و هست که رهبران جنبش سبز در چارچوب نظام جمهوری اسلامی قرار دارند و از همین رو وقتی دیدند ظرفیت اعتراضات که هم رأی‌دهندگان و هم مخالفان رژیم را در بر می‌گرفت، آنقدر قوی و بالاست که ممکن است خطر بیاندازد، عقب‌نشینی کردند.

بنابراین در رأس نظام نیز همگی از پتانسیل اعتراضات داخلی و پیامدهای سیاسی آن علیه رژیم

پیش گفته بود اعتراضات دی‌ماه ۹۶ باعث شد آمریکایی‌ها از توافق اتمی خارج شوند و تحریم‌ها را اعمال کنند. رئیس جمهوری اسلامی اقرار می‌کند که اعتراض مردم «آمریکا را پر رو» کرد. آنچه سبب می‌شود جمهوری اسلامی باور نکند که آمریکا به دنبال «تغییر رژیم» نیست حمایت مستقیم و آشکار کاخ سفید از «صدای مردم» ایران است که علاوه بر شعارهای علنی علیه علی خامنه‌ای می‌گویند: «دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکاست».

دولت ترامپ تکرار می‌کند که صدای مردم ایران در مخالفت با جمهوری اسلامی را می‌شنود. به

سرگتی لاوروف وزیر خارجه روسیه در سال ۹۸ در سخنرانی خود در پنجمین کنفرانس بین‌المللی «گفتگوهای مدیریتانه‌ای - رم» اعلام کرد که آمریکا در صدد «خفه کردن اقتصادی» ایران است تا نارضایتی مردم این کشور را تحریک کند. او نیز گفت که ناآرامی‌ها و اغتشاشات اخیر در ایران نتیجه سیاست واشنگتن است. معمولاً رژیم‌های دیکتاتور با نادیده گرفتن ریشه‌های نارضایتی عمومی با نسبت دادن اعتراضات مردم به عامل بیرونی سرکوب را توجیه می‌کنند که همین نیز بیشتر مقدمه‌ی برخوردهای شدید و خونین با مردم می‌شود. جمهوری اسلامی و حامیان

با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و آغاز «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، مقامات کاخ سفید بارها به رژیم ایران پیام دادند که جمهوری اسلامی با پذیرفتن شروط آمریکا «تغییر رفتار» دهد و مانند یک رژیم سیاسی عادی مسئولیت‌پذیر شود یا اینکه شاهد فروپاشی اقتصادی باشد.

در دو سال گذشته نه تنها هیچ‌کدام از مقامات ارشد آمریکا درباره «تغییر رژیم» در ایران صحبتی نکردند بلکه با رد آن بارها تأکید کردند به دنبال تغییر رژیم نیستند و می‌خواهند «رفتار رژیم تغییر کند». این در حالیست که کارگزاران حکومت در ایران نسبت به دولت دونالد ترامپ به شدت بی‌اعتمادند و این ادعا را که آمریکا به دنبال تغییر رژیم نیست باور نمی‌کنند.

مقامات جمهوری اسلامی، روس‌ها و رهبران حزبالله لبنان و دیگر شبه‌نظامیان منطقه که دست در جیب تهران دارند همواره ادعا می‌کنند آمریکا، انگلیس و همچنین اسرائیل، عربستان و امارات عامل به راه افتادن اعتصابات و تظاهرات سراسری در ایران هستند. عمار موسوی از مسئولان ارشد حزبالله لبنان در سال ۹۶ گفت